

اُفت

אָפֿק
בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال نوزدهم - شماره ۴۶

پاییز ۱۳۹۶ شمسی

تبت 5778 عبری

ژانویه 2018 میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسئول: دکتر همایون سامه‌یح

سر دبیر: فرانک عراقی

مدیر اجرایی: نسترن جاذب

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

آرش آبابی - شرگان انورزاده - اتوسا آرمین - ژان پایاب - نیوشا پایاب
نسترن جاذب - تینا ربیع‌زاده - رحمن دلرحیم - لیورا سعید - المیرا سعید
امید شایان‌مهر - مردخای امین شموئلیان - فرانک عراقی - فرزاد طوبیان
امید محبتی مقدم - مهران ملک - دوریتا معلمی
بهادر میکائیل - الهام مؤدب - امیرفراز نعیموت - بهزاد نصیرزاده
مرجان یشایایی و مژده یمینیان .

ویراستاران: آرش آبابی - فرانک عراقی

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: نسترن جاذب

طراحی جلد: مردخای امین شموئلیان

عکس جلد: مردخای امین شموئلیان - کوروش شایان‌مهر

تایپ متون عبری: یورام هارونیان

امور چاپ: بهزاد نصیرزاده

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - نامبر: ۶۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی: bina126@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است .

◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است .

◆ طرح روی جلد: هخال کنیسیای گرگان مزین به خطاطی عبری استاد دلرحیم

● سخن سردبیر: ارزشمندی و تأثیر پیشکسوتان در جامعه/ فرانک عراقی / ۲

● سرمقاله: انجمن کلیمیان، نهاد قدرتمند جامعه یهودی/ دکتر همایون سامه‌یح / ۳

● مذهبی

● عید گشایش (روشنایی) / امید شایان‌مهر / ۴

● همزیستی مسالمت‌آمیز در متون مقدس یهود / حاخام دکتر یونس حامی لاله‌زار / ۶

● بررسی دو مفهوم اصل و وصل در حکمت قبالا / شیریندخت دقیقیان / ۱۰

● شالم، صلح و صفا از دیدگاه کتب مقدس یهود / رحمن دلرحیم / ۱۷

● گزارش و مصاحبه

● مصاحبه با استاد رحمن دلرحیم / فرانک عراقی - آرش آبابی / ۲۱

● بیمارستان دکتر سپیر نهاد ارزشمند و اعتقادی یهودیان / هارون یشایایی / ۲۵

● بهای تمام شده تخت روز آی‌سی‌یو در بیمارستان دکتر سپیر / سامان کاهن / ۲۶

● گزارش یک ابتکار / دوریتا معلمی - لیورا سعید / ۲۸

● گزارشی از همایش فرهنگی کتابخانه / لیندا لوی شوقی / ۳۱

● فرهنگی

● جایگاه زن در آیین یهود (بخش اول) / نسترن جاذب / ۳۳

● جامعه‌ای کوچک با زنانی بزرگ / ۳۸

● چهار یهودی برنده جوایز نوبل ۲۰۱۷ / آرش آبابی / ۴۱

● یهودیان افغانستان / دکتر ژان پایاب / ۴۴

● گذری بر تاریخچه کنیسه‌های تهران (کوروش) (بخش پایانی) / مهران ملک / ۴۷

● آشنایی با مشاهیر یهود جهان: دکتر مرتضی معلم / نیوشا پایاب / ۵۱

● بابا یقوتیل، اسطوره محبت / نورالله نورمن گبای / ۵۴

● پوشاک کردهای کلیمی ایران و عراق / افشین میرعبدالله لواسانی / ۵۶

● جام‌جم را از چه کسی طلب کنیم / الهام مودب / ۵۸

● ادب و هنر

● فیلیپ راث / اتوسا آرمین / ۶۴

● کوچه و پس‌کوچه‌های کودکی / شرگان انورزاده / ۶۶

● مشتی خاک از جنس آسمان / المیرا سعید / ۶۷

● معرفی کتاب «سوغ» / دکتر شرمین روبن‌زاده / ۶۸

● طنز

● مقصر زخم بود / رحمن دلرحیم / ۷۰

● اجتماعی، روانشناسی

● نوجوان ابدی / لیورا سعید / ۷۳

● تغذیه

● چاقی یا لاغری / مژده یمینیان / ۷۶

● حقوقی

● جرایم رایانه‌ای / امیرفراز نعیموت / ۸۰

● اخبار

● اخبار / امید محبتی مقدم / ۸۲



کسخن سردبیر

ارزشمندی و تاثیر پیشکسوتان در جامعه

فرانک عراقی

کارشناس ارشد (روزنامه‌نگاری)

از مهم‌ترین سرمایه‌های اصلی یک جامعه، به‌ویژه جامعه کوچک ما، پیشکسوتان و ریش‌سفیدان آن هستند. پیشکسوتان هر جامعه‌ای سرمایه‌ی ارزشمند آن به شمار می‌رود. احترام به آنان و توجه و به کارگیری تجربیات ارزنده آنان موضوعی است که اگر رعایت شود، نسل جوان هم به آن روی می‌آورد. تجربیات ارزنده آنان می‌تواند برای تک تک افراد جامعه مورد استفاده باشد. مخصوصاً در جامعه ما که یک اشتباه می‌تواند به ضرر کل جامعه باشد، این روش بسیار سودمند است و مشاوره با این افراد مسلماً نتایج بهتری به بار خواهد داشت.

تجارب پیشکسوتان، نه در کتابی نوشته شده و نه در جایی پیدا می‌شود و بی‌توجهی به این امر موجب پیمودن دوباره راه خواهد شد.

خوشبختانه در جامعه کلیمی در هر زمینه‌ای پیشکسوتان با تجربه‌ای داریم، از معلمان گرفته تا فعالان اجتماعی که هر کدام به نوعی سرمایه جامعه محسوب می‌شوند. استفاده از تجارب آنان برای جوانان راهگشاست. اگر انتظار دارید یک جامعه پیشرفت کند، باید روی فرهنگ جوانان آن جامعه کارکرد، اما چگونه؟ مسلماً پیشکسوتان نقش عمده‌ای در این زمینه دارند. متأسفانه در جامعه ما عده‌ای از جوانان که تازه پا به عرصه فعالیت‌های اجتماعی گذارده‌اند می‌خواهند یک شبه ره صد ساله را طی کنند و گوششان بدهکار هیچ نصیحتی هم نیست و گاهی افکار و نظرات پیشکسوتان برای آنان قدیمی به نظر می‌رسد به همین جهت پس از اولین شکست خیلی زود سر خورده و ناراضی از اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی کنار می‌کشند. اما جوانان ما باید بدانند، فعالیت اجتماعی احتیاج به شاگردی در کنار بزرگان و پیشکسوتان دارد و صبر و تحمل می‌طلبد. البته که تحصیلات در نیل به موفقیت بسیار مهم و سودمند است ولی تجربه کردن و استفاده از تجارب بزرگان بسیار موثر است و تجربه در کنار تحصیلات مرتبط، یقیناً سودمندتر و مثمرتر خواهد بود. چرا وقتی سن اشخاص فعال در جامعه بالا می‌رود باید از کار اجتماعی خداحافظی کنند؟

آنها باید جوانان را راهنمایی کرده و در کنار آنها باشند و جامعه فردا را با آموزش آنان بسازند نه اینکه با بی‌مهری جامعه خود را کنار بکشند و دخالتی هم در امور نداشته باشند. لزوم جلسات مشورتی با بزرگان و پیشکسوتان در بزنگاه‌های اجتماعی باعث می‌شود گذر از بحران‌های مختلف برای مسئولین جامعه، آسان‌تر و کم هزینه‌تر باشد. ■



کلمه سرمقاله

انجمن کلیمیان، نهاد قدرتمند جامعه یهودی

دکتر همایون سامعی

رئیس انجمن کلیمیان تهران

با توجه به اوضاع کنونی جامعه کلیمیان و مسائل روز آن، لازم دانستم که توضیحاتی را در مورد انجمن کلیمیان تهران و وظایف آن به رشته تحریر درآورم، هر چند که شاید برای خوانندگان محترم تکرار مکررات باشد. انجمن کلیمیان نهاد قدرتمند جامعه یهودی است که به صورت رسمی در مورد مسائل اجتماعی تصمیم‌گیری می‌کند و مهم‌ترین وظیفه آن «حفظ هویت یهودیت» می‌باشد و این نکته را متذکر می‌شوم که نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی با این که وظایف سیاسی را برعهده داشته‌اند، کمک‌های بسیاری در مورد مسائل اجتماعی به انجمن کلیمیان می‌نمایند.

وظیفه این انجمن حمایت از تمام افراد یهودی ایرانی از هر نگرش و تفکر و در هر سطح از دین‌داری است و تمام ارگان‌های جامعه از جمله: مدارس، کنیساها، سازمان‌های جوانان، مهدهای کودک، سرای سالمندان، رستوران‌ها و ... زیرمجموعه آن می‌باشند. هر چند که بیمارستان دکتر سپهر، کانون فرهنگی، هنری و اجتماعی و انجمن دوشیزگان و بانوان یهودی دارای اساسنامه‌ای جداگانه می‌باشند، این انجمن سازمان‌های فوق را نیز به اشکال مختلف مورد حمایت خود قرار داده است و همین‌طور به این خاطر که انجمن کلیمیان تهران فقط دارای اساسنامه رسمی بوده و مورد تأیید وزارت کشور و دیگر ارگان‌های دولتی کشور می‌باشد، تمام سندهای املاک جامعه یهودی ایران به نام انجمن کلیمیان تهران بوده و حتی در صورت طرح هر دعوی حقوقی (خواهان و خوانده) در سراسر کشور، این انجمن می‌بایست در دادگاه‌های مربوطه شرکت نموده و از حقوق جامعه کلیمی شهرستان‌ها دفاع نماید و به همین علت است که این انجمن را به نام انجمن کلیمیان ایران نیز می‌شناسند.

تصمیم‌گیری در مورد مسائل اجتماعی به عهده ۱۲ نفر اعضای هیئت مدیره بوده و از همکاری سه نفر بازرسین نیز استفاده می‌گردد. اعضای این انجمن، در صورت نیاز با افراد باتجربه‌ی جامعه در امور اجتماعی و یا مذهبی نیز مشورت می‌کنند و در نهایت آن چه تصمیم‌گیری می‌شود نتیجه آرای اعضای آن است.

تنها مرجع استعلام سئوالات دینی از طرف قوه قضائیه این انجمن است و از طرفی، انجمن مسئول و پاسخگوی تمام مسائل ایجاد شده در نهادهای زیرمجموعه خود به نیروی انتظامی و دیگر نهادهای مسئول کشوری است و مسئولیت جوابگویی آن با ریاست انجمن می‌باشد. همچنین اگر هر یک از ارگان‌های جامعه، مبادرت به عملی کنند که با قانون مغایرت داشته باشد انجمن کلیمیان جوابگو خواهد بود. از طرفی تصمیم‌گیری‌های این نهاد باید در جهت شرایط جامعه انجام گیرد و باید به نحوی باشد که تمام ارگان‌های متعلق به جامعه کلیمی چه زیرمجموعه انجمن باشد یا نباشد، دچار آسیب نشده و از دست نرود و از طرفی حرمت و احترام تمام فعالان اجتماعی حفظ شود. پس اگر هر ارگان از جامعه مبادرت به دخالت یا موازی‌کاری با فعالیت‌های انجمن کلیمیان نماید، نه تنها کمکی به جامعه ننموده بلکه باعث ایجاد اشکال نیز خواهد شد و تضعیف این نهاد باعث تضعیف کل جامعه می‌گردد.

در پایان از آن جایی که این نهاد، زیرمجموعه هیچ ارگانی در جامعه نبوده و بالاترین مرجع تصمیم‌گیری مسائل اجتماعی است، لذا به مشورت‌ها و نظرات هر شخص یا گروه فعال اجتماعی یا مذهبی توجه می‌کند ولی الزامی برای انجام آن ندارد و تصمیم‌گیری با اعضای هیئت مدیره می‌باشد. ■



חג חנוכה

عید گشایش (روشنایی)

امید شایان مهر

فعال اجتماعی و عضو کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران

بود. یونانیان به وجود خدای حقیقی و یکتا، اعتقاد و ایمانی نداشتند و برای هر پدیده، یک خدا و الهه خاص را می‌پرستیدند. آنها دارای استعداد غیرطبیعی بودند تا آن چیزی را که دیده بودند با زیبایی و قدرت بی‌نظیرشان به تصویر بکشند. اما، آنها قلمروها را نمی‌شناختند. اخلاق، دین‌داری، خداشناسی و معنویت ماورای فهم آنها بود. اشتباه فاحش آنها این بود که تصور می‌کردند روحانیت و معنویت برای دنیای آنها خطرناک و تهدیدآمیز است.

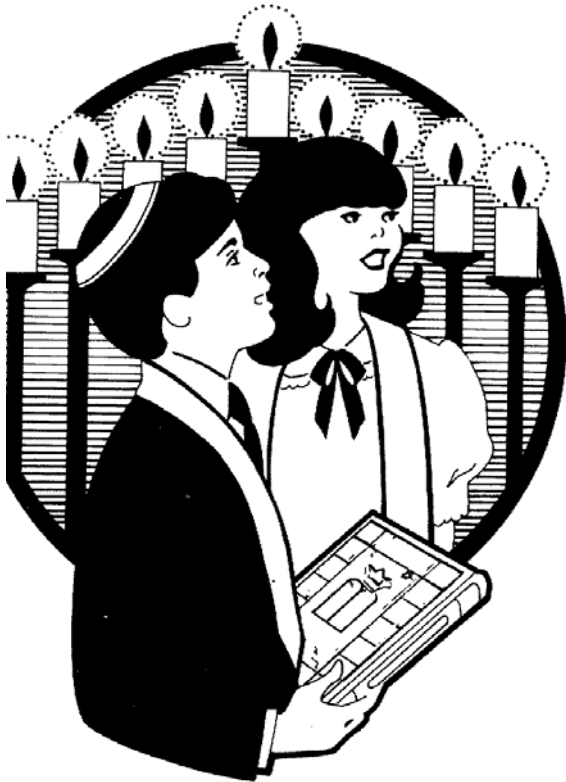
متأسفانه گروهی از یهودیان آن زمان تحت تأثیر فرهنگ و آداب و رسوم یونانیان قرار گرفتند و اعمال آنها را الگو و سرلوحه خویش قرار دادند و از رسوم و آئین مذهبی و قومی خویش دست برداشتند که تاریخ به این دسته از یهودیان لقب «هلنیست» (پیروان فرهنگ و تمدن یونان) داده است.

هلنیست‌ها نسبت به فرامین تورات مقدس یاغی و متمرّد شدند، زیرا که فکرشان را (به زعم یونانیان) به مکان‌های ناشناخته برده بود. در مقابل افکار و اعتقادات «هلنیست‌ها» گروهی از یهودیان به مبارزه

رویدادی که به ارزش ماه کیسلو ۱۶۵ «ماه معجزه و نجات برای یهودیان جهان» افزوده است. حنوکاست. این واقعه در یکی از تاریک‌ترین زمان‌های تاریخ یهودیان روی داده است.

به دنبال آبادی بت‌همیقداش (معبد مقدس) دوم، حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد قدرت جدیدی از اروپا کم کم پا گرفت که تمام امپراطوری زمان خود را به چالش کشید. این پدیده جدید قدرتی نبود به جز قدرت یونانیان و تمدن و آئینی که به عنوان «هلنیسم» نامیده می‌شد. این قدرت و تمدن جدید برای اولین بار قسمت بزرگی از آسیا و خاورمیانه را تسخیر نمود که از آن جمله حکومت یهودا در سرزمین مقدس بود.

پس از فرمانروایی یونانیان بر سرزمین مقدس، حکومت آنان تأثیرات سوء و منفی متفاوتی را بر یهودیان گذاشت. فرهنگ و تمدن یونانی به خاطر ظرافت و زیبایی ظاهری خود، فکر گروهی از یهودیان را به خود معطوف داشت. تهاجم یونانیان به کشور یهودا و سرزمین مقدس یک تهاجم نظامی و جنگ کلاسیک نبود، بلکه تهاجم به فرهنگ و آداب و رسوم و اعتقادات دینی و مذهبی یک قوم



بر علیه این مهم برخاستند. این گروه که مشهور به «حسیدیم» بودند به تورات مقدس و حفظ و اجرای فرامین آن ایمان کامل داشتند. یکی از روحانیون بزرگ یهود به نام «متیا حشمونایی» به همراه پنج پسرانش فرماندهی یهودیان را علیه یونانیان به دست گرفت. این گروه به علت ضربات مهلک و کوبنده‌ای که به دشمنان وارد ساخته بود بعدها به نام گروه «مکابی» یعنی «کوبنده» شهرت یافت. این گروه جمله‌ای معروف از تورات مقدس را «**מי כמוכה באלים ה'**» به معنی «چه کسی در حد توانایی تو است ای خدا» سرلوحه خود قرار داد. بالاخره پس از جنگ‌های متوالی و دشوار، مکابی‌ها با ایمان به خدا موفق شدند دشمن را شکست داده و به معبد مقدس که تا به حال در تصرف آنها بود وارد شوند. اما شادی آنها به حزن و اندوه تبدیل شد چرا که تمام مکان‌ها و وسایل مقدس توسط یونانیان ناپاک گشته بود. ولی آنان با امید و توکل به خدا و با اتحاد و همبستگی موفق شدند، معبد مقدس را پاک و مطهر سازند. آنگاه معجزه‌ای بزرگ اتفاق افتاد.

یونانیان، منورا (شمعدان بت‌همیقداش) را که سمبل روح و نور الهی بود ناپاک و نجس کرده بودند. اولین کاری که یهودیان دلاور انجام دادند این بود که تلاش کردند منورا را دوباره روشن کنند. چرا این کار برای آنها اهمیت داشت؟ دلیل این بود که آنها برای استقلال حکومت نجنبیده بودند بلکه آنها برای نوسازی روحانی و فرهنگ یهودیت

مبارزه کرده بودند و روشن کردن منورا، پاسخ آنها به جهان‌بینی تاریک ماده‌گرا بود.

در روز ۲۵ ماه عبری کیسلو، در همان ایامی که دشمنان، ستمگری علیه یهودیان با ایمان را آغاز کرده بودند، معبد مقدس به دست مکابیان مؤمن مجدداً افتتاح شد. امروزه یهودیان سراسر جهان در این ایام، «חנוکا» را به مناسبت افتتاح مجدد معبد مقدس به دست مکابیان و گشایش و پیروزی آنان بر علیه دشمنان جشن می‌گیرند و با نظاره کردن نوری که از شمع‌ها ساطع می‌گردد معجزه بزرگ خداوند را یادآوری کرده و شکرگزاران مدد‌ها و نعمت‌های بی‌دریغ او هستند. ■

همزیستی مسالمت آمیز در متون مقدس یهود



ماقام دکتړ یونس ممامی لاله‌زار

رهبر دینی کلیمیان ایران

ارائه شده در همایش بین‌المللی ادیان ابراهیمی و همزیستی مسالمت‌آمیز دانشگاه مفید قم ۱۳۹۶/۹/۱۹

مقدمه

بلکه همهٔ ابنای بشر باشد که در این مقاله سعی می‌کنیم به صورت اجمالی به این موضوع بپردازیم:

ارزش انسان

ادیان الهی، اولین قدم برای دعوت انسان به توحید و نیز هدایت او برای زندگی سعادت‌مندان را، ارزش بخشیدن به شخصیت انسانی او دانسته‌اند. همین است که آدمی به عنوان والاترین آفریده در هستی که آفرینش و همهٔ خلقت به خاطر او تکوین یافته است، معرفی می‌گردد.

این اصل که انسان از نظر معنوی شبیه به خداوند، آفریده شده است، اساس تعلیمات دانشمندان یهود، دربارهٔ وجود انسانی است. از این لحاظ انسان بر همهٔ مخلوقات جهان فضیلت دارد و عالی‌ترین نقطه، در کار آفرینش است. ربی عقیوا- از دانشمندان بنام دوران تلمود - می‌گوید: «انسان از این جهت که با ساختار و جوهره الهی آفریده شده است، شریف است. آگاهی او از این موضوع، ارزش او را بیشتر می‌کند، چنان که تورات (سفر پیدایش فصل ۹ آیه ۶) می‌فرماید: «خداوند، انسان را

از امید و آرزوهای دیرینه انسانی دستیابی به صلح و آرامش و زندگی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است. این آرمان به حدی اهمیت داشته و دارد که یکی از وظایف مهم منجی موعود نیز قلمداد گردیده است که او انسان‌ها را هدایت نموده تا به همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح جهانی دست یابند و به قول یشعیا نبی (فصل ۲ آیه ۴) «او (منجی)، بین اقوام داوری نموده و امت‌های زیادی را متنبه می‌نماید و ایشان، شمشیرهای خود را برای تبدیل به گاوآهن، نیزه‌ها را برای تبدیل به قیچی باغبانی می‌شکنند، ملتی بر ملتی دیگر شمشیر نخواهد کشید و دیگر جنگ نخواهند آموخت».

اعتقاد به امکان دستیابی به این مهم بین معتقدان به ادیان توحیدی اصل مهمی است که براساس آن می‌توان بحث و گفتگو کرد.

در کتب مقدس یهود و تلمود آیات و عبارات زیادی وجود دارد که می‌تواند دست‌مایه همزیستی مسالمت‌آمیز نه تنها بین پیروان ادیان توحیدی و

محکوم به نابودی از درگاه خداوند هستند، دست به راز و نیاز برداشته و برای نجات آنان به چانه‌زنی با خداوند می‌پردازد تا راهی برای رهایی آنها بیابد (سفر پیدایش، فصل ۱۸، آیات ۱۷ تا ۳۲).

بر کس می‌پسند آنچه را بر تو نیست پسند

ذکر دوران غربت و رنج و تبعیض در مصر همواره برای یهودیان هشدار بوده تا آنها، آن چه را که خود تجربه نموده‌اند برای دیگران تکرار نمایند: «به شخص غریب آزار و اذیت نرسان و بر او ظلم نکن زیرا که در سرزمین مصر غریب بودید.» (تورات - سفر خروج، فصل ۲۲ آیه ۲۰)

تأکید زیاد بر یادآوری خروج از مصر به حدی است که خداوند، حتی در اولین معرفی رسمی خود - در ده فرمان - می‌فرماید: «من خدای خالق تو هستم که تو را از مصر، خانه غلامی خارج کردم.» ملاحظه می‌شود که خداوند، توحید را با آزادگی و ارزش‌مداری انسان پیوند می‌زند.

حرمت جان و مال و ناموس آدمی

«هر آینه - انتقام - خون شما را به خاطر شما بازخواست خواهم کرد. از دست هر حیوان یا از دست انسان بازخواست می‌کنم، - انتقام - جان انسان را از دست برادرش خواهم گرفت. هر که خون آدمی را بریزد، خون وی به دست انسان ریخته شود زیرا خداوند، آدم را به شکل معنوی خود آفرید» (سفر پیدایش، فصل ۹ آیات ۵ و ۶). در آیات فوق تأکید بر جان آدم و ارزش معنوی انسان می‌باشد، فارغ از رنگ پوست، نژاد، دین و هر

به شکل معنوی خود آفرید». (تلمود - فصول پدران فصل ۳ بند ۱۸).

در گفتار دیگری از تلمود گفته می‌شود: «یک انسان با همهٔ عالم آفرینش برابر است.» (تلمود - رساله آووت دربی ناتان، فصل ۳۱).

در روایات یهود گفته شده است که: «حضرت آدم، نخست یک فرد تنها آفریده شد تا به تو بیاموزد: «آن کس که جان آدمی را تباه کند، کتاب مقدس بدو این نسبت را می‌دهد که گویی او، یک جهان کامل را از بین برده است و هر آن کس که جانی را از نابودی نجات بخشد، گویی جهانی کامل را نجات بخشیده است» (تلمود - رساله سنهدرین، فصل ۴ بند ۵). یا روایتی دیگر آن که، «خداوند در ابتدا حضرت آدم را تنها و تک آفرید تا فردی به دیگری نگوید، پدر من از پدر تو بزرگ‌تر و ارجح است» (تلمود - رساله سنهدرین، برگ ۳۸). این امر بیان‌گر این موضوع است که یک فرد به خاطر نژاد، رنگ پوست و سایر تفاوت‌های فیزیکی و مادی بر دیگری، برتری ندارد.

نگاهی به رفتار و سیره‌ی پیامبران و بزرگان در کتاب مقدس نیز، اهمیت ارزش جان و حق انسان‌ها را از هر تیره و مسلکی که باشند، روشن می‌سازد.

حضرت ابراهیم (ع) که به پدر توحید معروف است، دعوت به توحید را منحصر به هیچ قید و بندی نمی‌نماید. هنگامی که مطلع می‌گردد که اهالی شهرهای «سِدوُم» و «عَمُورا» که بت‌پرست، فاسق و مخالف حضرت ابراهیم (ع) و رفتار او بودند،

خود را همچون اعضای وجود خود قلمداد نماید نه تنها هیچگاه حاضر به کوچکترین تعرض و تعدی به دیگری نمی‌گردد، بلکه نسبت به رنج دیگران نیز بی‌تفاوت نمی‌ماند.

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

- تساوی در برابر قانون و شهروند درجه دو قلمداد نشدن نیز در تورات سفارش گردیده است: «برای شما و برای آن غریب و بومی آن سرزمین یک قانون برقرار باشد» (سفر اعداد، فصل ۹ آیه ۱۴).

«ای جماعت برای شما و برای غریبی که نزد شما مأوا گزیند، یک قانون وجود داشته باشد، برای نسل اندر نسل شما در حضور خداوند قانون یکسان برای شما و فرد غریب حاکم باشد (سفر اعداد، فصل ۱۵ آیات ۱۵ - ۱۶)

- «برای فردی که سهواً خطا کند خواه تابع از بنی اسرائیل و خواه غریبی که در میان شما ساکن باشد، یک قانون خواهد بود» (همان، آیه ۲۹).

- «ای انسان، از آن چه نیکوست به تو اطلاع می‌دهد و آنچه خداوند از تو می‌طلبد، مگر نه این که انصاف را به جا آوری و رحمت و احسان‌کاری را دوست بداری و در حضور خدای خویش با فروتنی و حجب و حیا رفتار نمایی» (میخای نبی، فصل ۶ آیه ۸).

تفاوت دیگری، و به فردی اجازه داده نمی‌شود به فرد دیگری تعدی نماید.

همچنین در ده فرمان اولیه تورات مقدس (سفر خروج، فصل ۲۰ آیه ۳) فرمان‌های: قتل نکن، زنا نکن، و دزدی نکن، به صورت عام و بدون محدودیت بیان شده است که همهٔ ابنای بشر را در بر می‌گیرد.

در آیه دیگر بر رعایت حق مالکیت و حقوق کار دیگران بدون هیچگونه تبعیضی تأکید می‌گردد:

- «به ممنوعت ستم مکن، غصب نکن و مزد کارگر روزمزد تا صبح نزد تو باقی نماند» (سفر لایوان، فصل ۱۹ آیه ۱۳).

- حفظ حرمت دیگران در گفتار و عمل نیز نادیده گرفته نشده است: «حتی» فرد کر را لعنت نکن و پیش روی کور سنگ لغزش مگذار، از خالقت بترس، من خدا هستم» (همان، آیه ۱۴).

- رعایت انصاف و تأکید بر رعایت عدالت در داوری و قضاوت و عدم تبعیض بین افراد از اوامر مهم تلقی می‌گردد که چندین بار در تورات بر آن پافشاری گردیده است: «در داوری بی‌انصافی نکن و فقیر را طرفداری منما، بزرگ را محترم مدار و درباره ممنوعت با انصاف داوری نما» (همان، آیه ۱۵).

- فرمانی که سنگ بنا و شالوده تمام اعتقاد دینی و فلسفی یهود قلمداد گردیده است: «ممنوعت را مانند خودت دوست مدار، من خدا هستم» (سفر لایوان، فصل ۱۹ آیه ۱۸)، مهم‌ترین بنیان و اساس را در روابط انسانی رقم می‌زند. اگر فرد، ممنوعان

نبوت، منجی موعود و بخصوص ارزش‌های اخلاقی برگرفته از کتب مقدس می‌تواند زمینه و چهارچوب مناسبی را جهت همزیستی مسالمت‌آمیز بین ادیان فراهم سازد. همان‌طور که در تفسیر تلمود بر آیه‌ای از تورات که می‌فرماید «در تمام راه‌هایش سلوک کنید و به او (خداوند) ملحق شوید» (سفر تثبیه فصل ۱۱ آیه ۲۲)، بیان می‌شود: «چگونه خداوند مهربان است؟ تو نیز مهربان باش، چگونه باریتعالی به مخلوقاتش خیر می‌رساند؟ تو نیز چنین عمل نما و...» (تلمود، رساله سوطا، برگ ۱۴).

در خاتمه، این گفتار الی‌یا هو - الیاس نبی - نیکوست که فرمود: «من آسمان‌ها و زمین را شاهد می‌گیرم که چه یهودی چه غیریهودی، چه مرد و چه زن، غلام یا کنیز در پیشگاه الهی تفاوتی ندارند مگر آن که هر فرد بر طبق اعمالش مورد عنایت خداوند قرار می‌گیرد».

افراط و یا تفریط در احکام دینی و برتراندیشی خود و باورهای خود نسبت به دیگر مذاهب، ادیان و اقوام بدون در نظر گرفتن چهارچوب‌ها و حریم الهی نتیجه‌ای جز کشتار ددمنشانه و زیر پا گذاشتن حرمت انسانی به بار نمی‌آورد.

به امید دنیایی بهتر با حفظ کرامت انسان و همه آفریده‌های خداوند یکتا. ■

ضرورت حمایت از افراد آسیب‌پذیر، پرهیز از ریا و تزویر و رعایت حق و عدالت از تأکیدات مکرر کتب مقدس یهود است:

«آیا این چنین است روزه‌ای که من می‌پسندم؟ روزی که آدمی جان خود را برنجانند و سر خود را مثل نی خم کند، پلاس و خاکستر زیر خود بگستراند، آیا این را روزه و روز مقبول خداوند می‌خوانی؟ مگر نه این که روزه‌ای که من می‌پسندم این است که بندهای ظلم را بگشایید و گره‌های یوغ را باز کنید و مظلومان را آزاد سازید و هر یوغ را بشکنید؟ مگر نه این است که نان خود را با گرسنگان تقسیم نمایی و فقیران رانده شده را به خانه خود بیاوری و چون برهنه‌ای را ببینی، او را بپوشانی و از آنان که از گوشت تو هستند چشم‌پوشی ننمایی؟» (یشعیا نبی، فصل ۵۸ آیات ۷-۵).

- در پرهیز از جنگ و خونریزی هارامبام (موسی بن میمون) در کتاب احکام در بخش قوانین پادشاهان - فصل ۶ - چنین فتوا می‌دهد: «با هیچ فردی در جهان وارد جنگ نمی‌شوند مگر این که او را ابتدا به صلح فراخوانده باشند. چنانچه تورات مقدس (سفر تثبیه فصل ۲۰ آیه ۱۰) می‌فرماید: «هرگاه به شهری برای جنگیدن با آن نزدیک شوی به آن پیشنهاد صلح بده، ... حق کشتن زنان و اطفال (افراد غیرنظامی) وجود ندارد».

گذشته از دستورات و احکام متفاوت دینی، تأکید بر اشتراکات و ارزش‌های مشترک در میان ادیان توحیدی مانند اعتقاد به خداوند، وحی و

بررسی دو مفهوم «اصل» و «وصل» در حکمت قبالا^۱

شیریندخت دقیقیان

محقق و نویسنده موزه فلسفه یهود

اصل و وصل در متون قبالای انسان خدایی

کمال زبانی و معنایی در بیت مولوی (هر کسی کو دور ماند از اصل خویش، باز جوید روزگار وصل خویش)، از آن، صورت مسئله‌ای جهان‌شمول می‌سازد برای پرسش از هر مکتب عرفانی خداپاور. اما با وجود یکی بودن پرسش، پاسخ‌ها در میان مکتب‌های عرفانی ادیان ابراهیمی یکسان نخواهند بود. در این بخش به پاسخ متون قبالای فلسفی/کاربردی - همچون دیرینه‌ترین نحله مدون انسان خدایی - به پرسش اصل و وصل می‌پردازیم.



پیشینه متون قبالا: قبالا حکمت رمزی اتصال

به مبداء نزد یهودیان است که پیشینه شفاهی، آن را به ابراهیم نبی و حضرت موسی بازمی‌گرداندند. سابقه نوشتاری قبالا به اسفار پنجگانه تورات و آثار و سخنان نسخه‌برداری شده انبیاء یهود از قرن نهم تا چهارم پیش از میلاد برمی‌گردد، به اضافه برخی از کتب رمزی که در قرن دوم میلادی توسط حکیمان تلمودی در رده متون مقدس دانسته شدند. به این منابع باید رساله‌های عرفانی دو قرن پیش از میلاد تا قرن سوم و نیز متون حسیدیسم در اروپا از قرن دوازدهم تا هفدهم میلادی را افزود. بخش مهمی از متون قبالای باستانی در سنت تفسیری و نیایشی یهودیان، نهادینه و جذب شده‌اند، ولی بخشی که فهم آنها مختص نخبگان پالایش یافته و دستیابی عامه

به آنها خطرناک ارزیابی شد، در قالب متونی ممنوعه برای عامه طبقه بندی گشت.

سفر یتسیرا یا کتاب شکل‌گیری، متن پایه‌ای عرفان حروفی یهودیان بود. آموزه‌های آن در قرون پیش از میلاد در مکتب‌های نبوت وابسته به معبد اول یهودیان تدریس شده، به نام کتاب ابراهیم نیز شهرت داشت. اما پس از ساختن معبد دوم در دوران هخامنشیان، مکتب‌های نبوت از شکل کلاس‌های همگانی به صورت محفل‌های دستچین و بسته برای تفسیر حروفی - رمزی متون مقدس و آموختن روش‌های اتصال به نیروهای الهی درآمدند. از قرن اول میلادی، یهودیان استقلال سیاسی خود را از دست دادند. در نتیجه، دین و الهیات فاقد هرگونه قدرت حکومتی شدند. به این دلایل، در میان یهودیان، سنت دینی و سنت عرفانی با یکدیگر سازگاری و تعامل داشته، هیچ‌گاه جز مقاطع کوتاهی با خشونت در برابر یکدیگر نایستادند. شاهد این امر، حضور مهم‌ترین شارحان رمزی قبالا در میان نویسندگان تلمود - متن سنت نهادینه شده دین یهود - است.

در قرن دهم میلادی یا سوم هجری قمری، سعیدیا گائون، از فیلسوفان و رهبران دینی یهودیان بغداد که در دربار خلفا نیز عزت داشت، پس از ترجمه تورات به زبان عربی به ترجمه سفر یتسیرا دست زد و بخشی از ممنوعیت آموزه‌های رمزی و حروفی را برداشت. این اقدام سعیدیا در قرن سوم هجری، انفجاری از مکاتب وحدت وجودی و حروفی را در خاورمیانه به دنبال داشت. باقی متون قبالا از جمله کتاب زوهر در آسیا و اروپا مخفی و تنها در اختیار محافل سری عارفان بود، ولی در قرن دوازدهم میلادی در اروپا در اختیار عموم قرار گرفت. متون حروفی و زوهر به میان فرقه‌های عارفان ادیان ابراهیمی راه یافتند.

انسان خدایی قبالا:

قبالا یا به بیان یهودیان اشکنازی، "کبالا"، در واژه اشاره دارد به دریافت^۲ نور الهی توسط انسان. «نور» نیز بیانی از نیروهای خلقت است. در آفرینش‌شناسی قبالایی، بر اساس تفسیر تورات، آن چه ابتدا از مبداء آفرینش یا آفریدگار در جهان صدور یافته، نور بوده، نور فیزیکی تنها سویه‌ای از آن است. آفرینش به گفته کتاب زوهر، ابتدا از انفجار نوری ظریف آغاز شد. برای توصیف این نور، از واژه آرامی «دقیق» ܕܩܝܩ استفاده شده است. به این ترتیب، قبالا نور را به معنای نمادین به کار نمی‌برد، بلکه نور فیزیکی را هم نمودی از «نور الهی» در معنای فراگیرتر و پرتویی از قلمرو بی‌نهایت یا خدا می‌داند. بنا به باور این عارفان، نورهای مرتبه‌های صدور ده گانه آفرینش در مدیتیشن و روشن شدگی به تجربه ذهنی فرد سالک درمی‌آید.^۳ ربی شیمعون بریوحای، تفسیر زوهر از باب اول سفر پیدایش تورات را چنین آغاز می‌کند:

«با آغاز تجلی اراده پادشاه عالم، جرقه‌ای نیرومند در نور سرمدی نقش بست. [این جرقه] از پنهان‌ترین پنهان‌ها و از راز نور بی‌کرانه صادر شد و صورتی بی‌شکل پیدا کرد. سپس درون دایره‌ای قرار گرفت که نه سفید بود، نه سیاه، نه سرخ و نه سبز و نه هیچ رنگ دیگر. چون گسترش یافت، رنگ‌ها را پدید آورد که درخشیدند در فضای تهی و نقش یافته. از درون جرقه، چشمه‌ای بیرون جهید که سایه‌های پایین‌تر، رنگ‌های خود را از آن گرفتند. از دل پنهان‌ترین پنهان‌ها و از درون راز نور بی‌کرانه، دو وجه صدور یافتند: یکی نزدیک شد و دیگری نزدیک نشد. فضا نامعلوم بود تا آن که نیرویی مهیب، تارک [اتیک یا عتیق] را شکافت و نقطه‌ای پنهان، درخشیدن گرفت. آن سوی این نقطه هیچ چیزی قابل شناخت نیست و از این رو «مبداء» خوانده می‌شود، یعنی ابتدای گفتارها»^۴.

«ابتدای گفتارها» اشاره است به نظریه قبالایی صدور آفرینش از راه ۲۲ حروف زبان عبری که دارای معادل‌های ریاضی دانسته می‌شوند. این نظریه ابتدا در سفر تیسیرا یا کتاب شکل‌گیری بر اساس تفسیر رمزی تورات بیان شده بود. بر اساس تورات، جهان با گفتار خدا آفریده شد. در آیه سوم سفر پیدایش می‌آید: «و خدا گفت:

نور باشد و نور بود». در سفر پیدایش ده بار عمل «گفتن» خدا با آفرینش پیوند خورده است. تلمود، اولین عبارت سفر پیدایش را دهمین مورد این انگاره می‌داند: «در ابتدا خدا آسمان و زمین را آفرید»^۵. چنان‌چه خواهیم دید در قبالا ده بار «گفتن» آفریدگار، مقارن است با ده سپهر روحانی یا ده سفیروت و مرحله صدور آفرینش. از دید قبالا وقتی در مزامیر داوود می‌خوانیم: «با کلام خدا آسمان‌ها ساخته شدند» [مزامیر ۶:۳۳]، به این معنا است که خدا با انگاره‌های ریاضی که رمز آنها در حروف زبان عبری [حروف ابجد] پنهان است، جهان را آفرید.

هدف نهایی آفرینش‌شناسی و غایت‌شناسی قبالا، یافتن راه اتصال انسان [وصل] به سرچشمه نیروهای عالم [اصل] است. از دید حکیمان قبالایی این اتصال در سطح ذهن و روح از سویی و زندگی و عمل از سویی دیگر بوده، پیش نیاز آن، تحقق خود و کار مداوم بر روی شخصیت فردی از راه تمرین و مراقبه می‌باشد. هدف این تمرین‌ها پالایش از انگیزش‌های «نفس دریافتگر فقط برای خود» است. تفاوت قبالا با مکتب‌های فناجو و روش کشتن و انکار نفس در آن است که قبالا دریافت و میل در انسان را اساس آفرینش و اولین سکوی پرش او می‌داند. کشتن میل در شکل‌های گوناگون جسمی، روحی و عاطفی در انسان، خلاف جوهر آفرینش انسان دانسته می‌شود. راه حل، آن است که رویکرد انسان به «میل به دریافت» تغییر کند. «میل به دریافت، فقط برای خود»، خلاف قاعده کیهانی سیلان نیروهای آفریدگار به بینهایت هستی یا به عالم است. از دید موسی ابن میمون، فیلسوف یهودی اسپانیایی قرن دوازدهم میلادی، پیروی از اصل خسیه یا سیلان احسان الهی به عالم حکم می‌کند که انسان نیز این قاعده را در کارها و رفتارهای خود رعایت کند. ابن میمون، روش اتصال انسان به مبداء را شبیه شدن به خدا از راه تکرار جوهره کارهای خدا در اعمال انسان می‌داند، زیرا متن صریح تورات [پیدایش ۲:۲۷] اعلام آفریده شدن انسان به صورت و شباهت با خداوند است.

یهودا اشلگ، فیلسوف و تفسیرگر قبالایی قرن بیستم، در اثر خود به نام حکمت حقیقت بر آن است که میل به دریافت، در ذات آفرینش انسان است. اما رفتار «دریافت فقط برای خود»، منشاء حجاب‌ها و پوسته‌ها یا

بی‌نهایت، تنها به وساطت این سفیروت ممکن می‌شود. در این نظریه‌ها وصل انسان در زمان حیات، بیشتر اتصال موقت است تا در آغوش کشیدنی جاودانی. واقعیت فیزیکی انسان تا وقتی حیات دارد، همین لحظه‌های اتصال / قطع بوده، هدف، بیشتر و طولانی‌تر ساختن لحظه‌های اتصال است. اتصال به سپهرهای نیروی الهی را می‌توان با استفاده از نمایه زیر به فشردگی شرح داد:



نمایه ده سفیروت

کِتر به معنای تاج، اولین مرحله از صدور است که قبلا ماهیت آن را در وهم نیامدنی می‌داند. در متون، کِتر را «عَتِیق» نیز می‌گویند که به زبان آرامی - زبان کتاب زوهر - به معنای تارک می‌باشد. ترکیب «عَتِیق یومیِم» در زوهر به معنای ازل یا پیش از آغاز زمان است. واجب الوجود بی‌نهایت و یگانه در وهم نیامدنی، یعنی خدا، برای شکل دادن به آفرینش، باید بیکرانگی را پله پله کرانمند می‌ساخت.

پس از کِتر، دومین کیهان نیروها را صادر کرد که حُخْمَا یا عقل است. عقل بنا به فصل هفدهم زوهر، بی‌مرز و بی‌کرانه است. از این رو انسان اگر به مرحله

کلیپوت است که انسان را از دریافت نور همیشه جاری الهی محروم می‌کند. دریافت نور الهی به شکل مواهب مادی و سلامتی و عشق و غیره، باید با نیت «دریافت به منظور بخشش» و به جریان انداختن مواهب در باقی بخش‌های هستی باشد. چنین منشی به همراه صدق و عدالت که به گفته تلمود و تفسیر موسی ابن میمون از جوهره‌های کارهای خدا می‌باشند، از انسان، در همین طرح مادی، موجودی در هماهنگی با کائنات و اتصال یافته به مبداء می‌سازد. این از راه تسلط بر نفس به دست می‌آید و نه کشتن آن. هدف پویه هستی، شبیه شدن انسان به آفریدگار است.^۷ از انسان در زندگی معمول خود و بدون نیاز به اعتکاف و نفس کشی، خواسته می‌شود که با تکرار جوهره کارهای خدا، شریک او در آفرینش و اصلاح عالم باشد. نظریه «اصلاح عالم» در تلمود با نام «تیکون عولام» مطرح شده و از پایه‌های انسان خدایی قبلا است.

تعریف قبلا از اصل:

در قبلا «اصل»، خدا است همچون یکتای بی‌نهایت، منشاء وجود، آفریدگار، قانونگذار و تدبیرگر جهان هستی که ماهیت آن ورای فهم بشر می‌باشد. حضور جلال الهی در خلقت عالم، از پرده غیب بیرون آمده، پله پله در طرحی از صدور، متجلی شده، شبکه‌ای از نیروهای روحانی - معنوی و فیزیکی خلقت را پی ریخته است.

مفهوم مرکزی قبلا ده سفیروت^۱ یا ده سپهر خلقت یا ده کیهان انرژی روحانی است. مراحل تحقق خود، پالایش روح، و وصل انسان نیز در اتصال با این سپهرها معنا پیدا می‌کنند. سفیراها کانال‌های صدور و سرریز شدن نیروی الهی برای تدبیر خلقت هستند و انسان می‌تواند با این مجراها اتصال یابد. ده سفیروت با نام‌های دیگری هم آمده‌اند، از جمله هِخَالوت یا خزانه‌ها، شَعْرَه قِدوُش یا دروازه‌های تقدس، و درخت زندگی که در سفر پیدایش از آن نام برده شده است. ریشه این درخت در بالا یعنی در بی‌نهایت یا / این سُوَف [خدا] قرار دارد.

قبلا انسان را مجموعه‌ای از نیروهای این کیهان‌ها و برای خود، یک ریزکیهان می‌داند. اتصال او به مبداء از راه اتصال درونی به سپهرهای صدور یا سفیروت انجام می‌شود. اتصال انسان همچون موجودی کرانمند به خدا یا

حکم باید تعادل ایجاد کند. تورات که میان نیروهای حکم و احسان، تعادل برقرار می‌سازد، در اتصال با این سفیرا دانسته می‌شود.

سفیرای بعدی **نِصَح** است به معنای پیروزی و مقاومت. اتصال به این سفیرا فرد را در قاطعیت برای دستیابی به هدف‌های والا، میل به پیروزی و «دریافت به هدف بخشندگی» یاری می‌کند.

سفیرای بعدی، **هُود** یا شکوه است که اتصال به آن، انسان را در فهم تصویر فراگیر زندگی و خیر الهی، یاری کرده، او را از افکار مایه شرم که با نام «خرافوت» یا همان «خرافات» آمده، دور نگه می‌دارد. قبالا رویدادهای زندگی را قطعه‌هایی پراکنده از یک تصویر فراگیر می‌داند که فرد با پالایش درون و مدیتیشن، قادر به درک کلیت آن می‌شود. اضطراب، تردید و افسردگی تنها زمانی دست می‌دهند که رویدادهای زندگی، بی‌ارتباط با کل جهان هستی و بدون معنا و هیچ درسی برای تحول درون دیده شوند. دو سفیرای **نِصَح** و **هُود** مرتبط دانسته شده‌اند با نبوت و اتصال عقل انسان پالایش یافته با عقل الهی.

سفیرای بعدی **یسود** است به معنای بنیان. همه نیروهای آفرینش در این سفیرا مانند حوضچه‌ای درهم آمیخته می‌شوند تا آماده شکل دادن به کیهان فرودین یعنی **مَلخوت** یا دنیای فیزیکی بشوند. **یسود**، هموند با نیروی افراد صدیق دانسته شده است. صدیقان، مظهر تعادل و حضور همه این نیروهای خلقت هستند و از این رو صدیق را «یسود عولام» یا بنیان عالم نامیده‌اند. بنا به قبالا، اتصال به نیروی صدیقان، انسان را یکر است وارد مجراهای نیروهای خلقت می‌کند. ریشه باور توسل به صدیقان از این جا است. در سنت تلمودی آمده که بنیان عالم در هر زمانه ای بر ۳۶ صدیق پنهان و ناشناخته در میان ملت‌های عالم استوار است. این ناشناخته بودن، در عین حال، تضمینی است برای جلوگیری از زهدفروشی و سلطه جویی روحانیون و تأکیدی بر روی خصلت خاکساری. نیروی صدیق همیشه حاضر بوده، می‌توان به آن اتصال کرد.

سفیرای **یسود**، همچنین به نیروی حضرت یوسف یا یوسف صدیق اتصال دارد.

پس از **یسود**، دنیای **مَلخوت** یا ملکوت، صدور

بعدی صدور یعنی **بینا** یا فهم اتصال نکند، ممکن است در سپهر عقل گم شود. بینا یا فهم و بصیرت، خُخما یا عقل را چهارچوب می‌دهد. از دید قبالا عقل بدون فهم می‌تواند خطرناک باشد. باید افزود که این مفهوم در قرن بیستم توسط فیلسوفان مکتب فرانکفورت در قالب «عقل ابزاری» بیان و علت اصلی فجایع جنگ جهانی دوم، حاکمیت عقل ابزاری دانسته شد. در زوهر همچنین می‌آید که عقل بدون فهم و شناخت، نیرویی خطرناک است. خُخما بدون **خَسادیم** (احسان‌ها) که از سفیرای بینا جاری می‌شود - که زوهر برای آن با نام "مادر دنیاها"، سویه‌ای زنانه قائل شده - می‌تواند عقل ویرانگر باشد. نیروی سفیرای بینا همچنین نیروی حاکم بر کارهای خلاق انسان است.

در برخی از نمایه‌های ده سفیروت، نیمه سفیرایی هست میان خُخما و بینا (عقل و بصیرت) به نام **دَعَت** به معنای «شناخت» که از آمیختن نیروی عقل و فهم پدید می‌آید.

سپس مرحله صدور یا سفیرای **خَسید** یا احسان است با نیروی عشق، مهرورزی، بخشندگی و رحمت که انسان باید به آن اتصال کند. انسان به تقلید از پروردگار، احسان را در عمل و افکار خود جاری می‌سازد. **خَسید** به معنای «لبریز کردن از صفات کارهای خدا» دانسته شده است. خصلت‌های والای سخاوت و دهنده‌گی، مشارکت، و بخشیدن خطاهای دیگران از جمله نموده‌های اتصال به این سفیرا دانسته می‌شود.

سفیرای بعدی، **دین** به معنای عدالت یا **گورورا** است که ما فارسی‌زبانان با واژه **جبروت** آن را می‌فهمیم: قدرت، شهامت و حکم از نیروی این سفیرا در خلقت جاری می‌شود. نیروی این سفیرا همان فرشته گبریئل یا در زبان قرآنی، جبرئیل است. داشتن احسان به تنهایی انسان را متعادل نمی‌کند، بلکه حکم و داوری نیز ضروری است. انسان هر بار که شهامت و خطر برای امری خیر می‌کند، به این سفیرا اتصال می‌یابد. در متون قبالایی آمده که نیروی شر را از راه اتصال به سفیرای **گورورا** می‌توان خنثی کرد.

سپس، در ستون وسط یا جایگاه تعادل یافتن نیروهای متضاد، سفیرای **تِیْفُتِرت** قرار دارد به معنای تعادل و زیبایی. انسان در رفتارهای خود بین نیروهای دو ستون احسان و

«باد» نیز می آید. این نزدیکی معنایی در زبان توراتی اتفاقی نیست. هر دو واژه روح و باد در آفرینش شناسی انسان نقش دارند. واژه *נִשְׁמָה* (7272) از ریشه *נָשַׁם* (7272) می آید که معادل عبری نفس است. واژه «نسیم» نیز هم خانواده با نشاما است. نشاما به بخش خدایی انسان گفته می شود، زیرا در سفر پیدایش همه موجودات عالم هستی با «گفتن» خدا آفریده می شوند، جز انسان که با نفس خدا. همچنین در سفر پیدایش ۲:۲۷ می آید: «و انسان را به صورت و شباهت خود آفرید». نشاما، سهمی از نفس خدا است که به انسان به ودیعه گذاشته می شود و صورت و شباهت او به خدا به شمار می رود.

حکیم قبالی قرن هفدهم میلادی اسحق لوریا توضیح می دهد که سه سطح نشاما، روح و نفس را در صورت قیاس با دستگاه دم شیشه گری، بهتر می فهمیم. فرایند تولید ظرف شیشه ای که با ظرف وجود انسان قیاس می شود، با نفس شیشه گر یا نشاما شروع می شود (نشاما) که از بالای مجرای به درون خمیر شیشه گری دمیده می شود. این نفس شیشه گر، در مجرای دستگاه شیشه گری مانند باد (رووح) حرکت می کند تا با نیروی خود وارد خمیر شیشه گری شود. نفس که به باد تبدیل شده، سرانجام ظرف شیشه ای را شکل می دهد و سپس همان جا می ماند (نافش). واژه *נִפֶּשׁ*، دلالت بر نفس یا وجود مادی انسان دارد که نفسی از خدا در آن به امانت گذاشته شده است.

بنابه این تمثیل، شیشه گر، خود آفریدگار است. تورات در توصیف آفرینش انسان می گوید: «خدا انسان را از گل زمین درست کرد و در سوراخ های بینی او روح زندگی (نشاما) دمید» [پیدایش ۲:۷]. پس، آن بخش از روح انسان که رووح نام دارد، «نفس خدا» است وقتی که در مجرای مادی وجود انسان به حرکت درمی آید. این سطح روح یا «نفس خدا» نماینده مرحله ای است که طی آن، خدا خود را «پایین می آورد» تا انسان را بیافریند. اریه کاپلان فیلسوف قبالی و فیزیکدان قرن بیستم، پیرامون نزدیکی مفاهیم روح و باد در متون توراتی می نویسد:

«هرچند که تأثیر خداوند پیوسته انسان را مانند هوای اطراف او دربردارد، ولی این تأثیر، احساس نمی شود. هوا تنها زمانی احساس می شود که در حرکت است و آن را همچون باد احساس می کنیم. به همین ترتیب، روح خدا تنها زمانی می تواند احساس شود که درون ما حرکت می کند و از این رو است که

می یابد که دنیای فیزیکی است. ملخوت در نمایه فوق با نام *شִׁיחִינָא* آمده از ریشه «شاخن» به معنای ساکن شدن؛ همان واژه سکینه در قرآن کریم. شیخینا نیرویی صادر شده از سوی خدا و حضور جلال الهی در دنیای مادی دانسته شده است. از دید قبالا دنیای فیزیکی دو بعد دارد: *ملخوت ها/رتص* (ملکوت زمین) و *ملخوت هسامیم* (ملکوت آسمان) که دومی، رشته اتصال جهان با نیروهای روحانی خلقت است. قبالا کاربرد دعا، نیایش، انجام کارهای نیک، پرهیز از شرارت، ایستادگی در برابر انگیزش های آنی و انجام مراقبه و مدیتیشن را در آن می داند که انسان از ملکوت زمین به ملکوت آسمان متصل شده، از درخت زندگی بالا رفته و خود را به شبکه نیروهای خلقت وصل کند.

مفهوم «اصل» در قبالی فلسفی /کاربردی، چنان که به فشرده گی دیدیم، راه را برای فهم منحصر به فردی از اتصال یا «وصل» می گشاید. در قبالا همان گونه که اتصال انسان با نیروی الهی، از طریق واسطه های نیروی الهی یا سفیروت انجام می شود، از سوی انسان نیز واسطه و سفیری وجود دارد که اتصال از طریق آن صورت می گیرد.

تعریف قبالا از وصل و اتصال:

بیان قبالی، وصل را بیشتر مانند اتصال به خازن های نیرو بیان می کند تا وصل عاشق به معشوق. میان ذات در وهم نیامدنی بی نهایت تا جهان ملموس، شبکه ای از واسطه ها صدور یافته است. وصل، اینجا، واسطه مند است. پس اینک بینیم واسطه وصل و اتصال از این طرف، یعنی از سوی انسان به طرف خدا، کدام است؟ همان گونه که خدا جهان آفرینش را طی مراحل ده گانه صادر کرد، روح انسان نیز صدور و تکاملی را طی می کند. بخشی از روح هر انسان، نماینده وجود و سطح تماس او با دنیای نیروهای آفرینش است. مراحل روح کدامند؟

در تورات، برای دلالت بر روح آدمی، سه واژه به کار رفته است: *נִפֶּשׁ*، *נִשְׁמָה* و *רוּחַ* که سطوح روح را نمایندگی می کنند. واژه *נִפֶּשׁ* که در زبان عبری به صورت *نفس* می آید، از ریشه *נָפַשׁ* به معنای «استراحت کردن» است، چنان چه در این آیه آمده: «و در روز هفتم از کار باز ایستاد و استراحت کرد (نافش)» [خروج ۳۱:۱۷]. واژه *רוּחַ* اغلب به عنوان روح ترجمه می شود، ولی در بسیاری جاهای دیگر به معنای

با تأثیر بیرونی افکار منفی انتقام جویی و حسادت نسبت به هم‌نوع است.

گفتارهای ما می‌توانند خیر را جاری سازند یا شر بیافرینند. مفهوم زبان شر یا «لاشون هاراع» بخش‌های مهمی در تلمود، زوهر و کتاب تانیا است. فرد سالک هنگام کار روی تحول درون می‌آموزد که چگونه زبان خود را کنترل کرده، از دروغ‌گویی، بدگویی، تحقیر، شایعه‌سازی و افترا در مورد هم‌نوع خودداری نماید. در تلمود می‌آید که زبان شر سه نفر را نابود می‌کند: آنکه زبان شر به کار برده، آن که در موردش به کار رفته، و آن که گوش داده است.

پوشش اعمال (کردار)، مداخله فعال در فرایند مداوم آفرینش است و دیگر نیازی به توضیح ندارد. بر اساس قبلا و شرح آن در کتاب تانیا، وقتی نشاما به سطح این سه پوشش درآمد، فرد شروع به جذب بخش‌هایی از نفس الهی خود به درون جسم می‌کند. در ادیان الهی، سن تکلیف برای دختران و پسران قرار است شامل آموزش‌های معنویت، اخلاق و رفتاری باشد که به فرایند جذب نشاما در بدن کمک کند. نشاما در خواب به عالم سرمدی وصل شده، آنجا دوباره نیرو گرفته، به جسم باز می‌گردد. اگر انسان در طول روز، افکار، گفتارها و کردارهایی با جوهره کارهای خدا انجام نداده باشد، نشامای او به حد کافی اوج نگرفته، ممکن است در لایه‌های نیروهای شر گیر کرده، از قدرتش کاسته شود. چنین فردی فاقد نشاط، نیروی زندگی و بدون مقاومت در برابر انگیزش‌های آنی و عاطفه‌های منفی چون حسادت، تکبر، خشم، کینه، ترس و انتقام خواهد بود.

فردی که در طول روز نشاما را در پوشش افکار، گفتارها و کردارهای خداگونه به خود فراخوانده، در برابر انگیزش‌های منفی مقاومت ورزیده، نشامای او قدرت عروج به سپهرهای نیروهای الهی را می‌یابد.

اتصال هر کس، مطابق مرتبه نشامای او انجام می‌شود. سلامتی جسمانی با این فرایند مرتبط دانسته می‌شود. قتل و انجام کارهای شرارت، می‌تواند منجر به پرکشیدن همیشگی نشاما از بدن بشوند، مگر فرد به فرایند بازگشت به خدا و جبران با هم‌نوع یا "تَشووا"^{۱۱} متوسل شود.

خودآگاهی کاربردی:

تمرین‌های قبلائی برای پندار، گفتار و کردار زیر نفوذ نفس الهی [و نه نفس حیوانی] استوار بر شکل‌گیری

این روح، رووح خوانده می‌شود که دلالت بر باد نیز دارد. همچنین این معنا از روی تبارشناسی واژه رووح ۲۱۶ نیز آشکار می‌شود. به همین ترتیب، باد حالتی عادی در هوا نیست، بلکه در اثر حرکت هوا تولید می‌شود. واژه رووح حتی پیوند نزدیک‌تر با رَنخ ۲۱۶ دارد به معنای رایحه خوش. درست مانند رایحه‌ای خوش، الهام رووح نیز، با وجود دیدنی نبودن، قابل احساس است.^{۱۲}

نفس یا نَفِش که نام کلی آن «جان» است در تقسیم‌بندی‌های متون یهودی، دو سطح کلی دارد: نفس حیوانی و نفس الهی یا به زبان عبری، نَفِش بَهْموت و نَفِش اَلِیکوت. بنا به کتاب عرفانی تانیا، نَفِش اَلِیکوت چون خدایی است، ابعاد آن نمی‌تواند به جسم محدود شود. نشاما که مرحله پایه‌ای نفس الهی است، پس از تولد انسان به او متصل مانده، ولی خارج از او در بعد روحانی می‌ماند تا فرد، خود، آنرا کسب کرده، شایستگی حضور بخشی از آن در جسم خود را داشته باشد. بنابر گفتارهای عرفانی میدراش^{۱۳} در تلمود، پیش از خلقت جهان مادی، روح‌ها در بازگاہ پادشاه از نور کامل بهره داشتند، ولی از این موهبت زحمت نکشیده، ناخرسند بودند. از این جهت، روح‌ها در عالم سرمدی نزد پادشاه رفته، گفتند که ما می‌خواهیم خود، شایستگی نور الهی را کسب کنیم. بنا به این تعبیر، آفرینش انسان برای برداشتن این «نان شرمندگی» بود. بنابر تورات، سفر پیدایش [۳:۱۷]، انسان در زندگی زمینی باید برای دریافت موهبت‌ها زحمت کشیده، «عرق جبین» بریزد. وجود یک نفس حیوانی، ضرورت آفرینش برای کسب این شایستگی بود. نفس الهی مسئول نفس حیوانی است تا آنرا شایسته نور الهی سازد. نشامای هر انسان که از جنس بعدی دیگر جز بعد فیزیکی است، برای تجلی در جسم، نیازمند پوشش‌هایی است. کتاب تانیا^{۱۴} بر مبنای آموزه‌های تلمود و زوهر، این پوشش‌ها یا لَبووشیم [لباس‌ها] را از این قرار می‌داند: فکر 777777 یا مَحْشاوا؛ گفتار 777777 یا دیبور؛ و کردار 777777 یا مَعْسِه.

فکرهای ذهن انسان، پایه و اساس امور بیرون هستند، چنان‌که هر اختراع و اکتشاف مثبت و هر عمل شرارتی، ابتدا یک فکر می‌باشند. ما با افکار خود از راه برانگیختن نیروهای حاکم می‌توانیم به خود و دیگران آسیب بزنیم یا نیروی رحمت را برای خود و دیگران برانگیزیم. نیروهای سپهرهای روحانی از راه فکرهای انسان برانگیخته می‌شوند. مفهوم «چشم شر» در ارتباط

خودآگاهی از فرایند جذب نشاما بوده، آنرا به فرد سالک می‌آموزد. از آنجا که امتداد نشاما به دلیل تقدس آن، خارج از بدن و در بعدی دیگر است، جسم باید مقدس باشد تا جرقه‌های نشاما را جذب کند. پوشش‌های فکر، گفتار و کردار، این تقدس را می‌آفرینند. انسان در رویارویی با موقعیتی که درون او عصبانیت، کینه، حسادت، ترسویی، تکبر و نخوت و گرایش به صدور حکم برمی‌انگیزد، باید این نکات را در خودآگاهی خود جذب و اجرا کند.^۳

سالک باید به خود بگوید که هنوز آگاهی از تصویر فراگیر ندارد و هر رفتار واکنشی، پاسخی نامناسب است. واکنش او در چند لحظه اول، پاسخ نفس حیوانی او خواهد بود؛ نفس حیوانی کم هوش بوده، وظیفه‌دار هدایت ما در امور واکنشی و خودکار است که به خرد و تدبیر چندان نیاز ندارند، از جمله تضمین بقای ما در برابر گرسنگی، تشنگی و خستگی و واکنش فوری جهت محافظت ما از خطرهای طبیعی. نفس حیوانی، هوش کافی برای مناسبات انسانی ندارد، زیرا برای این کار آفریده نشده است؛ این عقل و اختیار آزاد هستند که برای مداخله در امور انسانی آفریده شده‌اند؛ با این حال، نفس حیوانی بنا به ماهیت خود، پرسرو صدا و زود-واکنش بوده، اولین بخش ما است که احساس خطر می‌کند و وارد عمل می‌شود؛ واکنش نفس حیوانی هنگام شنیدن حرفی مخالف خود یا اختلاف با دیگری، فرقی با احساس تهدید در رویارویی با یک خرس درنده ندارد. لذا باید این بخش کم هوش و حساس به تهدید را آرام کرده، کنترل را از او گرفت؛ چون اولین بخشی که حاضر است، نفس حیوانی می‌باشد، باید لحظه‌هایی برای حاضر شدن نفس الهی خود صبر کرده، از واکنش نفس حیوانی جلوگیری کنیم. درون ما زمانی به سهم خود از نفس الهی وصل می‌شود که در برابر این انگیزش‌های شر مقاومت بورزیم؛ باید سیستم واکنشی خود را یکسره خاموش ساخته، منتظر بمانیم تا در اثر این مقاومت، شایسته وصل به نفس الهی خود شویم. صبر، خاکساری، سکوت و انجام رفتار بخشش‌گر در موقعیتی ناخوشایند، فرصتی برای انسان می‌خرد تا نفس الهی او حاضر شود. فرد پس از رعایت این اصول، با خرد پیش گیرانه رفتار کرده، در نتیجه، نور الهی را به مناسبت با دیگری و عالم هستی فرا می‌خواند. ■

^۱ - توضیح: این مقاله، بریده و خلاصه‌ای است از مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی دو مفهوم «اصل» و «وصل» نزد مولوی و حکمت قبلا» و بخش اول از مجموعه‌ای با عنوان «تقابل دو نحله‌ی عرفان فناجو و انسان خدایی». (تلخیص: آرش آبائی)

^۲ - کِبَالَت یا قِبَالَت به زبان عبری

^۳ - در این زمینه نگاه کنید به: کاپلان، اریه. مدیتیشن. مقدمه، شرح و ترجمه شیریندخت دقیقیان. ۲۰۱۳ بنیاد ایرانی هارامبام، لس آنجلس. پخش: شرکت کتاب

^۴ - The Zohar. Translated by Rav Michael Berg. Kabbalah Centre International. U.S., 2001. Vol. one, P152.

^۵ - تلمود بابلی، رش هشانا، ۳۲-الف

^۶ - Ashlag, Yehuda.: The Wisdom of Truth. Edited by Michael Berg Kabbalah Centre International, 2008, p205

^۷ - موسی ابن مایمون: ۲۰۱۲. دلالت الحائرين. مقدمه، شرح و ترجمه: شیریندخت دقیقیان. بنیاد ایرانی هارامبام. لس آنجلس. جلد اول. پخش: شرکت کتاب.

^۸ - جمع سیفیرا

^۹ - کاپلان، اریه: ۲۰۱۳. مدیتیشن. شرح، ترجمه و حواشی: شیریندخت دقیقیان. بنیاد ایرانی هارامبام. لس آنجلس، ص ۵۷. پخش در شرکت کتاب.

^{۱۰} - واژه میدراش به فرایند ویژه تفسیر یک متن خاص و به مجموعه‌های گسترده تفسیر کتاب مقدس که خارج از تلمودند اشاره دارد.

^{۱۱} - کتاب *تانیא* نگارش ربه شنور زالمان لیادی ۱۷۴۵ - ۱۸۱۲ اهل روسیه و بنیانگذار مکتب خباد از نحله‌های دینی قبلا است. *تانیא* در زبان عبری به معنای «تدریس شد» یا «تأنی شد» می‌باشد.

^{۱۲} - توبه

^{۱۳} - این تمرین و شرح خودآگاهی وابسته به آن، مجموعه‌ای از آموزه‌های قبالیبی در *تانیא*، زوهر و راو فیلیپ برگ است.

שלום (شالم)

صلح و صفا از دیدگاه کتب مقدس یهود

«למען אחי ורעי אדברה נא שלום בך» (به خاطر برادران و دوستانم صلح برای تو آرزو می‌کنم)

(مزامیر حضرت داوود ۸/۱۲۲)

رممن دلرمیم

پژوهشگر و مدرس زبان و تعلیمات دین یهود



کتب آسمانی برای انسان‌ها صلح پایدار، شرافتمندانه و همه جانبه می‌خواهند. همزیستی مسالمت‌آمیز یکی از آموزش‌ها و آرمان‌های ادیان الهی است. دین برای آسایش و نیکبختی بشر در هر دو سرا آمده است نه برای تفرقه و جدال، تحقیر و ستم به دیگران. صلح پایدار و شرافتمندانه میان هموعان و تمام انسان‌ها آرزوی دیندار واقعی و انسان وارسته و آزاده است.

در تلمود، میشنا (جلد نزیقیم - رساله سهندرین فصل ۴) چنین آمده است:

לפיכך נברא אדם יחידי בעולם מפני השלום «بنابراین خداوند آدم را تنها در جهان آفرید به خاطر صلح و صفا»، که شخص به شخص دیگری نگوید پدر من برتر، مهم‌تر، و بزرگ‌تر از پدر تو است.

و از طرف دیگر میشنا می‌خواهد بگوید هر کس جان فردی را از مرگ نجات دهد مثل این است که جان تمام مردم دنیا را نجات داده است. چنانچه در

قرآن کریم (سوره مائده - آیه ۳۲ هم آمده : «و هر کس یک انسان را از مرگ نجات دهد مثل آن است که همه مردم را از مرگ رها کرده است».

در مزامیر حضرت داود (۳۴/۱۵) آمده:

סור מרע ועשה טוב בקש שלום ורדפהו «از بدی بپرهیز و خوبی کن، صلح را طلب نما و در پی آن بکوش».

در کتاب یشعیا (۵۴/۱۲) آمده : «تمام فرزندان تعلیمات خداوند را یاد گرفته‌اند و صلح و صفایی که فرزندان به وجود می‌آورند عظیم است».

امثال سلیمان (۱۹/۱۱): «عقل انسان خشم را نگاه می‌دارد، گذشتن از تقصیر جلال (افتخار) اوست».

و اکنون ترجمه چند ضرب المثل عبری ذکر می‌شود:

«گذشت، سال‌های عمر را زیاد می‌کند».

«کسی که تکبر و غوغا می‌کارد، ناراحتی و پشیمانی درو می‌کند».

«دشمنی، تفرقه برمی‌انگیزاند، اما محبت هر گناه را می‌پوشاند».

از لقمان حکیم نقل می‌کنند که در این مدت طولانی به این نتیجه رسیدم که من ۳۰ سال با داروهای مختلف مردم را مداوا کردم و در این مدت طولانی هیچ دارویی بهتر از محبت نیست. پرسیدند اگر این داروها اثر نکرد چی؟ لبخند زد و گفت مقدار داروها را افزایش بده:

هر عمل از خیر و شر کز آدمی سر می‌زند
آن عمل مزدش بزودی پشت در، در می‌زند
در تلمود آمده است: «جهان بر سه پایه استوار و پایدار است:

به راستی و درستی، بر داوری عادلانه، و بر صلح و دوستی، چنانکه در کتاب زکریا (۸/۱۶) آمده «در دروازه‌های خود با حقیقت و قضاوت صلح‌آمیز داوری کنید». در نمازهای صبح یهود، دعای خیر کهنیم (کاهنان) نیز با جمله «و به تو صلح عطا کند» ختم می‌شود (سفر اعداد ۶/۲۶) و معلوم می‌شود که

نمازهای صبح و بعدازظهر و مغرب در قسمت «لحش» که جان نمازها حساب می‌شود و همین‌طور در آخر «قدیش» (که اغلب برای تعالی روح اموات می‌خوانند) آمده: **עושה שלום** «خداوند که در کائنات هم‌آهنگی فراهم آورده است او نیز صلح و صفا را بین ما مستقر گرداند و بر همه ییسرائل، بگوید آمین».

در تلمود (آووت ربی ناتان ۴۱) آمده: یک توصیه‌ی عاقلانه که باعث کم شدن نزاع‌ها می‌شود، و چون نزاعی برپا شد به سرعت آن رو فرو می‌نشانند چنین است: اگر نسبت به هم‌نوع خود بدی کردی، آن بدی در چشم تو بزرگ نماید. و اگر به او نیکی فراوانی کردی، این نیکی در نظر تو اندک نماید. و اگر او درباره تو نیکی کرده باشد، آن نیکی در چشم تو عظیم نماید و اگر وی به تو بدی کرده باشد آن بدی در نظر تو ناچیز جلوه کند.

(در تلمود، شبات ۱۵۱ ب) آمده:

«رد کردن خواهش و عفو و نپذیرفتن پیشنهاد آشتی و صلح، عملی است که سخت مورد مذمت و تقبیح قرار گرفته است. هر کس که بر مخلوقات خدا ترحم می‌کند و بدی‌هایی که نسبت بدو شده است می‌بخشاید از جانب پروردگار نیز بر او ترحم می‌کنند. و هر کس که بر آفریده‌ها خداوند ترحم نمی‌کند از جانب پروردگار بر او ترحم نمی‌نمایند».

در تورات (سفر لاویان ۱۹/۱۸) آمده: از کسی انتقام مکش و کینه کسی را در دل نگه مدار».

موعظه او می‌آمد. یک شب شنبه ربی مئیر سخنرانی خود را زیاد طول داد، هنگامی که آن زن به خانه خود رسید، دید که چراغ خاموش شده است و اهل خانه در تاریکی نشستند. شوهرش از او پرسید که کجا بوده است و زن گفت به سخنان ربی مئیر گوش می‌داده است. شوهر قسم یاد کرد که دیگر اجازه نخواهد داد همسرش به درون خانه آید مگر آن که برود و به صورت ربی مئیر آب دهان اندازد. موضوع به گوش ربی مئیر می‌رسد و او چنین وانمود کرد که چشمانش درد می‌کند و شایع کرد: هر زنی که با انداختن آب دهان چشم درد مرا علاج کند، بیاید و چشمان مرا شفا دهد. زنان همسایه به آن زن گفتند: اکنون فرصت خوبی پیش آمده است که تو بتوانی به خانه‌ات بازگردی و بار دیگر مورد محبت شوهر قرار بگیری. بالاخره زن نزد ربی مئیر رفت، ربی مئیر به آن زن گفت می‌توانی با انداختن آب دهان در چشمان من مرا شفا بدهی. آن زن بواسطه هیبتی که از ربی مئیر در دل داشت به او جواب داد چنین کاری را نمی‌توان بکند. ربی مئیر به او گفت اگر می‌خواهی چشمان من شفا بیابد تو باید هفت بار این کار را انجام دهی. زن این کار را انجام داد. ربی مئیر به آن زن گفت برو به شوهرت بگو تو از من خواستی که فقط یک بار در چشمان ربی مئیر آب دهان بیاندازم ولی من اینکار را هفت بار انجام دادم.

شاگردان ربی مئیر اعتراض کردند و گفتند استاد اگر این زن ما را آگاه کرده بود که چه روی داده

تمام برکت‌ها فقط موقعی مؤثر و مفید خواهد بود که با صلح همراه باشد (بمیدبار ربا، ۱۱) کسانی که صلح را بین مردم برقرار می‌کنند. بسیار مورد ستایش قرار گرفته‌اند. در میشنا (پناه ۱/۱) آمده: یکی از کارهای نیکی که انسان از ثمره آن در این دنیا بهره‌مند می‌شود، و اصل آن برای او در جهان آینده باقی می‌ماند، برقرار ساختن صلح و صفا و دوستی میان هموعان است» و این حکایت در این زمینه آمده است:

روزی یکی از دانشمندان یهود در بازاری ایستاده بود که الياهو (الیاس) نبی به وی ظاهر شد، دانشمند از الياهو پرسید: آیا در این بازار کسی هست که از جهان آینده، نصیبی داشته باشد؟ الياهو پاسخ داد: فعلا چنین کسی را اینجا نمی‌بینم. در این هنگام دو تن وارد بازار شدند و الياهو به آن دانشمند گفت: این دو تن اهل جهان آینده و دنیای باقی هستند. دانشمند بعداً از آن دو پرسید: کار و پیشه شما چیست؟ ایشان جواب دادند: ما مقلد و شوخ طبع و شادی‌آفرین هستیم. هر وقت می‌بینیم کسی اندوهگین و غمزده است، با بذله‌گویی و بازی‌های خود او را شاد می‌کنیم. و نیز وقتی می‌بینیم دو تن دعوا و نزاع دارند، آن قدر کوشش می‌کنیم تا این که صلح و دوستی میان ایشان برقرار گردد (تلمود، رساله تعنیت، ۲۲ الف).

داستان دیگری از تلمود: دانشمندی به نام ربی مئیر رسم چنین داشت که هر شب شنبه در کنیسه موعظه می‌کرد و زنی هر بار برای شنیدن

حضرت سلیمان می‌فرماید: تورات مقدس به خاطر صلح و صفا اعطا شده است، «راه‌های او رستگاری و همه جاده‌هایش مملو از صلح و صفا است». در تورات (کتاب لاویان ۶/۲۶) آمده: چنانچه فرامین مرا رعایت کنید «من صلح را در زمین حکم فرما خواهم کرد و بخوابید بدون دلهره و ترس». نیز در تورات آمده: «همنوعت را مانند خودت دوست بدار».

قرآن مجید هم می‌فرماید:

«ما شما را از یک پدر و مادر آفریدیم تا نوع‌شناس باشید».

پیامبر اسلام هم می‌فرماید: «شما هیچ کدامتان به بهشت راه نخواهید یافت مگر این که شخص مومنی باشید، شما مومن نیستید «مگر این که نوع‌دوست باشید».

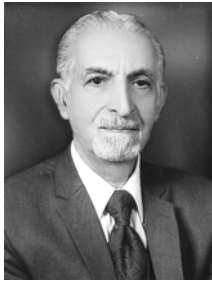
در کتاب امثال سلیمان (۱۹-۱۶/۶) آمده:

شش چیز هستند که خداوند از آن نفرت دارد بلکه هفتمی آن نزد جان وی مکروه‌تر است:

۱. متکبر
۲. دروغ‌گو
۳. دست‌هایی که خون بی‌گناه می‌ریزد
۴. دلی که تدابیر فاسد دارد
۵. پاهایی که برای بدی کردن عجله می‌کنند
۶. شاهدهی که دروغ می‌گوید
۷. کسانی که در میان مردم نزاع و تفرقه ایجاد می‌کنند. ■

است. ما آن مرد را این جا می‌آوردیم و آن قدر تازیانه‌اش می‌زدیم تا با همسرش آشتی کند. ربی می‌ر در جواب شاگردانش چنین گفت: تورات دستور داده است که اسم اعظم الهی، به منظور برقرار ساختن صلح میان زن و شوهر با آب محو شود (که توضیح مفصلی دارد)، آیا به طریق اولی نباید چنین کاری درباره من انجام گیرد (تلمود یروشلمی، سوطا ۲ دال). دانشمندان یهود با تاکید تمام به نتایج زیان‌آور کینه‌توزی و ستیزه‌جویی اشاره کرده‌اند: «ستیزه‌جویی و نزاع مانند درز و شکافی است که در یک لوله آب ایجاد شود. هر چه شکاف دیرتر ترمیم شود، وسیع‌تر شده و جریان آبی که از آن به هدر می‌رود تندتر خواهد بود (سنهدرین ۷ الف). در میشنا آووت ۱۴-۱۱/۵ آمده «خلق و خوی مردم چهار نوع است:

۱. آن کس که آسان و زود به خشم می‌آید و در مقابل آسان و زود آرام می‌شود و آشتی می‌کند، سود و زیانش را جبران می‌کند.
۲. آن کس که به دشواری خشمگین می‌شود و به دشواری و دیر آرام می‌گردد و آشتی می‌کند، نفع او را ضررش از میان می‌برد.
۳. آن کس که به دشواری عصبی و خشمگین می‌گردد و زود و به آسانی آرام می‌شود و آشتی می‌کند پارسا و نیکوکار است.
۴. آن کس که خیلی زود و به آسانی به خشم می‌آید و دیر و به دشواری آرام می‌گیرد و آشتی می‌کند شریر و بدکار است.



درس معلم آر بود زمزمه محبتی.....

مصاحبه با استاد رحمن دلرحیم (دبیر مدارس اختصاصی کلیمیان)

فرانک عراقی- آرش آباء

استاد رحمن دلرحیم، چهره ماندگار فرهنگی جامعه کلیمی، سال ۱۳۱۳ خورشیدی در شیراز، شهر شعر و ادب، در یک خانواده مذهبی و فرهنگی به دنیا آمد. پدرش، مرحوم حاخام اهرن فرزند مرحوم «حاکم عذرا بل تفیلائی گبای»، از رهبران مذهبی شیراز بود. او ابتدا در محضر پدر و سپس در مکتب مرحوم حاخام گنولا شروع به آموختن زبان عبری، علوم دینی و تورات کرد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شیبانی، دوره متوسطه را در مدرسه کوثر و سپس دیپلمش را از دبیرستان حاج قوام شیراز دریافت نمود.

پس از آن با گذراندن دوره های مختلف تعلیمات یهودی در دانشسرای اوصر هتورا در تهران به مدت دو سال، رسماً به استخدام انجمن فرهنگی اوصر هتورا درآمد و مشغول تدریس در مدارس گنج دانش تهران و شهرستانها شد. رحمن دلرحیم ضمن اینکه یکی از دبیران با سابقه و پر تجربه جامعه کلیمی به شمار می‌رود، دوره‌های پیشرفته علوم مذهبی را نیز زیر نظر بهترین استادان داخل و خارج کشور گذرانده است. وی دارای گواهی ذبح شرعی نیز هست که مستقیماً از هاراو یوسف موره صدق در شیراز دریافت نموده است. خوشبختانه سطح معلومات دلرحیم در زمان متوقف نشده چرا که هرساله در سمینارهای مختلف چه در داخل و چه در خارج از کشور به طور متناوب شرکت کرده، و حتی امروز نیز مطالعه روزانه و پیگیری خود را ادامه می‌دهد. استاد در سال ۱۳۴۴ با همسرش ریوفا از خانواده بل‌هنت پیوند زناشویی بست که حاصل آن یک فرزند دختر و دو فرزند پسر است. فعالیت‌های استاد دلرحیم فقط منحصر به تدریس نیست. قلم شیوا و پر احساس او را می‌توان در مقالاتش به وضوح حس کرد. او در دهه ۱۳۴۰ با مجلات توفیق و کاریکاتور همکاری و در قالب طنز نظرات خود را در این نشریات منعکس می‌کرد. حتی در دهه ۱۳۵۰ که به عضویت انجمن کلیمیان تهران درآمد با ارائه مقالات اجتماعی در کمیته صندوق ملی فعالیت داشت. خوشبختانه این همکاری همچنان نیز ادامه دارد و استاد تقریباً از همان سال‌های اول انتشار مجله افق بینا از اعضای هیات تحریریه بوده و مقالات دینی، بخش‌هایی از آموزش عبری و طراحی جدول را بر عهده داشت. خطاطی عبری نیز یکی از هنرهای استاد است. خطاطی‌های عبری که در کنیسی پل چوبی و هخال کنیسی‌های گرگان از ایشان به یادگار مانده خود گواه این ادعاست. جمع‌آوری ۶۰۰ کلمه فولکلور یهودیان شیراز که متأسفانه امروزه کمتر استفاده می‌شود و جوانان شیراز با آن کلمات ناآشنا هستند، یکی دیگر از افتخارات استاد دلرحیم است. وی طبع شعر هم داشته و شعرهای زیادی سروده و حتی در گذشته نامه‌هایی که به پدر و مادر خود می‌نوشت را به صورت شعر درآورده است. استاد دلرحیم از سال ۱۳۸۱ به عضویت تیم ویرایش لغت نامه فارسی به عبری سلیمان حییم انتخاب شد و سرانجام تلاش گروهی ثمر داد و از این فرهنگنامه در سال ۱۳۹۳ رونمایی شد. وی بارها موفق به دریافت تشویق نامه و لوح سپاس از مقامات گشت، از جمله مدیران اوصر هتورا، مرحوم راو لوی، سلیمان کهن صدق، استاندار و رئیس آموزش و پرورش ارومیه، مدیر مدرسه گنج دانش، هاراو عودیا یوسف (راو اعظم یهودیان سفارادی)، حاخام اوریل داویدی و مجله بینا که هر کدام به نحوی از وی تجلیل کرده‌اند. رئیس انجمن کلیمیان وقت (هارون یشایایی یشایایی) نیز با برگزاری جشنی از وی با حضور بزرگان جامعه تقدیر به عمل آورد. دکتر همایون سامه‌یح نیز در جشن تقدیر از معلمان عبری، با اهدای تندیس ویژه از استاد دلرحیم قدردانی نمود.

استاد دلرحیم از سال ۱۳۶۹ بازنشسته شده اما کماکان تدریس می‌کند، قلمش همچنان شیوا و پر کار است و مطالعه روزمره را فراموش نمی‌کند. او از آخرین نسل دبیران عبری اوصر هتورایی است که شاگردان زیادی تربیت کرده و جامعه کلیمیان ایران به او افتخار می‌کند.



تمام ما چه زرتشت و چه بودا
کلیمی یا مسلمان یا مسیحا
همه از یک پدر هستیم مردم
جو انگشتان یک دستیم مردم
همه ادیان به سوی یک اله است
تفاوت در طریق و سیر راه است
رحمن دلرحیم

دکتر وُلک، دکتر اِشطال، هاراو پیک، هاراو یهوشوع
نتن الی و خانم پروفیسور نَحْمَا لیوویچ بودند.

*** پس از اخذ مجوز دبیری در کجا به تدریس
مشغول شدید؟**

اولین ماموریت من تدریس در مدرسه گنج
دانش رضائیه (ارومیه فعلی) به مدت ۵ سال بود. آن
زمان رضائیه حدود ۶۰ نفر کلیمی داشت. سپس یک
سال در مدرسه‌های کوثر و شبیانی شیراز تدریس
کردم. مدرسه شبیانی به مدیریت آقای فریور در آن
زمان خاص دانش‌آموزان یهودی بود. پس از آن به
مدرسه گنج‌دانش در خیابان گرگان تهران (شهید

*** جناب دلرحیم از تحصیلات خودتان بفرمایید.**

پس از اخذ دیپلم علمی از دبیرستان حاج قوام
شیراز، از آنجا که خاندان پدری‌ام نسل اندر نسل
حاخام بودند، به توصیه پدر، من هم در همین حوزه
قدم گذاشتم. آن زمان «راو لوی» از لهستان به ایران
آمده بود و موسسه‌ی «اُوصِرهُتُورا» را جهت آموزش
علوم دینی یهود تاسیس کرده بود. من طی سال‌های
۳۷-۱۳۳۶ در سمینار تربیت معلم این موسسه در
تهران دو سال به‌طور شبانه‌روزی شرکت کردم. پس
از آن هر سال نیز در دوره‌های تابستانی سمینار
دبیران جهت بازآموزی و تکمیل تحصیلات شرکت
می‌کردم. آقای ماه‌پری و آقای کهن امین از
هم‌دوره‌ای‌های من در این دوران بودند.

من در سال ۱۳۴۴ از حاخام ربی یوسف مُوره
صدیق در شیراز اجازه کتبی شَحیطا (ذبح پرنده و
چهارپا) را دریافت کردم که غیر از استفاده شخصی و
خانوادگی از آن، در سال‌های اقامت در ارومیه برای
کلیمیان آن شهر نیز ذبح پرنده‌گان را انجام می‌دادم.

*** محتوای دروس سمینارهای تربیت معلم چه بود
و معروف‌ترین استادان شما چه کسانی بودند؟**

عناوین دروس عبارت بودند از: تَنخ (تورات و
سایر کتب مقدس یهود)، زبان عبری، تلمود (میشنا و
گمارا)، تاریخ یهود، احکام و مناسبت‌ها، مقاله نویسی،
روش‌های تربیتی، روش تدریس، تفکرات یهودی.

حاخام یهوشوع نتن الی و آقای شلمو (سلیمان)
کهن صدق مدیران سمینار بودند. استادان معروف
من در این دوره‌ها: پروفیسور حَمیئل، دکتر زلکین،

پس از انقلاب به معاونت مدرسه شهید اشرفی اصفهانی منصوب شدم و در سال ۱۳۶۹ پس از ۱۲ سال خدمت به عنوان معاون، بازنشسته شدم. ضمن آن‌که تا سال ۱۳۸۰ تدریس علوم دینی در مدارس گنج دانش و روحی شاد را نیز ادامه دادم.

* در سال‌های پیش از انقلاب، محتوای دروس دینی مدارس کلیمیان چه بود؟

دروس ساعات تعلیمات دینی مدارس (۲ ساعت در هفته) شامل آموزش تورات (قرائت، ترجمه) و آموزش زبان عبری بود.

* به غیر از تدریس رسمی تعلیمات دینی، چه فعالیتی در حوزه یهودیت داشتید؟

برگزاری کلاس‌های فوق‌العاده آموزش تورات به نوجوانان در کنیساها، سخنرانی‌های مذهبی در کنیساهای گرگان و پل چوبی و آماده‌سازی خردسالان برای ارائه سخنرانی در کنیساها از جمله این فعالیت‌ها است. همچنین در سال‌های پیش از انقلاب در کانون کرمل واقع در خیابان گرگان به تدریس زبان عبری برای بزرگسالان مشغول بودم. علاوه بر این سال‌های زیادی است که برای تعلیم تلاوت تورات با نوای مشخص (طعامیم) با کودکان و نوجوانان تلاش می‌کنم و گاه این آموزش‌ها به صورت تک به تک برای بچه‌ها انجام می‌شود تا نتیجه مطلوب به دست آید. در همین زمینه بارها از جناب حاخام اوریتل داویدی و نیز از آقای میراخور (مسئول کنیسای دروازه دولت) به پاس تربیت کودکان، سکه دریافت کردم. در چندین مورد نیز



نامجو) منتقل شدم و از سال ۱۳۴۵ تا ابتدای انقلاب دبیر آنجا بودم. آن زمان آقای شماش مدیر، آقای گلین معاون و آقای بن‌حییم مدیر داخلی اوصرهتورا بود. خانم شهین نکویی که بهترین متخصص آموزش الفبای عبری است در کلاس اول ابتدایی تدریس می‌کرد و من سایر کلاس‌های دوره ابتدایی و راهنمایی را برعهده داشتم.

علاوه بر این در سمینارهای تربیت و بازآموزی دبیران دینی نیز تدریس داشتم، از جمله سال ۴۷ در کنیسای زرگریان همراه با حاخام موسی زرگری، سال ۴۸ در کنیسای زرگریان همراه با برادرم استاد عزرا، سال ۵۰ در کنیسای دروازه دولت همراه با او مئیر داویدی (فرزند حاخام اوریتل داویدی) و سال ۵۵ در مدرسه گنج دانش تهران همراه با حاخام یهوشوع نتن‌الی (رئیس وقت اوصرهتورا).



عکس سمینار تهران در سال ۱۳۳۶
۵- ردیف بالا از راست: ۱- رحمن دلرحیم ۲- چمنی ۳- زرگری ۴- کهن امین
۵- اسحاق شالم (رئیس اوصرفتنورای جهانی) ۶- راولوی (رئیس اوصرفتنورای
ایران) ۷- ناشناس ۸- سپی ۹- ۱۰- ناشناس ۱۱- ماه‌پری
ردیف پایین از راست: ۱- دوستدار ۲- ناشناس ۳- ناشناس ۴- ناشناس
۵- رحیم ۶- ناشناس

مرحله اول لغت‌نامه‌ی فارسی به عبری سلیمان حیم را با سرویراستاری دکتر حمامی‌لاله‌زار و همکاری آقای آبائی شروع کرده و مرحله‌ی آوانویسی (تلفظ) لغات به عبری آن را نیز من به انجام رساندم.

* اکنون در دوران بازنشستگی به چه مطالعاتی مشغول هستید؟

من روزانه به مطالعه تهیلیم (مزامیر داوود)، تفاسیر تورات و تنخ، گمارا و میشنا مشغولم. علاوه بر این کتابخانه پدرم با انواع کتب و نسخ خطی از علمای دینی یهود در اختیارم است که به بررسی آنها نیز می‌پردازم که یکی از این کتاب‌های دستخطی معنی لغات مشکل تمام مسیخت (رساله) گمارا به زبان فارسی قدیم می‌باشد.

**با آرزوی سلامتی و طول عمر برای شما،
از این که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید
سپاسگزاریم. ■**

این کلاس‌های آموزش تلاوت آهنگین تورات را در محفل درسی حاخام موسی زرگری نیز برگزار کردم. در سال ۹۴ با تشکیل بت دین تهران، من به عنوان یکی از رابطان بین بت دین و انجمن کلیمیان انتخاب شدم.

* کمی از فعالیت‌های ادبی و مکتوب خود برای ما بگویید.

من از قبل از انقلاب تا چندی پس از آن با نشریات فکاهی توفیق و کاریکاتور در حوزه طنز و لطیفه همکاری داشتم (من از شخص حسین توفیق نیز دستخط تقدیر دارم). سال‌ها پیش نامه‌ای ۲۰۰۰ کلمه‌ای بدون هیچ نقطه‌ای در حروف آن نوشتم و برای چند نشریه ارسال کردم. برای نشریه صندوق ملی انجمن کلیمیان نیز مطلب و جدول تهیه می‌کردم. از اولین شماره‌های مجله بینا نیز در سال ۱۳۷۸ تاکنون به طور ثابت برای هر شماره مقاله ارسال می‌کنم. علاوه بر این در دهه ۸۰ کار ویرایش

بیمارستان دکتر سپیر، نهاد ارزشمند و اعتقادی یهودیان

هارون یشایایی



اخیراً آقای سامان کاهن جوان علاقمند و پژوهشگر، پایان‌نامه فوق لیسانس خود را در مورد کیفیت و ارزشیابی بیمارستان دکتر سپیر (کانون خیرخواه) اختصاص داده و زحمات فراوان در این مورد متحمل شده است. در شرایط کنونی مهم این است که جوانی یهودی، مهم‌ترین نهاد یهودیان ایران (بیمارستان دکتر سپیر) را مورد توجه و بررسی قرار داده و موجودیت آن را در سطح کشور یادآور شده است و از این رو در خور تقدیر و توجه و تشکر همکیشان خود خواهد بود.

از سال‌های ۱۹۴۰ میلادی (۱۳۱۹ شمسی) به بعد با وجود فراز و نشیب‌های فراوان که برای جامعه یهودی ایران پیش آمده و تاریخ ملت ایران دگرگونی کیفیتی پیدا کرده است، هیچ نهادی در جامعه یهودی ایران چون بیمارستان دکتر سپیر در خدمت حفظ و حرمت یهودی و یهودیان موثر نبوده است. اصل اول اساسنامه کانون خیرخواه (بیمارستان کوروش کبیر) با صراحت اعلام می‌دارد: «کانون خیرخواه یک موسسه خیریه می‌باشد که برای خدمات بهداشتی و درمانی برای همه ایرانیان بدون در نظر گرفتن مذهب و اعتقادات آنها تاسیس شده و به یاری خدا پایدار خواهد ماند».

همین اعتقاد و سعه صدر پایه‌گذاران کانون خیرخواه نشان از ارزش‌های اعتقادی یهودیت و فرهنگ دیرپای ملت ایران است، بیمارستان دکتر سپیر با وجود همه مشکلاتی که این روزها گریبان اقتصاد ملی را گرفته، همچنان به خدمت خود به هموطنان ادامه می‌دهد و این ارتباط انسانی و تاریخ‌ساز را پایداری می‌کند، گفتنی است که هیچ عاملی چه از درون جامعه یهود به بهانه‌های پوچ و نفاق‌افکنانه و چه خارج از جامعه یهودی، قادر نخواهد بود نزدیکی، صمیمیت و تعامل و تسامح میان جامعه یهودی ایران و هموطنان خود را به چالش کشیده و ماجرا آفرینی کند. نهاد بیمارستان دکتر سپیر گواه زنده این عقیده می‌باشد. ■

بهای تمام شده تخت روز آی سی یو در بیمارستان خیریه دکتر سپهر تهران (تحت مدیریت و حمایت مالی جامعه کلیمی تهران)

سامان کاهن

این مقاله حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد دفاع شده‌ی سامان کاهن،
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب است که مشروح آن در فصلنامه
مدیریت توسعه و منابع سلامت^۱ (دوره اول/ شماره ۱/ پاییز ۱۳۹۶) به چاپ رسیده است.

بخش سلامت، آگاهی از هزینه‌ها و شناخت نحوه هزینه نمودن منابع و بهای تمام شده خدمات سلامت است. حسابداری بهای تمام شده را می‌توان وسیله یا معیاری بسیار مهم و راهگشا تلقی کرد که بر مبنای آن، مدیران ضمن محاسبه‌ی بهای تمام شده‌ی خدمات، امکان می‌یابند هزینه‌های مواد، دستمزد و سایر هزینه‌های درمان را کنترل کنند. علاوه بر این، با دسترسی به این اطلاعات می‌توان عملکرد قسمت‌های مختلف بیمارستان را نیز مورد ارزیابی قرار داد و نقاط ضعف و قوت را در هر بخش یا رده - مانند بخش آی سی یو - شناسایی کرد. یکی از عوامل اساسی موفقیت در مدیریت اثربخش سلامت، درک صحیح هزینه‌ها و کنترل آن‌هاست. به طور کلی، هر بیمارستان از نظر ساختار تشکیلاتی یا سازمانی، به سه گروه اداری و پشتیبانی، واسطه‌ای، عملیاتی تقسیم می‌شود که بخش آی سی یو جزء واحدهای عملیاتی به شمار می‌آید. در این پژوهش، به منظور آشنائی با چگونگی به‌کارگیری این روش در یک بخش و تبیین نحوه تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از محاسبات و در نهایت، ارزیابی عملکرد بخش مزبور، بخش آی سی یو بیمارستان دکتر سپهر تهران در سال ۱۳۹۴ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

در دنیای امروز دیدگاه‌های سلامت، چشم‌انداز گسترده‌تری یافته و به انتظارات غیر پزشکی توجه ویژه‌ای معطوف شده است. بیمارستان‌ها به عنوان بزرگ‌ترین و پرهزینه‌ترین واحد عملیاتی سیستم‌های بهداشتی و درمانی، اکنون از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و حجم بالائی از منابع بهداشت و درمان را به خود اختصاص می‌دهند. از این رو، بیمارستان‌ها در استفاده از این منابع باید با تکیه بر روش‌های تجزیه و تحلیل هزینه‌ها و بررسی قیمت تمام شده‌ی یک واحد خدمت و مقایسه بین داده‌ها و نیز با استناد به برون‌داد (Output) به تخصیص بهینه‌ی منابع مزبور پردازند. در این زمینه، صاحب‌نظران از اقلامی مانند تخت روز^۲، میزان اشغال تخت و متوسط اقامت بیمار، به عنوان عمده‌ترین شاخص‌های اقتصادی جهت سنجش عملکرد بیمارستان نام می‌برند. یکی از رویکردهای اقتصاد سلامت، استفاده از «سیستم حسابداری بهای تمام شده» می‌باشد. هدف حسابداری بهای تمام شده، تدارک اطلاعات به منظور تسهیل برنامه‌ریزی، کنترل، ارزیابی و تصمیم‌گیری در فرآیند مدیریت است. مهم‌ترین ویژگی این روش به عنوان نخستین رکن حسابداری مدیریت، تمرکز بر امر بهای تمام شده است. اولین شرط لازم برای مدیران و سیاست‌گذاران

در بخش آی سی یو این بیمارستان هزینه‌های پرسنلی و حقوق پزشکان ۵۱ درصد، هزینه استهلاک اموال و تجهیزات ۳۷ درصد، مواد مصرفی پزشکی ۸ درصد، هزینه تغذیه ۲ درصد و دیگر هزینه‌ها ۲ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین هزینه‌ها را تشکیل می‌دهند. جمع کل هزینه‌های بخش آی سی یو در سال مزبور مبلغ ۱۲,۹۴۷,۳۴۱,۹۸۶ ریال می‌باشد اما با توجه به این که سایر واحدهای بیمارستان نیز به بخش آی سی یو خدمات ارائه می‌دهند، باید میزان سهم خدمات ارائه شده از سایر قسمت‌های بیمارستان را تحت عنوان «سربار» و بر اساس مبناهای مشخص محاسبه نمود. بر این اساس از مجموع هزینه پرسنلی و حقوق پزشکان، سربار بخش آی سی یو و سربار سایر واحدهای بیمارستان، بهای تمام شده بخش آی سی یو محاسبه می‌شود. در مرحله‌ی بعد بهای تمام شده بخش آی سی یو در این بیمارستان تقسیم بر عدد ۳۶۵ روز سال و سپس بر تعداد ۷ تخت فعال تقسیم شده و در پایان بهای تمام شده یک تخت روز به دست آمده است.

کل هزینه‌های بخش آی سی یو ۱۷/۵ درصد از کل هزینه‌های بیمارستان و هزینه پرسنل بخش آی سی یو ۱۱/۱۷ درصد از کل هزینه پرسنل بیمارستان را تشکیل می‌دهند. واحد دفتر پرستاری با ۱۹ درصد و واحد لثری با ۱۵ درصد بیشترین درصد سهم، و واحد اتوکلاو با ۲ درصد و واحد انبار با ۲ درصد کمترین درصد سهم را در تسهیم هزینه‌های سربار واحدهای اداری و پشتیبانی داشته‌اند. واحد فیزیوتراپی با ۸۵ درصد بیشترین درصد سهم، و واحد اتاق عمل با ۱ درصد کمترین درصد سهم را در تسهیم هزینه‌های سربار واحدهای واسطه‌ای به خود اختصاص داده‌اند. ■

در بخش آی سی یو این بیمارستان هزینه‌های پرسنلی و حقوق پزشکان ۵۱ درصد، هزینه استهلاک اموال و تجهیزات ۳۷ درصد، مواد مصرفی پزشکی ۸ درصد، هزینه تغذیه ۲ درصد و دیگر هزینه‌ها ۲ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین هزینه‌ها را تشکیل می‌دهند. جمع کل هزینه‌های بخش آی سی یو در سال مزبور مبلغ ۱۲,۹۴۷,۳۴۱,۹۸۶ ریال می‌باشد اما با توجه به این که سایر واحدهای بیمارستان نیز به بخش آی سی یو خدمات ارائه می‌دهند، باید میزان سهم خدمات ارائه شده از سایر قسمت‌های بیمارستان را تحت عنوان «سربار» و بر اساس مبناهای مشخص محاسبه نمود. بر این اساس از مجموع هزینه پرسنلی و حقوق پزشکان، سربار بخش آی سی یو و سربار سایر واحدهای بیمارستان، بهای تمام شده بخش آی سی یو محاسبه می‌شود. در مرحله‌ی بعد بهای تمام شده بخش آی سی یو در این بیمارستان تقسیم بر عدد ۳۶۵ روز سال و سپس بر تعداد ۷ تخت فعال تقسیم شده و در پایان بهای تمام شده یک تخت روز به دست آمده است.

محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که بهای تمام شده خدمات بخش آی سی یو مبلغ ۱۸,۰۰۵,۹۵۶,۹۳۹ ریال است که دستمزد مستقیم ۳۷ درصد و هزینه‌های سربار ۶۳ درصد از آن را تشکیل می‌دهند. بهای تمام شده تخت روز اشغالی بخش آی سی یو در سال ۱۳۹۴ برابر با ۷,۰۴۷,۳۴۱ ریال می‌باشد که این مبلغ از تعرفه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۵,۰۲۵,۰۰۰ ریال) بیشتر است و اختلاف بین هزینه واقعی و تعرفه، مبلغ

۱- از انتشارات دانشگاه علوم پزشکی بابل.
۲- مجموع روزهایی که تخت‌های یک بخش در یک دوره زمانی توسط یک بیمار، اشغال بوده است را تخت روز می‌گویند که هر ۲۴ ساعت را یک تخت روز می‌گویند.



گزارش یک ابتکار

دوریتا معلمی - لیورا سعیدی

بابت ابراز مسایل در حضور در جمعی که بعضا با هم آشنا هستند، امتناع ورزند که خود می‌توانست چالش بزرگی به حساب آید.

ولی خوشبختانه این نگرانی‌ها به سرعت جای خود را به شور و امید بخشید. چرا که از همان ابتدا با استقبال خوبی روبرو شدیم، به صورتی که برای یک کارگاه ۱۰ نفره، ۱۶ نفر داوطلب داشتیم و از این بین ۹ نفر خانم و ۶ نفر آقا بودند و امیدوارکننده‌تر اینکه ۴ زوج نیز در بین حاضرین بودند و این می‌تواند نشانگر آن باشد که نه تنها جوانان مجرد ما مایل به یادگیری چنین مهارت‌هایی برای شروع زندگی مشترک هستند بلکه زوجین نیز خود را از چنین آموزش‌هایی مبرا ندانسته و مشتاق به ارتقاء رابطه خود به سطحی بالاتر می‌باشند.

در مورد دوم نیز نگرانی‌ها مرتفع شد چرا که هر قدر پیش‌تر می‌رفتیم بحث و گفتگو و پرسش و ابراز نظرها پر رنگ‌تر شده و گاهاً موجب می‌شد که مدرسین بیشتر از زمان در نظر گرفته شده در جلسات حضور داشته باشند. مهم‌تر این‌که بنا به خواست فراگیران ۲ جلسه دیگر نیز به تعداد جلسات اضافه شد، ضمن آنکه نیمی از فراگیران خواستار برگزاری دوره دیگری در خصوص آموزش مهارت‌های ارتباطی شدند.

ضمناً فراگیران در پایان آموزش هر موضوع با پر کردن فرم نظرسنجی انتقادات و پیشنهادات سازنده‌ای نیز ارائه کردند که کارگروه با بررسی آنها تلاش نمود تا در دوره بعدی آنها را بکار برد.

در حال حاضر دوره پیشرفته گروه اول نیز برگزار و به اتمام رسیده و دوره فراگیران جدید نیز به اتمام رسیده است.

«مهارت‌های زندگی» توانایی انجام رفتار سازگارانه و مثبت به گونه‌ای است که فرد بتواند با چالش‌ها و ضروریات زندگی روزمره خود کنار بیاید. فرد با آموختن و یادگیری این مهارت‌ها، علاوه بر رسیدن به آرامش و تعادل در زندگی فردی و اجتماعی، به ایفای نقش درست در زندگی خود می‌پردازد. «مهارت‌های زناشویی/ زندگی مشترک» نیز از جمله توانمندی‌هایی است که موجب می‌شود تا افراد در رویارویی با چالش‌ها و مسایل زندگی زناشویی رفتارهای سازگارانه و کارآمدتری داشته و در تعامل با یکدیگر صمیمیت و عشق و شادی بیشتری را تجربه نموده و از یک رابطه عمیق و پایدار بهره‌مند گردند.

از آنجایی که یکی از مسایل جامعه ما نیز به مسایل بین زوجین مربوط می‌شود و از آنجا که حل این مسایل موجب برقراری آرامش و شادی بیشتر در خانواده و به تبع آن رشد و پرورش فرزندان در محیطی سالم‌تر می‌گردد، لذا بر آن شدیم تا با کمک و همکاری سازمان بانوان کلیمی کلاس‌هایی تحت عنوان «آموزش مهارت‌های زندگی مشترک» برگزار نماییم (روند شکل‌گیری کلاس‌های مذکور در مجله بینا شماره ۴۴ ذکر شد) و در حال حاضر که اولین دوره این کلاس‌ها به پایان رسیده است لازم می‌دانم گزارشی برای خوانندگان ارائه نمایم.

اگر بخواهم صادقانه بگویم از همان ابتدای شروع به کار چند نکته ذهن من و سایر اعضا گروه برگزار کننده را به خود مشغول کرده بود از جمله میزان استقبال هم‌کیشان بویژه افراد متأهل (بالاخص آقایان) و همچنین میزان مشارکت اعضا در بحث‌ها و گفتگوها، چرا که ممکن بود فراگیران بنا به دلایل مختلف مانند نگرانی از

اکنون برای آنکه سایر هم‌کیشان عزیز به طور مختصر در جریان کار قرار گیرند توجه شما را به اطلاعات بدست آمده از فرم‌های نظرسنجی جلب می‌نمایم:

گفتگوی مؤثر	ضعیف	متوسط	خوب	عالی
مرتبط بودن مطالب		۶/۶۷ درصد	۴۶/۶۷ درصد	۴۶/۶۷ درصد
میزان تسلط مدرس			۴۶/۶۷ درصد	۵۳/۳۳ درصد
نحوه آموزش و انتقال			۶۰ درصد	۴۰ درصد
وسایل کمک آموزشی	۶/۶۷ درصد	۵۳/۳۳ درصد	۲۰ درصد	۲۰ درصد
نحوه پاسخ‌دهی		۲۶/۶۷ درصد	۴۰ درصد	۳۳/۳۳ درصد
میزان کاربردی بودن	۱۳/۳۳ درصد		۴۰ درصد	۴۶/۶۷ درصد

مدیریت روابط و قاطعیت	ضعیف	متوسط	خوب	عالی
مرتبط بودن مطالب		۶/۶۷ درصد	۶۰ درصد	۳۳/۳۳ درصد
میزان تسلط مدرس		۶/۶۷ درصد	۶۰ درصد	۳۳/۳۳ درصد
نحوه آموزش و انتقال		۱۳/۳۳ درصد	۴۰ درصد	۴۶/۶۷ درصد
وسایل کمک آموزشی	۱۳/۳۳ درصد	۵۳/۳۳ درصد	۲۰ درصد	۱۳/۳۳ درصد
نحوه پاسخ‌دهی		۲۶/۶۷ درصد	۳۳/۳۳ درصد	۴۰ درصد
میزان کاربردی بودن		۲۰ درصد	۴۰ درصد	۴۰ درصد

باورهای منطقی و غیرمنطقی	ضعیف	متوسط	خوب	عالی
مرتبط بودن مطالب		۷/۱۴ درصد	۵۷/۱۴ درصد	۳۵/۷۱ درصد
میزان تسلط مدرس			۵۰ درصد	۵۰ درصد
نحوه آموزش و انتقال		۷/۱۴ درصد	۵۷/۱۴ درصد	۳۵/۷۱ درصد
وسایل کمک آموزشی	۲۸/۵۷ درصد	۴۲/۸۶ درصد	۲۸/۵۷ درصد	
نحوه پاسخ‌دهی		۲۸/۵۷ درصد	۴۲/۸۶ درصد	۲۸/۵۷ درصد
میزان کاربردی بودن		۴۲/۸۶ درصد	۴۲/۸۶ درصد	۱۴/۲۸ درصد

اصول کلی روابط جنسی	ضعیف	متوسط	خوب	عالی
مرتبط بودن مطالب		۷/۱۴ درصد	۵۷/۱۴ درصد	۳۵/۷۱ درصد
میزان تسلط مدرس		۷/۱۴ درصد	۴۲/۸۶ درصد	۵۰ درصد
نحوه آموزش و انتقال		۷/۱۴ درصد	۶۴/۲۹ درصد	۲۸/۵۷ درصد
وسایل کمک آموزشی	۷/۱۴ درصد	۵۷/۱۴ درصد	۲۸/۵۷ درصد	۷/۱۴ درصد
نحوه پاسخ‌دهی		۲۱/۴۳ درصد	۶۴/۲۹ درصد	۱۴/۲۸ درصد
میزان کاربردی بودن		۲۸/۵۷ درصد	۵۰ درصد	۲۱/۴۳ درصد

مذاکره و حل تعارض	ضعیف	متوسط	خوب	عالی
مرتبط بودن مطالب			۴۲/۸۶ درصد	۵۷/۱۴ درصد
میزان تسلط مدرس			۳۵/۷۱ درصد	۶۴/۲۹ درصد
نحوه آموزش و انتقال			۴۲/۸۶ درصد	۵۷/۱۴ درصد
وسایل کمک آموزشی		۱۴/۲۸ درصد	۴۲/۸۶ درصد	۴۲/۸۶ درصد
نحوه پاسخ‌دهی		۷/۱۴ درصد	۵۷/۱۴ درصد	۳۵/۷۱ درصد
میزان کاربردی بودن			۶۴/۲۹ درصد	۳۵/۷۱ درصد

مدیریت خشم	ضعیف	متوسط	خوب	عالی
مرتبط بودن مطالب			۷۸/۵۷ درصد	۲۱/۴۳ درصد
میزان تسلط مدرس			۷۸/۵۷ درصد	۲۱/۴۳ درصد
نحوه آموزش و انتقال		۷/۱۴ درصد	۸۵/۷۱ درصد	۷/۱۴ درصد
وسایل کمک آموزشی	۲۱/۴۳ درصد	۴۲/۸۶ درصد	۳۵/۷۱ درصد	
نحوه پاسخ‌دهی	۷/۱۴ درصد	۲۱/۴۳ درصد	۴۲/۸۶ درصد	۲۸/۵۷ درصد
میزان کاربردی بودن		۲۱/۴۳ درصد	۵۷/۱۴ درصد	۲۱/۴۳ درصد

همان‌گونه که در جداول فوق مشاهده می‌شود، نظرسنجی‌های هر مبحث در ۶ بخش مرتبط بودن مطالب، تسلط مدرس، نحوه آموزش، وسایل کمک آموزشی، نحوه پاسخ‌دهی و میزان کاربردی بودن بررسی شدند. فراگیران اکثر مباحث را در بیشتر بخش‌های مذکور عمدتاً خوب و تا حدودی عالی ارزشیابی کردند. تنها در بخش وسایل کمک آموزشی، ارزشیابی‌ها وضعیت متوسط را نشان دادند که لازم است در دوره‌های بعدی به این بخش بیشتر توجه گردد.



در اینجا لازم می‌دانم از هیئت مدیره سازمان دانشجویان یهود ایران که در زمان نیاز، مکان خود را در اختیار ما قرار می‌دادند کمال تشکر را داشته باشم.

و نکته آخر این که سازمان بانوان یهود که با کمال افتخار بانی این امر مهم بوده، از همکیشان عزیز دعوت می‌نماید تا در دوره‌های آتی این کلاس‌ها شرکت نمایند. ■

انجمن بانوان کلیمی تهران دوره‌های آموزش مهارت‌های زندگی مشترک را با شرکت علاقمندان با موفقیت برگزار نموده و این کلاس‌ها را ادامه خواهد داد. از دوستان و زوج‌های عزیزی که تمایل به شرکت در این دوره‌ها را دارند تقاضا داریم با توجه به اطلاعیه‌ها که متعاقباً پخش خواهد شد نسبت به ثبت‌نام خود اقدام نمایند.



نویسنده: آیزاک باشویس سینگر
مترجم: فریبا ارجمند
ناشر: روزنه، ۱۳۹۶
تعداد صفحات: ۹۳۶

همایش فرهنگی کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران

«بررسی کتاب خانواده موسکات»

لیندا لوی شوقی

مسئول کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان

خانواده‌ای یهودی در دهکده‌ای نزدیک ورشو به دنیا آمد. پدرش و پدربزرگ مادری او حاخام بودند. او در سال ۱۹۳۵ به ایالات متحده مهاجرت کرد. سردبیر روزنامه فوروارد در نیویورک شد و اکثر داستان‌های کوتاه خود را برای اولین بار در آن روزنامه به زبان ییدیش (ترکیبی از آلمانی و عبری) چاپ کرد. سینگر تمام آثارش را به زبان ییدیش نوشته است. پس از به شهرت رسیدن، داستان‌های کوتاه و بلند او یکی پس از دیگری با نظارت خودش به انگلیسی برگردانده شد.

او دوبار در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۴ برنده‌ی جایزه‌ی کتاب ملی آمریکا شد و در سال ۱۹۷۸ نیز جایزه نوبل ادبیات را از آن خود کرد. از میان آثارش پیش از خانواده موسکات، مجموعه داستان «یک مهمانی، یک رقص» (مژده دقیقی)، «احمق‌های چلم و تاریخ‌شان» (پروانه عروج‌نیا)، «دوباره احمق‌های چلم»، «روزی که گم شد»، (خدیدجه روزگرد) و رمان «دشمنان» (احمد پوری) به فارسی ترجمه شده‌اند. علاوه بر این برخی از داستان‌های کوتاه او در میان مجموعه داستان‌های برگزیده در کتاب‌ها و نشریات فارسی نیز به چاپ رسیده‌اند. سینگر در سال ۱۹۹۱ در فلوریدای آمریکا درگذشت.

داستان کتاب فوق در آخرین سالهای قرن نوزده شروع میشود و در اولین روزهای حمله آلمان نازی

کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان، ۱۳ آبان ماه ۱۳۹۶ میزبان فریبا ارجمند مترجم رمان خانواده موسکات اثر ایزاک باشویس سینگر بود.

ابتدا، مجری برنامه، حمید اقبالی (رئیس هیئت امنای کتابخانه) بیاناتی در خصوص این گردهمایی ایراد کرد.

سپس مترجم کتاب، فریبا ارجمند در خصوص آشنایی با این کتاب و ترجمه آن و زمینه‌های تاریخی کتاب، توضیحات مبسوطی ارائه نمود و سپس دکتر سیامک مره‌صدق، پرویز یشایایی و دکتر همایون سامه‌یح درباره غنای ادبیات ییدیش و یهودی و نقش آن در ادبیات معاصر اروپا و نکاتی پیرامون ترجمه کتاب صحبت کردند.

در خاتمه به رسم یادبود یک جلد کتاب دیوان حافظ و «کتاب یک مهمانی و یک رقص» از طرف کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران به فریبا ارجمند اهدا گردید.

کتاب یک مهمانی یک رقص اولین مجموعه داستان کوتاهی است از آیزاک باشویس سینگر که به فارسی توسط مژده دقیقی ترجمه شده است.

رمان خانواده موسکات، اولین رمان بلندی است از آیزاک باشویس سینگر، نویسنده آمریکایی لهستانی‌الصل، که به فارسی ترجمه شده است. سینگر، نویسنده لهستانی تبار آمریکایی در ۱۹۰۲ در



فشارها و تهدیدات مصون نیست، در نهایت، نسل اول این خانواده در میان قوم و در بین آشنایان با آرامش و با مراسم کامل

دینی به جوار حق می‌روند در حالیکه نسل دوم در میان فشارها و تهدیدات و در برزخی از ایمان و بی‌ایمانی در لهستان سر بر خاک می‌گذارند، اما سرگذشت سوگناک‌تر، نسل سوم است که...
سینگر در این کتاب به بهانه روایت سرگذشت خانواده موسکات، سنت‌ها، اعیاد و آداب و رسوم یهودیان حاسید لهستان را روایت می‌کند.

کتابخانه انجمن کلیمیان در ایام هفته از یکشنبه تا پنجشنبه در دو نوبت صبح و بعدازظهر پذیرای عزیزان می‌باشد.
شایان ذکر است جهت رفاه اعضای محترم، جمعه صبح‌ها کتابخانه باز می‌باشد. ■

بدینوسیله از جناب آقای کاظم موسوی بجنوردی (ریاست محترم مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی) که همواره نسبت به کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران بذل محبت دارند سپاسگزاریم.

به لهستان به پایان می‌رسد، محل داستان بیشتر ورشو است و قهرمانان تقریباً همه یهودی‌اند. این رمان روایت ماجراهای یک خانواده بزرگ یهودی است. حکایت اتفاقات و ماجراهای تلخ و شیرین زندگی سه نسل از افراد یک خانواده است که در نهایت به اضمحلال و پراکندگی ختم می‌شود. داستان با روایت ماجرای سومین ازدواج مشولام موسکات، پدر بزرگ خانواده آغاز می‌شود او در آستانه ۸۰ سالگی، با داشتن هفت فرزند از دو همسر قبلی خود، با بیوه یک کارخانه‌دار ورشکسته ازدواج می‌کند.

مشولام موسکات پدر سالاری مقتدر و یکی از اعضای مهم جامعه یهودی ارتدکس ورشو هست اما خواه ناخواه تغییر، وارد جامعه بسته و به شدت سنتی هم شده است. دخترهایی که به زور و به انتخاب پدر، شوهر کرده‌اند جدا میشوند یا خیانت میکنند، پسرهایی که برای جانشینی پدر بزرگ حاخام‌شان تربیت میشوند طغیان می‌کنند و ریش می‌زنند و ...

مشولام موسکات ثروتمند است، ثروتی که با کار و تلاش و تدبیر در طی سال‌های طولانی عمرش اندوخته است و همین امر باعث استحکام موقعیت او در بین اعضای خانواده و جامعه بزرگ‌تر یهودیان ورشو شده است.

تغییرات و تحولات اجتماعی و الزامات زندگی مدرن از یک طرف و حوادث بزرگی نظیر جنگ جهانی اول، انقلاب اکتبر، استقلال لهستان از روسیه، برآمدن نازیسم در آلمان و تهدیدات مکرر هیتلر و بالاخره تهاجم آلمان به لهستان از طرف دیگر وقایعی هستند که مدام جامعه یهودیان را تحت فشار قرار می‌دهند و خانواده موسکات هم از این



جایگاه زن در آیین یهود (پیامبران زن) (بخش اول)

نسترن یازدب

زن در تاریخ

قدر مسلم این است که در طی تاریخ در میان تمام اقوام و ادیان به زن‌ها ظلم‌های زیادی شده است و از آنان به عنوان یک وسیله برای شهوت و خوش‌گذرانی استفاده شده و عموماً به زن به عنوان یک انسان نگاه نشده است. زنان در تمام ادیان و قوم‌ها به میزان اطلاعات خود به مبارزه از حق و حقوق خود به پا خواسته‌اند، در یهودیت هم زن‌های نامی زیادی هستند که از حق و حقوق خودشان و زن‌های دیگر یهود دفاع کرده‌اند. عبرانیان قبل از موسی، مردمی خانه به دوش و آواره بودند که در بیابان‌ها زندگی می‌کردند و به پرورش چهارپایان سرگرم بودند.

مادران در قرون اولیه از حق انتخاب نام فرزند برخوردار بودند. چادر به زن تعلق داشت. مرد حق داشت در نزد زن اقامت کند. ولی به تدریج تمام فرماندهی و زمام مدیریت امور خانه را مرد به عهده گرفت و زن بیشتر به صورت وسیله تولید مثل درآمده و حتی زن از جنبه‌ای جزو ثروت مرد به حساب می‌آمد.

پیامبران زن در قوم یهود

در قوم یهود پیامبری منحصر به مردان نبوده بلکه زنان نیز مقام نبوت داشته‌اند و همانگونه که انبیاء مرد بنی‌اسرائیل پدر خوانده می‌شدند، زنان نیز که به پیامبری می‌رسیده‌اند مادر خوانده می‌شدند، پدر اسرائیل و مادر اسرائیل، تعداد پیامبران زن اسرائیل هفت نفر بوده است:

۱- ساره «سارا» (همسر ابراهیم): سارا مانند ابراهیم که مردان را به توحید دعوت می‌کرد، او نیز زنان را به خداوند یکتا فرا می‌خواند.

۲- مریم (میریم خواهر موسی) وقتی که موسی بنی‌اسرائیل را از دریای سرخ گذراند میریم در جلوی زنان بسیار مسرور، و ایشان را به ستایش خداوند فرا خواند.

۳- دِبوْرا (که قاضی نیز بوده است) به معنی زنبور عسل که مادر اسرائیل نامیده شده است. این زن در زیر درخت نخل می‌نشست و برای قوم بنی‌اسرائیل قضاوت و داوری می‌کرد. بنی‌اسرائیل، زنان را به قضاوت قبول داشتند. در آن عصر پادشاه

حوزه فعالیت دادگاه‌های یهودی به امور ازدواج، طلاق، ارث و وصیت و هستیم.

در میان یهودیان ازدواج‌ها با همکیش صورت می‌گیرد و با غیریهودی ممنوع است. زن در خانه موظف به تابعیت از شوهر است و نذورات او نیز منوط با اجازه شوهر است. دختران یهود در قدیم اگر ازدواج کرده بودند ارث نمی‌بردند، ولی امروزه پسران دو برابر دختران ارث می‌برند، ارث در صورتی به دختر می‌رسد، که متوفی فرزند پسر نداشته باشد. طی فرآیند گفته شده شریعت یهودی به مرور زمان به قوانین عرفی تبدیل می‌شود. اگر چه علمای یهود در برابر عرفی شدن قوانین خانواده مقاومت کردند. از نظر ایشان، وجود قوانین سختگیرانه فعلی ازدواج، ضامن استحکام خانواده است. همچنین ثواب تنها در چارچوب خانواده شرعی رخ می‌دهد، لذا ضرورت دارد از حریم خانواده دفاع شود. سهم دختر یهودی از میراث پدری، صرفاً جهیزیه بود. اگر چه با اصلاح قانون، سهم ایشان به یک دوم سهم پسران افزایش یافت. دختر یهودی، مانند دختران مسلمان، حق درخواست طلاق (و طلاق غیابی) را ندارند. در آیین یهود مذهب از مادر به ارث می‌رسد. در تورات تشخیص زیادی به زن داده شده است. خداوند در تورات می‌گوید: «ما تورات را به دست زنان سپرده ایم.» در برداشت ارتدکس از آیین یهود، هویت زن در نهاد خانواده به صورت مادر، خواهر و همسر معنا می‌یابد. اگر چه برداشت‌های محافظه کار، رویکردهای فردگرایانه‌تری را انتخاب کرده، اجازه

کنعان «یابین» بر اسرائیل حکومت می‌کرد. دبوراً از میان قوم خود مردی به نام «بالاق» را برانگیخت تا به همراهی او ده هزار سپاهی گرد آورد و بر «سیسرا» فرمانده لشکر «یابین» حمله برد او بر شاه پیروز شد.

۴- حنا (مادر سموئیل یا همان شموئل نبی) زنی نازا بود و از خداوند تقاضای اولاد نمود و دعای او مورد اجابت قرار گرفت او به هنگام زائیدن سرودی به شکرانه این نعمت سرود که یکی از زیباترین سرودهای مذهبی بنی اسرائیل است.

۵- اوی گیل (همسر داود) او زنی زیبا و با هوش بود که در جنگ همراه داود بود و برای داود دو فرزند به دنیا آورد.

۶- حولدا (همسر شلوم) این زن پیامبری مشهور بود که در زمان یوشی‌یاه پادشاه اسرائیل (اورشلیم) مورد مشورت پادشاه و کاهنان قرار می‌گرفت.

۷- استر (ملکه خشاریارشا) این پیامبر دختر آبی حیل است که در دستگاه شاه بسیار نفوذ داشت و جالب این که قبر این ملکه یهودی در شهر همدان قرار دارد.

هویت زن در آیین یهود

دین یهود، مبتنی بر نظامی حقوقی است. بعد از فروپاشی معبد دوم (حدود ۷۰ سال بعد از میلاد) توسط رومیان، شاهد عرفی شدن نظام حقوقی هستیم. اولین گام در این زمینه، تعطیل کردن اجرای احکام حدود مانند اعدام تا «ظهور منجی عالم بشریت» است. با خرابی معبد دوم و آوارگی یهودیان در کشورهای مختلف شاهد محدودتر شدن

سنگین داشت زیرا کار عمده نگهداری از خانه و کارهایی نظیر خوشه‌چینی، آسیاب کردن، رسیدن پشم و کتان، رنگ کردن، اداره امور عروسان و دختران و... تماما به عهده او بود. با وجودی که زن تحت انقیاد شوهر بود از بالاترین درجه احترام برخوردار بود و اگر شوهر به زن جسارتی می‌کرد یا او را کتک می‌زد باید مجازات می‌شد. هر چند تورات و تلمود نقاط ضعفی برای زنان برشمرده‌اند ولی عبارات تمجیدآمیز فراوانی را نیز ذکر کرده‌اند: «زن با تقوا تاجی بر سر شوهرش است» یا «زن دلیر ارزشش بیش از یاقوت است». زن در تورات بسیار مورد ستایش است و حقوق زیادی نسبت به موقعیت زمانی قدیم به او عطا شده که بسیاری از موارد مساوی با حقوق مردان است، حتی تا جایی که بعضی از زنان به مقام رهبری، پیامبری و قضاوت نیز رسیده‌اند.

جایگاه و سرگذشت زنان بزرگ در تورات

سارا همسر اوراهام (حضرت ابراهیم)، دختر «هاران» برادر ابراهیم و خواهر «لوط» بود. نام اولیه او ساری به معنی خاتون من بود که تورات نام دیگر او را «ییسکا» خوانده است. این نام نیز به جهت روح قدسی و درجه نبوت او به وی اطلاق گشته است. مطالعه زندگی سارا در تورات، نشان می‌دهد که وی زنی زیبا، فداکار، با شخصیت قوی و کاملا آگاه به ارزش‌های خویش بوده است. ابراهیم به عنوان پدر توحید، سفرها و مهاجرت‌های بسیار کرد و سارا با فداکاری بسیار، همسر خود را

فعالیت زنان را به عنوان روحانی و پیش‌نماز ممکن کرده‌اند. با ظهور رفورمیست‌ها، شاهد حرکت به سمت فردگرایی، تضعیف خانواده به نفع هویت فردی، رانده شدن قوانین شرعی به حوزه خصوصی و اتخاذ رویکرد برابری خواهانه میان انسان‌ها هستیم.

جایگاه زن در تورات

هنگام خواندن کتاب تورات (تنخ) مشکل می‌توان باور کرد که با زنانی نظیر سارا، ریوqa، راحل و دבורا مواجه هستیم که با ما فاصله زمانی سه یا چهار هزار سال دارند ولی صفات بشری آنها چنان است که انگار امروز در بین ما هستند. تورات معیارهای بسیار والایی در تقوا چه برای مردان چه برای زنان دارد ولی در عین این که از خوبی تجلیل می‌کند، ضعف‌ها و کاستی‌های افراد را حتی در بالاترین مقام گوشزد می‌کند، بدینسان است که اغلب شخصیت‌های آن، هیچ‌گاه در یک موضع مطلقا «نیک» قرار نمی‌گیرند.

محیط اجتماعی زمان تورات

مقصود از دوران تورات دوره‌ای است که تقریباً از زمان حضرت ابراهیم یعنی دو هزار سال قبل از میلاد شروع و تا زمان عزرا یعنی پنج قرن قبل از میلاد به طول می‌انجامد. در این دوران طایفه متشکل از چند خانواده بود که مرد در رأس آن قرار می‌گرفت و افراد خانواده تحت حمایت او بودند. بیشتر پسران بعد از ازدواج در خانواده خود باقی می‌ماندند و بزرگ‌ترین آنها و پس از فوت پدر، جانشین او می‌شد. زن در چنین خانواده‌ای مسئولیتی

شروع شد. خداوند به ابراهیم فرمود: «من از تو ملت بزرگی به وجود خواهم آورد و تو را برکت خواهم نمود، نام تو را بزرگ خواهم کرد... کسانی را که تو را برکت کنند برکت خواهم کرد و آنهایی را که تو را لعنت کنند، ملعون خواهم کرد، و از تو، تمام اقوام روی زمین را برکت خواهم نمود.» (۳-۱۲:۱)

عشق سارا به اوراهام و اعتقادش به اینکه وعده خداوند به وقوع خواهد پیوست تا اندازه‌ای بود که هاجر، کنیز خود را، به همسری ابراهیم درآورد. او حاضر بود هر فرزند ذکوری را که از این پیوند حاصل شود مانند فرزند خود بداند، و این کار او آن زمان امری متداول بوده است. ابراهیم پیشنهاد سارا را پذیرفت زیرا راه دیگری برای تحقق یافتن وعده خداوند نمی‌دید. در سن ۸۶ سالگی ابراهیم صاحب پسری شد که نام او را بیسماعیل (اسماعیل) به معنای «خداوند می‌شنود» گذاشتند. موقعیت قانونی هاجر و اسماعیل طبق قوانین بین‌النهرین چنین بود: هاجر کنیز سارا باقی ماند و اسماعیل وارث قانونی (شرعی) او محسوب می‌شد. زمانی که ابراهیم ۹۹ ساله بود، خداوند به او ظاهر شد و فرمود: «... من از سارا به تو پسری خواهم داد... و سارا مادر ملت‌ها خواهد بود... و عهد خود را با اسحاق، پسر سارا، که وی تا سال آینده برایت به دنیا خواهد آورد برقرار خواهم نمود.» (۱۷:۱۶، ۱۹، ۲۱) تعجب و هیجان مادری سارا را بر آن داشت که بگوید: «خداوند برای من وسیله شادی فراهم آورده است...» او دوباره جوان شد. سرانجام بیصحاق (حضرت اسحق) به دنیا آمد، در حالی که ابراهیم

(حتی در سنین کهولت و بالای ۷۰ سالگی) در تمام این مسافرت‌های تبلیغی همراهی می‌کرد. در دنیای حدود ۴۰۰۰ سال پیش، در حالی که کمتر اثری از تمدن و فرهنگ در میان اقوام به چشم می‌خورد، ابراهیم و سارا بارها میان سرزمین‌های کنعان، حاران، مصر و نقاط دیگر در حال حرکت بودند.

سارا، در ایمان و اعتقاد به وحدانیت و ترویج یکتاپرستی نیز پا به پای همسر خویش حرکت می‌کرد. در تفاسیر تورات آمده است که ابراهیم به تربیت و تعلیم مردان مشغول بود و سارا نیز همزمان، زنان را به پرستش خالق جهان دعوت می‌کرد. در آیه‌ای از تورات آمده است که خداوند به ابراهیم به خاطر اختلاف نظر با سارا چنین می‌فرماید: «آنچه را که سارا به تو می‌گوید، بپذیر و به او گوش فرا بده.» (برشیت ۱۲: ۲۱) ابراهیم آزمایش‌های بسیاری را با موفقیت از سرگذراند و در حین ارتقاء درجه معنوی و در آستانه دریافت فرمان «میلا» (ختنه) از سوی خداوند، نام او از «اورام» به «اوراهام» و هم‌زمان نیز نام همسرش از «ساری» به «سارا» تغییر یافت.

در زبان عبری، این تغییرات با اضافه شدن حرف «ه» که یکی از حروف نام اعظم خداوند است به نام آنها صورت گرفت که نشانه توجه خاص خداوند به آن دو می‌باشد. شاید مهمترین واقعه زندگی سارا را بتوان قضیه صاحب فرزند شدن او دانست. سارا تا سنین پیری عقیم و نازا بود و خود او هیچ‌گاه شکوه و سخنی در این باره به زبان نیاورد، اما همه چیز از وعده خداوند به ابراهیم

ابراهیم آن قوچ را گرفت و به جای پسرش به درگاه خداوند قربانی کرد.» (۱۳-۱۱:۲۲) سارا از فکر اینکه پسر دلبندهش با بی‌رحمی به دست پدرش به قتل رسیده است هیچ امیدی برای ادامه زندگی نداشت. تورات تنها می‌گوید که مادر ملتها در سن ۱۲۷ سالگی فوت کرد. مشخص نیست که آیا سارا مطلع شد که اسحق هنوز زنده است یا خیر. تورات تنها می‌گوید: «ابراهیم برای سوگواری کردن برای سارا آمد و برایش گریه کرد». عشق ابراهیم به سارا عمیق‌تر از آن بود که او را در یک گور معمولی دفن کند. بنابراین با «عفرون حیتی»، وارد معامله شد و غار مخپلا را در حبرون به بهای ۴۰۰ شکل نقره (سکه رایج) خریداری کرد و در آنجا یک مقبره خانوادگی ساخت. آن غار، محلی بود که آدم و حوا آرمیده بودند. وی در آنجا سارا را با عشق فراوان به آرامگاه ابدی سپرد و خود نیز بعد از وفات در آنجا دفن شد. همانطور که بعدها اسحق و یعقوب و دو مادر دیگر قوم «ریوقا» و «لئا» در آنجا به خاک سپرده شدند.

(ادامه دارد)

صد ساله بود و سارا نود سال داشت. سارا به مناسبت از شیر گرفتن اسحق، جشنی بسیار باشکوه برپا داشت و بسیاری از بزرگان زمان را در آن جشن دعوت نمود. خوشحالی سارا و ابراهیم اندازه‌ای نداشت تا آن که پس از چندین سال آخرین آزمایش الهی به ابراهیم ابلاغ شد: روزی، ابراهیم به سارا اطلاع داد که با اسحق راهی سرزمین موریاستند تا در آنجا قربانی کنند، اما از اطلاع دادن دستور خداوند که از او خواسته بود فرزند محبوبش را قربانی کند خودداری نمود. «و ابراهیم صبح زود برخاست و اسحق، پسرش، و چوب برای قربانی سوختنی را با خود برداشت و... راه سه روزه پیمود... ابراهیم آن مکان را دید... و به مردان جوانی که همراهش بودند گفت: همین جا بمانید، من و پسر من به آنجا می‌رویم تا خدا را پرستش نمائیم... اسحق به پدرش گفت: اینک چوب و آتش آماده است اما بره قربانی کجاست؟ ابراهیم جواب داد: خداوند خودش بره را فراهم می‌کند... سپس ابراهیم مذبحی ساخت و چوب‌ها را بر روی آن قرار داد و اسحق پسرش را بست و روی مذبح گذاشت و ابراهیم کارد را برداشت تا پسرش را ذبح کند ... از سوی دیگر سارا این اخبار وحشتناک را شنید، اما از پایان خوش آن اطلاع نیافت، که به موجب آن فرشته خداوند، ابراهیم را فرا خواند... دستت را بر پسر بلند مکن، حال دانستم که از خداوند می‌ترسی، دیدم که از تنها پسرت به خاطر من خودداری نکردی، ابراهیم چشمانش را بلند کرد و قوچی را دید که شاخ‌هایش به درخت گیر کرده بود

منابع

۱. بهناز وفامنصوری- زن در یهودیت- نشریه بینا شماره ۸ - فروردین ۱۳۷۹
۲. مهدی مهریزی- مقاله هویت زن در ادیان
۳. آدین اشتاین سالتز- سیری در تلمود- مترجم باقر طالبی دارابی
۴. عبدالله مبلغی آبادانی- تاریخ ادیان و مذاهب جهان- جلد دوم
۵. سایت باشگاه اندیشه- مقاله زن در قوم یهود
۶. علی محمدی- مقاله حجاب در ادیان الهی- مجله حدیث زندگی- شماره ۶
۷. عباس رجبی- مقاله حجاب در ادیان و اقوام گذشته- سایت باشگاه اندیشه به نقل از ماهنامه یاس، شماره ۳۲

جامعهای کوچک با زنانی بزرگ

کارشناس ارشد الکترونیک

تهیه کردند برای مقابله با مالاریا، عفونت‌ها، نقرس و نیز پیوند اعضا مورد استفاده قرار گرفته‌اند. گرتود الیون در سال ۱۹۸۸ برنده جایزه نوبل فیزیولوژی و پزشکی شد و در سال ۱۹۹۹ در آمریکا چشم از جهان فرو بست.

گرتی ترزا کوری Gerty Theresa Cori



گرتی ترزا کوری در ۱۸۹۶ در پراگ، اتریش-مجارستان (در حال حاضر جمهوری چک) به دنیا آمد. او در سال ۱۹۲۰ دکترای خود را در

پزشکی از دانشکده پزشکی دانشگاه پراگ دریافت کرد و بعد از آن در همان سال، با کارل کوری ازدواج کرد. وی با همسرش در سال ۱۹۲۲ به بوفالو، نیویورک در ایالات متحده آمریکا نقل مکان کرد و شروع به تحقیق درباره مکانیسم‌های متابولیک کرد.

اولین بار در سال ۱۹۴۷ موفق به دریافت عنوان استادی بیوشیمی شد و در همان سال جایزه نوبل بیوشیمی و پزشکی را دریافت کرد. وی اولین زن آمریکایی برنده جایزه نوبل بود و در اکتبر ۱۹۵۷ در سنت لوئیس، ایالات متحده آمریکا چشم از جهان فرو بست.

جایزه نوبل از مشهورترین و معتبرترین جوایز علمی جهان در سال ۱۸۹۵ توسط آلفرد نوبل دانشمند بزرگ سوئدی که مخترع دینامیت نیز بوده است پایه‌گذاری شد. این جوایز طبق وصیت بنیانگذار آن به طور سالانه به متفکران و دانشمندانی اهدا می‌شود که در ۵ رشته پزشکی و فیزیولوژی، شیمی، فیزیک، ادبیات و صلح منشاء اثری در خدمت به بهبود زندگی بشر شوند.

اینک نگاهی داریم به زنان دانشمند بزرگ یهودی که جوایز نوبل به آنان تعلق گرفته است.

گرتود بی. الیون Gertrude B. Elion



گرتود بی. الیون در ۱۹۱۸ در نیویورک به دنیا آمد، در زمان نوجوانی شاهد فوت مادر بزرگ خود به علت سرطان بود. همین امر باعث شد تا زندگی خود را

برای مبارزه با بیماری‌ها اختصاص دهد. او شیمی را در دانشکده هانتز و دانشگاه نیویورک مورد مطالعه قرار داد. وی یک روش سیستماتیک را برای تولید داروهای مبتنی بر دانش زیستی و بیماری‌ها ایجاد کرد. یکی از اولین داروهای تولید شده توسط او و همکارش به بسیاری از کودکان مبتلا به بیماری برای زنده ماندن کمک کرد. سایر داروهایی که آنها

ریشه‌های یهودی متولد شد. نلی از سلامت ضعیف رنج می‌برد و بنابراین در خانه تحصیل کرد. وی همراه مادرش را در سال ۱۹۴۰ از آلمان نازی به سوئد فرار کرد. چند تن از اعضای خانواده فامیل او نهایتاً قربانی هولوکاست شدند. آزار و شکنجه نازی‌ها زخم‌های عمیقی را در روحیه او ایجاد کرد که آثار وی برگرفته از همین فجایع بود. آثار این شاعر آلمانی زبان به شدت از آزار و اذیت یهودیان توسط نازی‌ها و با وحشت اردوگاه‌های مرگ رنگ می‌گیرد. شعر نلی زاکس ترکیبی از واگرایی شعر متون دینی باستانی با زبان مدرنیستی است. علاوه بر شعر، نوشته‌های وی شامل دو اثر نمایشی نیز می‌باشد.

نلی زاکس در سال ۱۹۶۶ برنده جایزه نوبل ادبیات شد و در ۱۹۷۰ در استکهلم، سوئد چشم از جهان فرو بست.

نادین گوردیمر Nadine Gordimer



نادین گوردیمر در ۱۹۲۳ در آفریقای جنوبی متولد شد. والدین او مهاجران یهودی بودند؛ پدرش اهل لتونی و مادرش اهل انگلستان

بود. نادین در سن نه سالگی شروع به نوشتن کرد، و تنها زمانی که اولین اثر او منتشر شد، فقط ۱۵ سال داشت. با رمانی تحت عنوان «محافظه‌کاران» (۱۹۷۴) به پیشرفت بین‌المللی خود دست یافت. وی در اوایل جنبش ضد آپارتاید درگیر شد و

ریتا لوی مونتالچینی

Rita Levi-Montalcini



ریتا لوی مونتالچینی در ۲۲ آوریل ۱۹۰۹ در تورین ایتالیا در یک خانواده یهودی متولد شد. پدرش مهندس برق و ریاضیدان، و مادرش

یک هنرمند بود. ابتدا به نویسندگی علاقه‌مند بود، اما در نهایت تصمیم به تحصیل پزشکی در دانشگاه را گرفت. در سال ۱۹۴۶، مونتالچینی برای کار در دانشگاه واشنگتن در سنت لوئیس، آمریکا دعوت شد و برای ۳۰ سال در آنجا باقی ماند تا در نهایت به ایتالیا باز گردد.

وی در زمینه بیوشمی، فیزیولوژی سلولی فعالیت می‌کرد. در سال ۱۹۵۲ او موفق به جداسازی ماده‌ای شد که از تومورها در موش ساخته شده بود و باعث رشد شدید عصبی در جنین‌های مرغ شده بود. کشف آنچه که اکنون به عنوان عوامل رشد شناخته می‌شود، درک عمیق‌تر از مشکلات پزشکی مانند ناهنجاری‌ها، زوال عقل، زخم تاخیری و بیماری‌های تومور را به ارمغان آورده است.

وی در سال ۱۹۸۶ برنده جایزه نوبل فیزیولوژی و پزشکی شد و در ۲۰۱۲ در رم ایتالیا چشم از جهان فرو بست.



نلی زاکس Nelly Sachs

نلی زاکس در ۱۸۹۱ در برلین، آلمان در خانواده‌ای با

به نام و توانای اتریشی، در سال ۲۰۰۱ ساخته شد.

آدا یونات Ada E. Yonath

آدا یونات در سال ۱۹۳۹، در اورشلیم، متولد



شد. والدین او از لهستان مهاجرت کرده بودند. پدرش یک حاخام بود. وی پس از مطالعه شیمی در دانشگاه عبری در

اورشلیم، دکترای خود را از موسسه علم ویزمن به دست آورد. آدا یونات همزمان در چندین دانشگاه اروپایی و آمریکایی نیز فعالیت می‌کند.

حیات سلولی توسط مولکول‌های پروتئینی تولید شده در ریبوزومها اداره می‌شوند. در دهه ۱۹۷۰، آدا یوناتیک پروژه‌ای را آغاز کرد که ثمره‌ی آن در سال ۲۰۰۰ در نقشه‌برداری از ساختار ریبوزوم با استفاده از کریستالوگرافی اشعه ایکس، به نمایش گذاشته شد. این پروژه در تولید آنتی‌بیوتیک‌ها مهم بود. طبق گفته وب سایت موسسه ملی بهداشت ایالات متحده (پیشگامان کریستالوگرافی ریبوزوم)، او اولین کریستال‌های ریبوزوم را در سال ۱۹۸۰ ایجاد کرد و نخستین بار وی این موضوع را بیان کرد که ریبوزوم حالت لوبولار دارد. آدا یونات در سال ۲۰۰۹ برنده جایزه نوبل شیمی گردید. ■

منابع

1. <https://www.nobelprize.org>
2. <https://jwa.org>
3. <http://jewishjou>

همچنین چندین کتاب او توسط رژیم آپارتاید ممنوع شد. وی از سال ۱۹۴۸ در ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی زندگی و کار کرده است.

آثار نادین گوردیمر شامل رمان، داستان کوتاه و مقالات است. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ او تعدادی از رمان‌های خود را در مورد جنبش مقاومتی که علیه آپارتاید ایجاد شده بود، نوشت. آثار ادبی وی تصویری از پیشرفت تاریخی آفریقای جنوبی را نمایان می‌سازد.

نادین گوردیمر در سال ۱۹۹۱ برنده جایزه نوبل ادبیات شد و در سال ۲۰۱۴ در ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی چشم از جهان فرو بست.

الفریده یلینک Elfriede Jelinek

الفریده یلینک در ۱۹۴۶



از پدری اهل چک و مادری رومانیایی در اتریش متولد شد، پدر وی یک شیمیدان یهودی بود. او در دانشگاه به تحصیل در رشته هنر

پرداخت و همچنین مطالعات موسیقی خود را که از کودکی به یادگیری آن مشغول بود تکمیل کرد. در آن زمان او نیز علاقه مند به نوشتن متون ادبی شد.

این بانوی رمان‌نویس و نمایشنامه نویس آلمانی زبان، در حوزه سیاست نیز فعالیت داشته است. وی در سال ۲۰۰۴ برنده جایزه نوبل ادبیات گردید. یکی از آثار مشهور وی «معلم پیانو» نام دارد که فیلمی نیز به همین عنوان به کارگردانی میثائیل هانکه، کارگردان

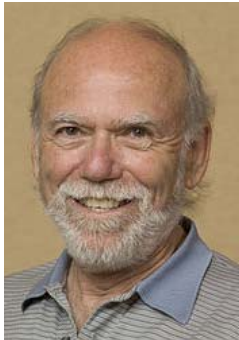
۴ یهودی، برنده جوایز نوبل ۲۰۱۷

مهندس آرش آباءئی

محقق و مدرس در موزه یهودیت

امسال، ۴ دانشمند یهودی برنده ۳ جایزه نوبل در رشته‌های پزشکی (فیزیولوژی)، فیزیک و اقتصاد شدند

نوبل فیزیک



بری باریش Barry Barish، فیزیکدان آمریکایی متولد ۱۹۳۶ در شهر اوماها ایالت نبراسکا است. او مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۹۵۷ و مدرک دکترای خود را در زمینه فیزیک تجربی ذرات پرانرژی در سال ۱۹۶۲ از دانشگاه برکلی کالیفرنیا دریافت نموده است. اجداد او مهاجران یهودی روسی (و به گفته‌ای لهستانی) بوده‌اند.

نوبل فیزیولوژی (پزشکی)

جایزه نوبل در فیزیولوژی یا پزشکی ۲۰۱۷ به جفری هال، مایکل روسباش و مایکل یانگ به خاطر «کشف ساز و کار مولکولی کنترل‌کننده ریتم شبانه‌روزی» اهدا گردید.

ریتم شبانه‌روزی (Circadian Rhythm) به هرگونه فرایند زیست‌شناختی درونزا و طبیعی اطلاق می‌شود که تقریباً هر ۲۴ ساعت تکرار می‌شود. این فرایند در بسیاری از گونه‌های جانوری، گیاهی، قارچ و سیانوباکترها دیده شده است.

جایزه نوبل ۲۰۱۷ فیزیک به طور مشترک به راینر وایس، بری باریش و کیپ ثورن به خاطر مشارکت در «شناساگر LIGO و مشاهده امواج گرانشی» اهدا گردید. سهم وایس یک دوم و سهم باریش و ثورن هریک یک چهارم جایزه است. LIGO یا رصدخانه تداخل‌سنج لیزری امواج گرانشی، رصدخانه‌ای در مقیاس بزرگ برای شناسایی امواج گرانشی و ابزاری برای توسعه این امواج گرانشی به عنوان یک ابزار ستاره‌شناسی است.



راینر وایس Rainer Weiss در ۱۹۳۲ در برلین آلمان به دنیا آمد. او مدرک دکترای خود را از دانشگاه MIT دریافت کرده است. او مبدع تکنیک تداخل‌سنجی لیزری است که اساس کار LIGO می‌باشد. پدر او یک پزشک یهودی بود که به اجبار دولت نازی از کشور رانده شد.

نظریات روان‌شناسی رفتاری و شناختی (Cognitive) با نظریات رایج علم اقتصاد و مالی می‌باشد. خاندان مادری تالر از مهاجران یهودی روس و خاندان پدری وی، از مهاجران یهودی اتریشی بوده‌اند.

نگاهی تحلیلی:

در حالی که یهودیان جهان در حدود دو دهم درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، حدود ۲۲ درصد جوایز نوبل تاکنون به دانشمندان یهودی و یا کسانی که یهودی زاده بوده‌اند تعلق گرفته است.

این امر همواره سوالات متنوعی را درباره‌ی چرایی موفقیت چشمگیر دانشمندان یهودی مطرح کرده است. گوشه‌ای از تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌ها در این موضوع با ذکر عوامل موثر در موفقیت‌ها در ادامه می‌آید و البته این تمام آنچه که عنوان شده و یا پاسخ قاطع این پرسش نیست.

۱- تربیت مذهبی مبتنی بر مطالعه: سنت تاریخی فضای دینی یهودیت، مبتنی بر آموختن بوده است، از متون مفصل نمازها و ادعیه گرفته تا تحلیل آیات تورات و در بالاترین مرحله، فراگیری تلمود و ورود به مباحثات فقهی. این فرهنگ تحصیل از سنین پایین آغاز و معمولاً با فراز و نشیب‌هایی در سالیان طولانی ادامه می‌یابد. این فضای فرهنگی مبتنی بر آموزش مداوم و به نوعی مادام‌العمر، بطور مستقیم یا غیر مستقیم امر تحصیل در سایر علوم را با تعمق هر چه بیشتر تشویق و امری ارزشمند می‌نماید. علاوه بر این، سنت دیرینه‌ی پرسشگری در فضای دینی یهودیت را باید عامل موثر دیگری در این زمینه محسوب کرد.

۲- محدودیت‌های احکام دینی: الزامات شرع یهود مانند تهیه مواد خوراکی کاشیر (حلال)، حضور در مراسم روزانه یا هفتگی عبادی کنیسه‌ها و مراکز آموزشی خاص یهودیان، در کنار فشارهای تاریخی و اجتماعی وارده بر جوامع یهودی، همواره آنها را به سکونت متمرکز در



مایکل روسباش Michael Rosbash، متولد ۱۹۴۴ در کانزاس سیتی ایالت میسوری است. او مدرک دکترای خود را از دانشگاه MIT اخذ نموده است. او و همکارانش کاشف ژن cycle، ژن clock و گیرنده نوری کریپتوکروم در مگس سرکه در سال ۱۹۹۸ بوده‌اند. والدین او پناهندگان یهودی بودند که آلمان را در سال ۱۹۳۸ ترک گفتند. پدر روزباش در آلمان یک حاخام و پیشنماز کنیسه بود.

جایزه اقتصاد

جایزه ۲۰۱۷ ریکس بانک سوئد در علوم اقتصاد موسوم به نوبل اقتصاد (جایزه یادبود نوبل در علوم اقتصادی)، به ریچارد تالر به خاطر مطالعاتش در اقتصاد رفتاری اهدا گردید.



ریچارد تالر Richard Thaler اقتصاددان آمریکایی متولد ۱۹۴۵ در ایست اورنج ایالت نیوجرسی است. او مدرک دکترای خود را از دانشگاه روچستر دریافت نموده است. او یکی از نظریه‌پردازان به‌نام در علوم مالی رفتاری است. علوم مالی رفتاری، شاخه‌ای جدید در علم اقتصاد است که به دنبال پیوند زدن میان

اندیشمندان یهودی در حوزه‌های غیر دین یهود پس از شکل‌گیری این جنبش مشاهده می‌شود.

برخی در کنار عوامل فوق، به نکات دیگری همانند بهره‌ی هوشی بالاتر در میان یهودیان اشکنازی و یا وضعیت بهتر مالی و اقتصادی یهودیان و امکان دسترسی راحت‌تر به تحصیلات دانشگاهی نیز اشاره می‌کنند.

در مخالفت با تاثیر ویژگی‌های «یهودی بودن» بر تحصیلات دانشگاهی و ارتباط معنادار آن با دریافت جوایز نوبل، گروهی دیگر از تحلیل‌گران، نسبت‌های آماری کلی را زیر سوال می‌برند. به عنوان مثال، این که «یهودیان جهان در حدود دو دهم درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما بیش از ۲۰ درصد جوایز نوبل را دریافت کرده‌اند»، گزاره‌ای نادرست است. زیرا بیش از ۹۰ درصد جوایز نوبل را دانشمندان اروپای غربی و امریکا دریافت کرده‌اند (که کمتر از ۲۰٪ جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد) و در این حالت، یهودیان مقیم همین مناطق سهم بزرگتری از جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند و دیگر نسبت «دو دهم درصد از جمعیت جهان و اخذ ۲۰ درصد جوایز نوبل» برقرار نیست. حتی در همین وضعیت نیز، درصد قابل توجهی از غیریهودیان اروپایی و امریکایی در مناطق غیر شهری یا دور از مراکز فرهنگی و علمی ساکن هستند، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق جوامع یهودی اروپا و امریکا در شهرهای مهم و نزدیک به مراکز آکادمیک به صورت متمرکز ساکنند. یک مثال بارز، شهر نیویورک است که با جمعیت ۸ میلیونی خود، حدود ۲ میلیون یهودی را در بردارد و در این حالت یهودیان ۲۵٪ جمعیت آن را (که چندین برنده جایزه نوبل از آن برخاسته‌اند) تشکیل می‌دهند و بدین ترتیب، باب تحقیق درباره‌ی تاثیر دیانت و فرهنگ یهودی بر موفقیت‌های علمی و فرهنگی همچنان گشوده‌است. ■

منابع

- 1- nobelprize.org
- 2- scribd.com
- 3- jinfo.org
- 4- af.sputniknews.com
- 5- movazi.xyz

مناطق شهری با امنیت بیشتر نموده است. همین امر، امکان دسترسی آنان به مراکز تحصیلی، دانشگاهی و فرهنگی را بیشتر کرده است.

۳- شکل مهاجرت: گروه‌های روشنفکر و تحصیلکرده یهودی که قبل از جنگ جهانی در مناطق مرکزی اروپا (آلمان، اتریش، مجارستان و ...) با شرایط فرهنگی و اقتصادی بهتر می‌زیستند، در مهاجرت به امریکا، ایالات و مناطق مشابهی را جهت سکونت برگزیدند و به همین خاطر، شرایط علمی و فرهنگی خود را در سطوح عالی همچنان حفظ کردند.

۴- تبعیض: تبعیض‌های نژادی و دینی علیه یهودیان اروپا، آنها را به ناچار به فعالیت‌های فرهنگی و علمی سوق داد، چرا که معمولاً در چنین فضاهای روشنفکرانه‌ای، تعصب‌ها کم‌رنگ‌تر بودند. علاوه بر این، فرد یهودی برای خنثی کردن یا تعدیل تبعیض‌ها، ناچار به کار و تلاش بیشتر برای ارزشمند نشان دادن خود بود. لذا تبعیض دینی گاه حاصلی مثبت برای بخشی از یهودیان داشت که به شکل درخشش علمی آشکار می‌شد.

۵- خصوصیات جامعه‌ی اقلیت: زندگی به عنوان اقلیت در هر جامعه‌ای معمولاً از یک‌سو تعصبات دینی و قومی به همراه دارد ولی در کنار آن منجر به ارتباطات محکم و سالم درون جامعه و در نتیجه سرمایه‌ی اجتماعی بسیار بالاتر نسبت به جامعه اکثریت می‌گردد. همین امر چه بسا موجب شکل‌گیری فضای امن فرهنگی نیز گشته و بستر مناسبی برای رشد افراد شاخص را در خود ایجاد می‌نماید.

۶- هسکالا: جنبش روشنفکری یهود موسوم به هسکالا، علیرغم بدبینی‌های عالمان سنتی یهود، همزمان با شروع دوره روشنگری از قرن ۱۸ میلادی بخاطر ایجاد ارتباطات گسترده‌تر و بدون تعصب با جوامع غیریهودی اروپایی، موجب تحول چشمگیر علمی و فرهنگی در میان یهودیان شد. پیش از این جنبش، تمرکز جوامع یهودی سنتی بطور عمده فقط بر آموزش‌های دینی قرار داشت و رشد تعداد



یهودیان افغانستان

دکتر ژان پایاب

افغانستان در منابع قرون وسطی مسلمانان و عبری خوراسان یا خراسان نامیده می‌شد و تاریخ آن نزد یهودیان به حدود ۲۷۰۰ سال قبل برمی‌گردد، که با تخریب معبد و تبعید بابلی پایان می‌یابد.

تاریخ اولیه

چندین تاریخچه از یهودیان افغان روایت می‌گردد. مفسران اولیه کتاب مقدس، خراسان را به عنوان محل قبیله‌ای از «۱۰ طایفه گمشده»^۱ (Ten Lost Tribes) نام برده‌اند. امروزه چندین قبیله افغانی از جمله دورانی، یوسف زای، افرییدی و پشتون معتقدند که آنها وارثان پادشاه سعود هستند. آنها خود را بنی اسرائیل می‌نامند. برخی از دانشمندان مسلمان و نویسندگان مسلمان این نظریه را قبول می‌کنند. خانواده سلطنتی تبعیدی نیز ریشه‌های خود را به اسرائیل باستان، بالاخص قبیله بنیامین ربط داده‌اند.

به علت دور بودن از مرکز یهودیان در بابل، افراد ناخواسته، مانند افراد مخالف برای بیگاری، یا به تبعید به افغانستان منتقل می‌شدند.

با این حال امروز، تنها یک یهودی شناخته شده به نام زابلون سیمیتوف در افغانستان باقی مانده است. در سال ۲۰۱۳ م، یک نسخه از نسخه‌های خطی باستانی کشف شده در مناطق تحت کنترل سابق طالبان در افغانستان منتشر شد و از اولین شواهد حضور فیزیکی جوامع پر رونق یهود در منطقه، که قدمت آن بیش از هزار سال بوده، پرده برداشت.

در سال ۲۰۰۱ م. گزارش شد که دو یهودی در کابل و حدود پنج خانواده یهودی در شهر هرات زندگی می‌کنند. در سال ۲۰۱۵ م. شواهد حاکی از آن است که تنها یک یهودی در افغانستان باقی مانده، که وی فرش فروش و مالک رستوران زابلون سیمیتوف Zablon Simintov می‌باشد. سیمیتوف در ماه مارس ۲۰۱۴ م. اعلام کرد که رستوران خود را به دلیل رکود فعالیت‌های تجاری بسته است.

^۱ (عهد عتیق: ده قبیله یهودیان که برای بردگی به سرزمین آشور برده شدند یا (ده قبیله از گم شده م.ت) (۲۲۷ - پیش از میلاد)

سنگ نوشته‌هایی با کتیبه‌های عبری که از ۱۱۱۵ تا ۱۲۱۵ هستند، تأیید می‌کنند که یک جامعه یهودی در فیروز کوه واقع در بین هرات و کابل وجود داشته است. با این حال، تهاجم چنگیز خان و مغولان در سال ۱۲۲۲ م.، افغانستان را ویران کرد و جوامع یهودی را از بین برد. تعداد قلیلی از جامعه کوچک و جدا شده یهودی از افغانستان که تا قرن نوزدهم باقی مانده، شناخته شده است.

در سال ۱۸۳۹، هزاران یهودی دوباره از ایران فرار کردند و جمعیت یهودیان افغانستان را تا ۴۰،۰۰۰ نفر افزایش دادند. آنها در هرات مستقر شدند و عمدتاً معامله‌گران و خرده‌فروشان در پوست، فرش و عتیقه بودند. هرات در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به مرکز جمعیت یهودیان افغانستان تبدیل شد، اما در سال‌های اخیر فعالیت و مشارکت یهودیان کاهش یافت و در حال حاضر هیچ سازمان یهودی در آنجا وجود ندارد.

چهار کنیسه در هرات در سال ۱۹۷۸ م. در اکتشافات باستان‌شناسی کشف شد و دو کنیسه اخیراً به عنوان یک مدرسه برای پسران و یک نمازخانه برای مسلمان تبدیل شده است.

این کاهش در سال ۱۸۷۰ م. پس از آن که مقامات کشور اقدامات ضد یهودی را انجام دادند، موجب خروج جمعی از آنها به آسیای میانه، ایران و فلسطین شد. قتل نادید شاه در سال ۱۹۳۳ باعث شد که یکی دیگر از مبارزات ضد یهودی آغاز شود. یهودیان از اکثر شهرهای افغانستان تبعید شدند و زندگی آنها را به کابل، بلخ یا هرات محدود کردند.

پشتون‌ها ادعا می‌کنند که اسم شهر کابل «کائین و آبل» است و نام افغانستان از «افغانا»، نوه پادشاه سعود از قبیله بنیامین مشتق شده است.

به عنوان مثال کتاب دیگری در قرن هفتم به نام «طاقتی نصیری» بیان می‌کند که، مردم به نام اسرائیل در غور در جنوب شرقی هرات مستقر شدند.

در متن‌های مختلف، به یهودی به نام عقیوا اشاره می‌شود که در آغاز قرن هشتم جمع‌کننده مالیات در شهر مرو بود! کاوشگران سنگ قبرهای عبری را که در سال ۱۹۴۶ در شهر باستانی غور در سال‌های ۷۵۰ میلادی کشف شده‌اند رمزگشایی کرده‌اند. این سنگ قبرها علاوه بر اسم و تاریخ، جزئیاتی مانند عناوین جمعی و عملکردها را ارائه دادند.

گزارش‌های دیگر حاکی از آن است که یهودیان ایرانی که در قرون هفتم و هشتم به افغانستان گریخته‌اند در آنجا سکنی گزیده‌اند.

منابع قرون وسطایی چندین مرکز یهودی را در افغانستان ذکر می‌کنند که بلخ مهم‌ترین آنهاست. یک جامعه یهودی در غزنی در منابع اسلامی ثبت شده است که نشان می‌دهد یهودیان در قرن دهم و یازدهم در آنجا زندگی می‌کردند. یک یهودی به نام اسحاق، نماینده سلطان محمود^۲، برای مدیریت معادن سرب سلطان و برای ذوب کردن سنگ معدن، انتخاب شد. بر طبق منابع عبری، تعداد زیادی یهودی در غزنی زندگی می‌کردند.

^۲-(حکم صادر شده ۹۹۸-۱۰۳۰)

«آویاد ستلمن»، مدیر کل مجموعه کتابخانه یهودی، می‌گوید: «ابتدا می‌توانیم تأیید کنیم که [جوامع یهودی افغان] واقعاً وجود داشته‌اند، که این مهم‌ترین نکته است. آنها فقط به تجارت و مناجات علاقه‌مند نبودند؛ آنها به تلمود^۳ و کتاب مقدس نیز علاقه‌مند بودند.»

در نوامبر ۲۰۱۶م، بیش از ۲۵۰ متون باستانی دیگر از همان مجموعه، به نمایش گذاشته شد. این نسخه‌های خطی که از قرون ۱۱، ۱۲ و ۱۳ می‌باشد، شامل نماز و همچنین پرونده‌های تجارت در زبان عبری، فارسی و عربی است.

در حال حاضر بیش از ۱۰،۰۰۰ یهودی از تبار افغان مهاجرت کرده‌اند. دومین جمعیت یهودیان افغان در نیویورک با ۲۰۰ خانواده است. بیشتر آنها در فلیشینگ Flushing، جامائیکا و کوئینز زندگی می‌کنند. ربی یعقوب ناصروف Rabbi Jacob Nasirov رهبر جماعت ارتدوکس انصی شالوم، تنها کنیسه افغان در ایالات متحده است. اعضای آن نه تنها از افغانستان، بلکه از یمن، سوریه، روسیه، عراق، مراکش و لبنان ریشه دارند. ■

منابع

Aharon, Sara. "Discovering Afghanistan's 1,000-year-old Jewish Life,"
Encyclopedia Judaica;
Jewish Telegraphic Agency;
World Jewish Congress;
Moshiach.com;

^۳- (مجموعه قوانین شرعی و عرفی یهود.م.ت)

علاوه بر این، یهودیان مجاز به ترک شهر بدون اجازه نبوده و مجبور به پرداخت مالیات ویژه شدند.

گنیزای افغانستان «Afghan Genizah»

در ماه ژانویه سال ۲۰۱۳، کتابخانه ملی اسرائیل رسماً از اسناد و نسخه‌های عبری که از غارهای مناطق کنترل شده طالبان افغانستان کشف شده است رونمایی کرد، که نشان می‌دهد نخستین شواهد فیزیکی یک جامعه یهودی بیش از هزار سال است. تعداد ۲۹ سند، تجارب زندگی را نشان می‌دهد (از جمله تفاسیر کتاب مقدس، نامه‌های شخصی و سوابق مالی) و محققان می‌گویند که «گنیزای افغان» بزرگترین آرشیو از زمان کشف «گنیزای قاهره» است، که در یک کنیسه مصر بیش از ۱۰۰ سال پیش کشف شده است. «گنیزا» یک اصطلاح عبری است که عموماً به «ذخیره‌سازی، انبار» ترجمه می‌شود و برای اشاره به یک انبار در یک کنیسه یا گورستان که کتاب‌ها و مقالات عبری در آن نگهداری می‌شود استفاده می‌شود. طبق قوانین یهودی دور ریختن نوشته‌هایی که حاوی نام رسمی خداوند هستند ممنوع است، به طوری که آنها یا به خاک سپرده می‌شوند یا انبار می‌شوند.

هگای بن شمای، مدیر آکادمیک کتابخانه، گفت: «ما منابع تاریخی زیادی در مورد شهرک‌های یهودی در این منطقه داشته‌ایم. این اولین بار است که ما مجموعه‌ای بزرگ از نسخه‌های خطی را نشان می‌دهیم که نشان‌دهنده فرهنگ یهودیانی است که در افغانستان زندگی می‌کردند. تا امروز هیچ سندی بدین گونه نداشتیم.»

گذری بر تاریخچه کنیساهای تهران

کنیسا^۱ و مجموعه فرهنگی کوروش (بخش پایانی)



مهندس مهران ملک

کارشناس معماری

مجتمع فرهنگی و کنیسای

کوروش در دوران معاصر

تأسیس تالار محبان

در اواسط دهه‌ی ۱۳۳۰

خورشیدی، کلیمیان منطقه شیخ هادی

و اطراف، فرضیه‌ی تأسیس یک تالار

را جهت برگزاری اجتماعات مختلف من جمله:

مراسم عروسی و نامزدی و امثالهم در منطقه خود

مطرح کرده و به گوش نمایندگان و معتمدین خود

رساندند تا به جایی که این طرح در انجمن کلیمیان

آن زمان به طور جدی مطرح شد. در این میان

خانواده‌ای از گروه خانواده‌های متمول و سرشناس

کلیمی به نام خانواده‌ی محبان داوطلب تقبل هزینه

ساخت یک تالار در مجموعه‌ی فرهنگی مذهبی

کوروش شدند. این تالار در ابتدا قرار بود که در

قسمت حیاط شرقی مدرسه ساخته شود ولی از

طرف مسئولین مدرسه و اعضای انجمن کلیمیان

وقت، این نظریه مورد قبول واقع نشد و بعداً قرار

شد روی سقف کنیسای دوم کوروش (کنیسای بت

ال) احداث شود.

تالار در نیمه دوم سال ۱۳۳۸ افتتاح و از سال

۱۳۳۹ خورشیدی با نام بانی خود (محبان)

نام‌گذاری و رسماً فعالیت خود را جهت انجام

مراسمی چون عروسی، نامزدی، تفیلین‌بندان (جشن

تکلیف) و امثالهم آغاز کرد. ناگفته نماند که بعدها با

تأسیس و ظهور تالارهای دیگری چون تالار کلاه

فرنگی، خراسانیها و باغ صبا، تالار محبان به تدریج

تغییر کاربری داده و فقط به عنوان تالار اجتماعات

و فقط جهت برگزاری گردهمائی‌های مختلف،

سخنرانی‌ها، اجرای تئاتر و سرود و گردهمائی‌های

^۱ - کلیمیان ایران لفظ کنیسا را به جای کنیسه استفاده می‌کنند.

مربوط به سازمان دانشجویان یهود و گردهمائی‌های فرهنگی از آن استفاده می‌شود.

باشگاه ورزشی گیبور

بین سال‌های ۶۵ تا ۶۸ با تصمیم تنی چند از فعالان اجتماعی و انجمن کلیمیان تهران، قسمت جنوب شرقی ملک کوروش به باشگاهی ورزشی به نام «گیبور» اختصاص یافت که در رشته‌های والیبال، بسکتبال و تنیس روی میز و شطرنج و فقط در روزهای جمعه فعالیت می‌کرد که در حال حاضر چند سالی است که فعالیت آن بسیار محدود و تقریباً متوقف شده است.

کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران

می‌توان گفت که معمولاً تاسیس و گسترش مکان‌های مذهبی و فرهنگی ادیان الهی در طول تاریخ در ایران به‌ویژه در زمان سلسله پهلوی اول و دوم (۱۳۵۷-۱۳۰۴ خورشیدی) به تدریج و در چندین مرحله به وقوع پیوسته است. تاسیس اولیه کتابخانه مربوط به دبستان و دبیرستان کوروش در سال ۱۳۳۷ خورشیدی توسط زنده یاد مهرانگیز نوع‌پرست (متولد کرمانشاه و دانشجوی ممتاز دانشکده داروسازی دانشگاه تهران) و به همت پدر و مادر داغدار آن مرحوم منور و یعقوب نوع‌پرست انجام شده است.

در حدود سال‌های ۷۲ تا ۷۴، طرح تأسیس یک کتابخانه بزرگ جهت استفاده دانش‌آموزان، جوانان و افراد علاقمند به کتاب و کتابخوانی مطرح و مورد تصویب هیئت مدیره انجمن واقع گردید که نهایتاً

در ۱۱ تیرماه ۱۳۷۵ به همت هارون یشایایی این کتابخانه در طبقه دوم ساختمان مدرسه کوروش افتتاح و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در حال حاضر این کتابخانه با بیش از ۱۷۰۰۰ عنوان کتاب در زمینه‌های مختلف در خدمت جامعه‌ی کلیمی تهران می‌باشد. لازم به ذکر است که اولین مسئول کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران مرحوم اسحق کهن‌صدق بود.

کنیسای کوروش در دوران معاصر

به جرأت می‌توان گفت که در حدود ۳ یا ۴ دهه‌ی گذشته هر کسی که گذارش به کنیسای اصلی کوروش یا کنیسای انتهای حیاط غربی افتاده باشد، حتماً نام مرحوم یعقوب یعقوبزادگان برایش آشناست. مرحوم یعقوبزادگان در چند دهه‌ی گذشته با تمام توان در خدمت جماعت نمازگزار کنیسای کوروش بود. از اقدامات آن مرحوم در دوران مسئولیت کنیسای کوروش می‌توان به برگزاری باشکوه مراسم شب‌های عراوایی شاووعوت (موعد گل) و شب هفتم موعد سوکا (شب هوشعنا ربا) با پذیرایی شام توسط فریدون آشوروف، برگزاری شب موعد ایلانوت (جشن درختان) با مساعدت رحمت اله شبی‌تای (فعال اجتماعی و از زحمتکشان کنیسای کوروش)، برگزاری باشکوه جشن‌های سیمحا تورا (جشن تورات)، برگزاری باشکوه شب‌های نیایش آخر سال عبری (سلیحوت)، شحیطای غروب نهم ماه آب و پخش گوشت بین افراد و خانواده‌های مستمند اشاره کرد. مرحوم یعقوبزادگان پس از گذشت عمری پر بار و پر

بلااستفاده شدن و به حال خود رها شدن کامل کنیسا شد. در حال حاضر کنیسای کوروش فقط در سالن کنیسای شماره ۲ (بت ال) با نمازگزاران بسیار اندک به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

تشکیل ستاد خیریه کوروش

آغاز فعالیت «ستاد خیریه کوروش» به اواسط سال ۱۳۶۵ خورشیدی باز می‌گردد. از مؤسسين ستاد مذکور می‌توان از زنده یاد دکتر منوچهر نیکروز (نماینده فقید کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی)، مرحوم یعقوب یعقوبزادگان، اسکندر میکائیل، سلیمان یهود آیین کهن، مرحوم نعمت‌اله پور داود، رحمت‌اله شبی‌تای، شعبان کاهن و الیاس کوسیان نام برد که در این راه تلاش‌ها و زحمات فراوانی را متحمل گردیدند.

شروع کار این ستاد با استقبال همه جانبه کلیمیان تهران به ویژه کلیمیان منطقه خیابان شیخ هادی و اطراف مواجه گردید و کار خود را با پخش اقلام لازم برای نیازمندان و افراد واجد شرایط جامعه کلیمی جهت برگزاری ایام عید پسخ (فطیر)، روش هشانا (ایام سال نو عبری) و مراسم مشابه آغاز کرد و در حال حاضر با افزوده شدن افرادی چون بهادر میکائیل، امید شایان‌مهر، فرزاد طوبیان و داوید یومطوبیان و تنی چند از دیگر افراد فعال و خیر جامعه کلیمی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. از دیگر اقدامات ستاد خیریه کوروش می‌توان به انجام شحیطای جماعتی به نیت سلامتی افراد جامعه و پخش گوشت در خانه سالمندان یهودی تهران و هزینه کردن عواید ستاد به نفع مستمندان جامعه

تلاش و خدمت به جامعه کلیمی و کنیسای کوروش در تاریخ ۳ مرداد ماه ۱۳۸۸ پس از یک دوره بیماری به دیدار حق شتافت.

از افراد زحمتکش و موثر در کنیسای اصلی کوروش (در دوران معاصر) می‌توان به این افراد اشاره کرد: رحمت‌اله شبی‌تای، موسی پیکر، موسی ماغن، آقای خطیریان، ابنز ریوانی، سیروس همایی، مرحوم عبدالله روحانی، فرهاد روحانی، منوچهر شهنازی، آقای مقتدر، خانم پری شموئلیان و مهران ابریشمیان. در حدود همین سال‌ها نیز افرادی چون مرحوم خداداد شمطوو، مرحوم نعمت‌اله پورداود، کرمل جاویدنیا (از نوادگان مرحوم حاخام حییم مؤره)، منصور صحیح‌العمل (نوظهور) و مرحوم عنایت‌اله ملک به خصوص در ایام خاص، نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کردند.

از حدود ۱۰ سال پیش پس از بیماری مرحوم یعقوبزادگان، به تدریج کنیسای اصلی کوروش از رونق افتاد و وارد دوران رکود شد. پس از فوت آن مرحوم کمیته املاک انجمن کلیمیان وقت اقدام به تعمیرات اساسی کنیسای مذکور نمود. نکته بسیار شاخص در بازسازی و تعمیرات کنیسای انتهای حیاط غربی، خطاطی بسیار زیبا به زبان عبری می‌باشد که با دستان توانمند هنرمند کلیمی، (داریوش پاچالی) انجام شده و به صورت گچبری در داخل سالن کنیسا و کاشیکاری در قسمت سردر بیرونی کنیسا خودنمایی میکند. لازم به توضیح است که بعداً به دلایلی انجام این بازسازی باعث

نهایی (از بنیانگزاران صنعت بیمه در ایران)، عنایت‌اله منتخب، موسی بروخیم و بسیاری دیگر که در این مقال نمی‌گنجد که در این راه تلاش بسیار کردند و در ادامه راه و حیات مدارس و کنیسای کوروش بسیار مثمر ثمر بودند. یادشان همیشه گرامی و نامشان جاودان باد.

سخن پایانی

تاریخچه‌ای که از نظر شما گذشت، سرگذشت مدرسه و کنیسایی بود که پس از کوچ یهودیان نسل اول تهران از منطقه محله قدیم (خیابان سیروس و حومه) به خیابان شیخ هادی با زحمات فراوان افراد سرشناس جامعه کلیمی تهران تاسیس شد و تاکنون نیز به عنوان کنیسا و مجتمع فرهنگی کوروش به حیات خود ادامه می‌دهد. در پایان، تشکر و سپاس فراوان دارم از آقای هارون یشایایی که در تهیه و نگارش این مقاله یاری و مساعدت فراوان نمودند و همچنین از فرزند مرحوم یعقوب یعقوبزادگان (موسی یعقوبزادگان) به دلیل همفکری در نگارش مقاله مذکور بسیار سپاسگزارم. ■

اشاره کرد. ستاد خیریه کوروش در طبقه همکف، ساختمان مجتمع فرهنگی مذهبی کوروش واقع می‌باشد.

تالار پذیرایی کوروش

مدت‌ها پس از تغییر کاربری تالار محبان از تالار عروسی به تالار اجتماعات و آمفی تئاتر، فکر ایجاد یک تالار پذیرایی و عروسی در داخل ساختمان مجتمع فرهنگی و کنیسای کوروش در دستور کار کمیته املاک انجمن کلیمیان تهران بود. نهایتاً قرار شد که سالن تینس روی میز مربوط به باشگاه ورزشی گیبور و یکی دو اطاق بزرگ دیگر که در کنار آن در طبقه فوقانی کتابخانه مرکزی به طور بلااستفاده رها شده بود، به عنوان سالن پذیرایی و تالار کوروش، طراحی، ساخته و تغییر کاربری داده شود و جهت انجام مراسم عروسی، نامزدی، تفیلین‌بندان (جشن تکلیف) و موارد مشابه جامعه کلیمی به کار گرفته شود. این سالن در سال‌های ابتدایی فعالیت خود توسط شادروان مرحوم اسحق شومر اداره می‌شد.

یادی از مؤسین و بنیانگزاران مدرسه

و کنیسای کوروش

از افراد سرشناس و بنیانگزاران این مجموعه می‌توان به این افراد اشاره کرد:

فرج‌اله حکیم، حبیب‌اله لوی، راو عزیزاله نعیم، اسمعیل حی، حاج عزیزاله القانیان و نسل بعد از آن، نوراله مکابی، یهودا هارونیان، اسحق بروخیم، اسحق مطلوب، مرتضی معلم، سلیمان حییم، مرحوم خلیل

منابع

۱. تکمیل همایون، ناصر، (۱۳۹۵)، محله کلیمیان تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. شرحی بر گسترش اماکن مذهبی فرهنگی اقلیت‌های دینی در دوران سلسله پهلوی (تالیف دکتر سید ابراهیم نقی زاده)

آشنایی با مشاهیر یهود جهان

دکتر مرتضی معلم

نیه‌شا پایاب

زندگی‌نامه



مدرسه کوروش سال ۱۳۱۴ شمسی (نفر دوم نشسته از راست)

دکتر مرتضی معلم در سال ۱۲۶۸ شمسی در یک خانواده روحانی کلیمی متولد شد و تحصیلات ابتدایی خود را در مدارس سنتی کلیمیان و در مدرسه اتحاد تهران ادامه داد، تحصیلات متوسطه خود را در سال ۱۲۹۰ شمسی در مدرسه سن‌لوئی آغاز کرد و در همین مرحله به زبان فرانسه آشنایی بیشتری پیدا کرد.

دکتر معلم مدت‌ها در مدارس تهران زبان

فرانسه تدریس می‌کرد و در همین مرحله بود که اشتیاق فراوان برای تدوین فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات از زبان فارسی به زبان فرانسه در او پیدا شد و با جدیت کامل این شوق را دنبال نمود.

دکتر مرتضی معلم در سال ۱۲۹۸ وارد دانشکده طب شد و در سال ۱۳۰۲ از دانشکده و یا مدرسه طب فارغ‌التحصیل شد و به کار طبابت پرداخت و به استخدام وزارت بهداشت درآمد. تا سال ۱۳۰۶ در سمت «رئیس صحیبه بلاد شرق» بود و پس از آن تا سال ۱۳۱۱ «رئیس قرنطینه مرز غربی ایران (قصر

شیرین)» بود و در این پست‌ها به خدمتگزاری مشغول بود و در مقام یک طبیب دلسوز و متعهد به مردم میهن خود خدمت نمود و پس از آن نیز در تهران و سایر شهرها به خدمت پزشکی اشتغال داشت ولی در تمام این مدت یک لحظه از تدوین فرهنگ فارسی به فرانسه غفلت نمی‌کرد. در سال ۱۳۳۴ از خدمت دولت در وزارت بهداشتی بازنشسته شد و می‌توان گفت از این تاریخ تا هنگام وفات در مرداد ماه ۱۳۵۸ تمام نیرو و توان و وقت خود را به نوشتن این فرهنگ اختصاص داد.

خدماتش به جامعه یهودی ایران همیشگی و مداوم بود. از بانیان و خدمتگزاران مدرسه کوروش تهران بود، در کادر بیمارستان کانون خیرخواه (دکتر سپیر) سال‌ها همکاری و نظارت داشت، مدت‌ها عضو انجمن کلیمیان تهران بود و یکی از مطلع‌ترین افراد در امور شرعی و حقوقی مربوط به یهودیان بود، او به هیچ‌وجه اهل تظاهر و خودنمایی نبود. از او دو کتاب منتشر شده، یکی اصطلاحات فارسی به زبان فرانسه و دیگری ضرب‌المثل‌های فارسی به فرانسه.

در اواخر سال ۱۳۶۳ چاپ دوم فرهنگ فارسی به فرانسه مرحوم دکتر مرتضی معلم تجدید چاپ شد.

فرهنگ فارسی به فرانسه دکتر مرتضی معلم را نیز می‌توان از جمله کامل‌ترین فرهنگ‌های فارسی به فرانسه دانست که تاکنون منتشر شده، که در واقع دکتر مرتضی معلم تمام عمر خود را در تکاپوی نوشتن این فرهنگ بود و سی سال به طور مداوم روی این کتاب تلاش کرد. این کتاب مورد تأیید همه اساتید و شرق‌شناسانی است که در کشورهای مختلف با زبان فارسی و فرانسه سروکار دارند و همچنین در سال‌های اخیر مورد توجه مترجمین و دانشجویان و نویسندگان ایرانی قرار گرفته است. چاپ اول فرهنگ فارسی - فرانسه دکتر معلم در سال ۱۳۴۹ منتشر شد.

دکتر مرتضی معلم درباره انتشار فرهنگ فارسی

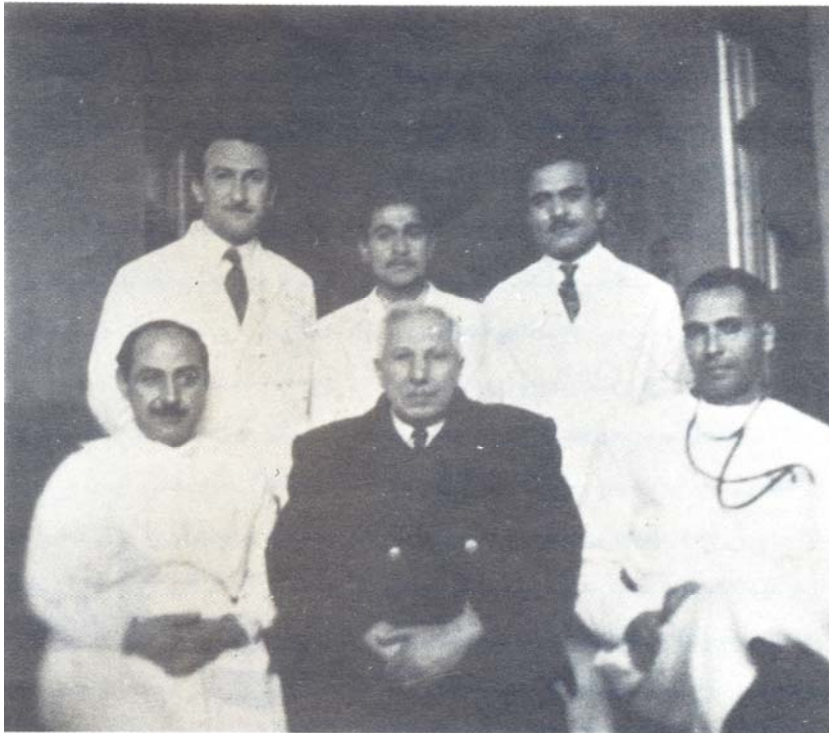
- فرانسه می‌گوید:

دکتر مرتضی معلم در نوشتن فرهنگ فارسی به فرانسه از شیوه «فیش‌نویسی»^۱ استفاده می‌کرد و انتخاب همین شیوه به او امکان می‌داد تا در هر فرصتی هر واژه و اصطلاحی را تکمیل نماید و بر آن اضافه و یا از آن کسر کند، دکتر معلم در سال‌های آخر عمر خود با وجود کهولت و ناتوانی جسمی کار تصحیح فرهنگ را خود شخصاً به عهده گرفت و با علاقه و پشتکار در چاپخانه حاضر می‌شد و یک یک موارد را خود، کنترل و صحیح می‌نمود.

دکتر مرتضی معلم، خدمات پزشکی خود را در تمام نقاط ایران انجام داد در سال ۱۳۰۸ که بیماری‌های واگیردار در کشورهای همسایه شیوع پیدا کرده بود، در مرز عراق خدمتگزار بود.

مدت‌ها در بیمارستان مسلولین بوعلی و سایر درمانگاه‌های کشور خدمت کرد و هیچ چیز بیش از خدمات پزشکی در زندگی او را راضی نمی‌کرد. او در زندگی نامه خود مختصراً نوشته است: از این که اسم من معلم است، خودم سال‌ها معلم مدارس بوده‌ام، از سال ۱۹۰۷ میلادی معلم مدرسه دوشیزگان شدم، در سال ۱۹۱۰ میلادی به مدرسه سن لویی رفتم و مشغول تدریس شدم و تا سال ۱۳۰۲ که دکترای طب گرفتم در واقع تدریس هم می‌کردم.

^۱ - فیش (Fiche) واژه‌ای فرانسوی و در زبان فارسی به معنای (برگه) است و در اصطلاح به معنای برگه‌های یک شکل و یک اندازه‌ای است که چکیده مطالعات و گزیده تحقیقات در آن یادداشت می‌شود تا بتوان به آسانی و در زمانی کوتاه و با اسلوبی خاص و منظم از آن بهره گرفت.



در نیمه دوم سال ۱۳۱۱ به تهران بازگشتم و چون می‌دانستم در دیگر شهرها وسایل لازم برای تکمیل فرهنگ خود نخواهم داشت ناچار از قبول خدمت مجدد برای ولایات خودداری کردم و به هر سختی بود به تکمیل فرهنگ خود پرداختم و در نتیجه با کوشش زیاد به جای عمر از دست رفته هزارها اوراق روی هم انباشته گشت و مبدل به این فرهنگ شد.

آرزوی ما می‌باشند. باید خود را از طریق کسب علم و دانش برای به دست گرفتن و رهبری آینده جامعه یهودی ایران آماده سازند». آخرین کارش که به چاپ رسید فرهنگ فارسی به فرانسه است که نتیجه متجاوز از سی سال کار مداوم دکتر معلم است. دکتر مرتضی معلم در سال ۱۳۵۸ در سن نود سالگی چشم از جهان فرو بست اما خدمات پزشکی و فرهنگ لغاتش هرگز از یاد نخواهد رفت. او بی‌تردید یکی از مفاخر جامعه‌ی یهودی ایران و جهان است. ■

یادش گرامی و روانش شاد باد.

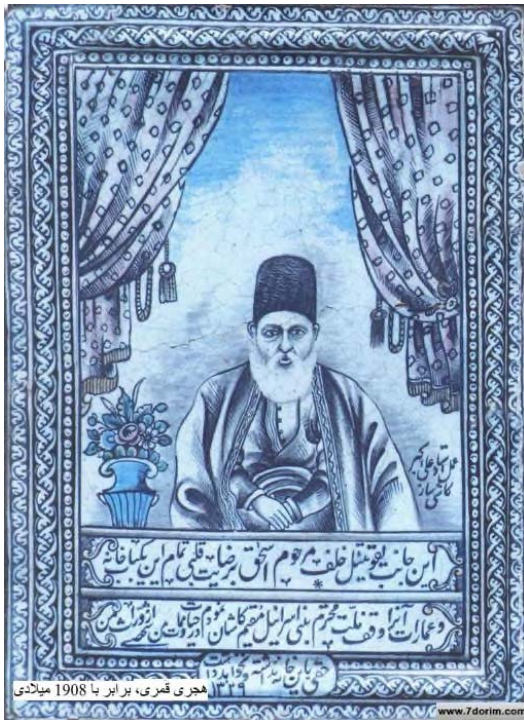
در اواخر سال ۱۳۴۲ دو استاد شرق‌شناس فرانسوی به تهران آمدند و پس از مطالعه این فرهنگ چاپ آن را مفید دانسته و مرا به سوی استاد محمد معین راهنمایی کردند. این استاد فرهنگ دوست مرا تشویق و به موسسه انتشارات امیرکبیر معرفی نمودند و خوشبختانه این معرفی مفید واقع گردید و کار چاپ این فرهنگ آغاز شد.

در بخشی از مصاحبه‌ای که سالیان پیش با وی انجام شده، آمده است: «من به جوانان توصیه می‌کنم، هرگز در کار خود مایوس نشوند و دین خود را نسبت به هموطنان خود ادا نمایند، جامعه یهودی ایران باید بیش از پیش در راه موفقیت و پیروزی و وطنمان ایران کوشا باشد. طبقه جوان که امید و

بابا یقوتیل، اسطوره محبت

نورالله نورمن گبای

«هر کجا دبستانی باز شد، زندانی بسته شد.» ویکتور هوگو



به امید این که مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت،
کند در یاد ایشان دعایی.

به گفته موسی ریحانی، یکی از بازماندگان
خواهر آقا یقوتیل، اقدام بزرگ این زنده یاد، به
جای تحسین همگانی، با مخالفت مکتب‌داران آن
روز، کسانی که اعمال و افکارشان در چارچوب
خرافات و برده‌داری مانده بود و مخالف تحصیل
دختر و پسر بودند، روبرو می‌شود، طوری که به
اجبار آنها را به عنوان معلم استخدام می‌کند.

مردمان دشمنند علمی را که ز نقصان خود نماندندش
علم گرچه خلاصهٔ دین است چون نمانند، کفر خوانندش

یهودیان کاشان، یکصد و ده سال قبل، در یکی
از کهن‌ترین شهرهای یهودی‌نشین ایران، نه مدرسه
داشتند، نه حمام، نه آب انبار، نه پشتیان. در چنین
موقعیتی، رادمردی به نام یقوتیل (یکی از اسامی
حضرت موسی)، فرزند اسحق و سارا حی، به اتفاق
سه برادر به نام‌های آبا، یعقوب و آشر، و خواهری
به نام سارا، در آن شهر زندگی می‌کردند. متأسفانه
این چهار برادر فرزندی نداشتند، ولی سارا ازدواج
کرد که نوادگان او اعضاء خانواده‌های ریحانی،
مسجدی، آشربان و روشن هستند.

یقوتیل با دیدی وسیع‌تر از زمان خود، به هدف
خدمت به جامعه و بقای نام خویش، تصمیم
می‌گیرد که خانهٔ خود را خراب کند و در محل آن،
برای نخستین بار، به جای مکتب‌خانه‌های عهد عتیق
و تدریس داستان‌های ملانصرالدینی، مدرسه‌ای
مدرن برای تحصیل دختران و پسران جامعه بسازد.
او سرانجام با قبول مشقات بی‌شمار و حتی
ساختن یک کوره‌ی آجرپزی، مدرسه را می‌سازد و
در سال ۱۳۲۹ هجری قمری، برابر با ۱۹۰۸ میلادی
و ۱۲۸۸ شمسی، مدرسه را افتتاح می‌کند و سنگ
بنای ساختمان را، همراه با عکس خود، بر دیوار
اصلی مدرسه نصب می‌کند.

مدرسه، و فرزندان و نوادگان‌شان، مدیون محبت آن رادمرد هستند.

متأسفانه، آقا یقوتیل در تاریخ پنجم ماه او ۵۶۷۴ عبری، پنج سال پس از افتتاح مدرسه، فوت کرد؛ و از آنجا که خانه‌ای نداشت و تا پایان عمر با همسر خود در یکی از اتاق‌های مدرسه زندگی می‌کرد، یکی از اتاق‌های مدرسه به همسر او تعلق می‌گیرد. به خاطر دارم که چگونه دخترهای مدرسه برای خدمت به «عمه سارا» با یکدیگر رقابت می‌کردند؛ و او خوشحال بود که او و شوهرش ما (دانش‌آموزان) را به فرزندی پذیرفته بودند و به زبان بی‌زبانی می‌گفتند:

«آهای! برگ عیشی به گور خویش فرست!

کس نیارد ز پس، ز پیش فرست!»

می‌توان گفت که خدمت آقا یقوتیل برای جمعیت محدود یهودیان کاشان در حد خود بی‌نظیر بود، زیرا وی در عین نبود امکانات و علیرغم خلأ آزادی در محیط، تنها خانه خود را تبدیل به مدرسه کرد، محبتی که هرگز قابل جبران نیست مگر با ادامه راه ایشان به دست نسل‌های بعد...

مدرسه آقا یقوتیل بیش از پنجاه سال مورد استفاده یهودیان قرار نگرفت، چون یهودیان کاشان، به دلایلی به تدریج از کاشان به تهران و بعضاً به خارج از کشور مهاجرت کردند.^۲

از آن سو، برادر ایشان آقا آبا برای مردمی که اجازه نداشتند از حمام عمومی استفاده کنند، حمام عمومی خاص یهودیان را می‌سازد؛ برادر دیگر ایشان آقا یعقوب زمین زراعتی معروف خود را وقف جامعه می‌کند؛ و برادر سوم ایشان، آقا آشر، سبیک^۱ متروکه‌ای را برای دسترسی عموم به آب‌های زیرزمینی، بازسازی و در اختیار جامعه می‌گذارد که به خاطر دارم این سبیک به نام «سبیک آشر» در کنار کنیسا مورد استفاده یهودیان قرار داشت. چنان که خود دیدم، واقعا عجیب بود که در آن محیط آکنده از تبعیض محض، چگونه در کنار هر کنیسایی سبیکی به عمق زیاد، برای استحمام وجود داشت! ناگفته نماند که در اثر نیت خیر این چهار برادر و سایر عزیزانی که املاکی وقف کرده یا ساخته بودند، املاک به همت شادروانان روح الله کهنیم و مهندس اسحق برال، به نام انجمن کلیمیان ایران متعلق به جامعه اکثراً ثبت شده و محفوظ مانده‌اند.

امروز، از میان این چهار برادر، تنها نام آقا یقوتیل، مؤسس «مدرسه اتحاد» یا «آلیانس ایسرائلیت» کاشان است که باقی مانده است. تردیدی نیست که همه متولدین یهودی و مسلمان آن شهر، یعنی دانش‌آموزان سال‌های فعالیت این

^۱ - شهر کویری کاشان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و نحوه دسترسی به آب‌های زیرزمینی فضاهایی را درخود جای داده است که نوعی فضای شهری کاشان قدیم به شمار می‌رود و سبیک خوانده می‌شود.

^۲ - تلخیص: آرش آبائی



نگرشی بر مردم‌شناسی پوشاک کردهای کلیمی ایران و عراق

افشین میرعبدالله لواسانی

کارشناس ارشد مردم‌شناسی

مزین به حاشیه‌دوزی بودند و سال‌های سال پوشیده می‌شدند. با استناد به منابع خبری، بافته‌های دستباف و گرانبهای زنان و کودکان از جنس ابریشم طبیعی بود. این ابریشم از کرمهای ابریشمی که از درختان بلوط منطقه تغذیه می‌کردند، به دست می‌آمد. لباس‌های روزمره از جنس نخ بود. پس از جنگ جهانی اول، منسوجات کارخانه‌ای حاصل از الیاف طبیعی، در منطقه راه یافت و عمدتاً منسوجات کارخانه، کم‌کم جای بافته‌های دستباف محلی را گرفت. از جنگ جهانی دوم به بعد، بافته‌های مصنوعی جای بافته‌های طبیعی را در بازارها گرفت. زنان به طور سنتی، پوشاک خود و خانواده‌شان را می‌دوختند. مع‌هذا با ظهور چرخ خیاطی، خیاطان مرد این کار را به عهده گرفتند.

جامه‌ی زنان در کردستان عراق متشکل از چهار بخش اصلی بود که روی هم رفته در سراسر ناحیه به یک شکل بود. در حالی که فرعیات مانند دستمال سرها، کمربندها و نیم‌تنه‌ها برحسب منطقه، متفاوت بود. تن‌پوشهای اصلی عبارت بودند از: در وهله اول جامه‌ی زیرین گشاد و بلند سودره (sudra)، با آستین‌های بلندی که به سمت مثلث بزرگی در مچ‌ها گشاد می‌شد. این مثلث‌ها تا شده و ادامه آنها در پشت گردن به هم گره می‌خورد. لباس مشابهی در سوریه پیدا شده است. این لباس به خاطر گشادبودنش برای احتیاجات یک زن در تمام مراحل زندگی مناسب بود. دوم، جلیقه بی‌آستین تنگ و

فرهنگ ایرانی از جمله فرهنگ‌هایی است که همواره در خود تنوع بسیار زیادی در خصوص پوشاک گروه‌های مختلف اجتماعی پذیرفته است. این گوناگونی و تنوع نه فقط در گروه‌های قومی یا مذهبی بلکه در میان طبقات متعدد اجتماعی برحسب جایگاه اقتصادی - سیاسی - جنسیتی و کارکردی خود در طی زمان به وفور دیده شده است.

توصیف زیر از پوشاک که از آغاز این قرن توسط کلیمی‌های کردستان ایران و عراق پوشیده می‌شد، براساس مشاهدات میدانی، مصاحبه‌های انجام شده در میان جامعه مهاجر و بازدیدی که از نواحی شمالی ایران طی سال‌های ۷۹-۱۹۷۴ میلادی به عمل آمده، صورت پذیرفته است.

به طور کلی کلیمی‌های کردستان، پوشاکی را که بقیه‌ی جامعه می‌پوشیدند، به تن می‌کردند. محدودیت‌های اعمال شده بر یهودیان در کشورهای مسلمان در سده‌های پیشین و نمود آن بر لباس ایشان تا قرن حاضر، همچنان ادامه داشت. از آنجا که شرایط اقتصادی یهودیان، اغلب از بیشتر اهالی مجاورشان بهتر بود، عمدتاً تن‌پوش‌هایی با کیفیت بالاتر می‌پوشیدند.

بافته‌ها

پوشاک روزمره مردان از پشم دستباف گوسفند (آمره amra) درست می‌شد. کت و شلوارهای مراسم عروسی و سایر جشن‌ها از موهر (mohair) دستباف (مرئز، maraz) بود. این کت و شلوارها



در کردستان عراق، مردها نوعی کت و شلوار (شله شپیکته، salla sappikta) که، شامل دو قسمت بود، می پوشیدند.

کت کوتاه و شلوار گشاد بود که به رنگ های طبیعی سفید، سیاه و قهوه ای و از جنس پشم بودند. در زمستان و تابستان، پوشاک همانندی پوشیده می شد ولی در مناطق سردسیر، بالاپوشی پشمی (عَبِيَّه، abayye) اضافه می گشت. مردان نیز مانند زنان، سر خود را با به سر گذاردن کلاه هایی که دور آن دستاری مانند عمامه پیچیده می شد، می پوشانند. در شهرها کفش های چرمی پوشیده می شد، ولی در روستا - اگر اصلاً کفشی به پا می شد - دست ساز بوده است، با زیره هایی ساخته شده از چندین لایه پارچه و رویه ای پارچه ای یا بافته شده.

در کردستان ایران، بیشتر مردان کلیمی، شلوارهای گشاد را صرفاً در خانه می پوشیدند. نوع متداول کمر بند، از پارچه ای بود که در چندین رنگ به طول ۶ متر بافته شده و چندین بار به دور کمر پیچیده و در جلو از هم رد می شد. جامه مقبول در بیرون از خانه کت و شلوار با دوخت جدید غربی بود. ■

منابع

۱. انسان شناسی هنر، دکتر ناصر فکوهی، زیبایی - قدرت - اساطیر - نشر ثالث، ۱۳۹۱
۲. پوشاک بین النهرین و مصر باستان، تحقیق و پژوهش دکتر آریتا مصباح، انتشارات توس، ۱۳۸۴
۳. پوشاک در ایران باستان، فریدون پوربهمن، ترجمه هاجر ضیاء سیکارودی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶
۴. پوشاک در ایران زمین، دانشنامه ایرانیکا، آرا شوارتز بیری Ora Shwartz Beer، لباس کردهای کلیمی، ترجمه پیمان متین - با مقدمه علی بلوکباشی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۳

کوتاهی بود به نام هلکه (helake) که روی آن بالاپوشی تنگ و بلند به نام کورتک (Kurtak) با آستین هایی تنگ پوشیده می شد. این لباس ها با شلود گشاد و بلندی که زیرشان پوشیده می شد، کامل می گردید. ترکیب مشابهی در یک منطقه وسیع از لحاظ جغرافیایی که از آسیای مرکزی به سمت ایران، ترکیه و خاورمیانه گسترده می شد، شناخته شده است. زنان جوان رنگ های روشن، مخصوصاً بنفش و سبز را ترجیح می دادند، ولی زنان مسن تر سیاه می پوشیدند.

زنان روی سرشان روسری هایی با منگوله های آویزان که به روش های متنوعی گره زده می شد، می بستند.

در کردستان ایران، لباس مخصوص زنان کرد کلیمی برخلاف سبک کلوش معمولی که توسط سایر زنان کرد پوشیده می شد در کمر تنگ می گردید. دامن، چین دار و بالاتنه، جلو باز با یقه ای برگشته، و نیز دگمه دار بود. آستین ها بلند و تنگ بودند. پارچه ها از جنس ابریشم یا نخ و مشخص ترین رنگ، بنفش بود. شلوارهای بسیار گشاد (شرواله sarwala) از زیر لبه دامن معلوم می شد. نیم تنه مخمل و کوتاه راه راه در رنگ های متعدد روی لباس پوشیده می شد که در امتداد آن کمر بند نخی یا ابریشمی پهنی بسته می شد. در قسمت جنوبی منطقه، زنان مسن تر کلیمی هنوز جامه سنتی به تن می کنند، یعنی لباس های تیره رنگ بدون حاشیه دوزی و قبای سیاه مربع شکلی، که روی شان هایشان قرار می گیرد. آنها دو دستمال سر نیز به سر می کنند. یکی که انتهایش در پشت و دومی که دور پیشانی گره می خورد. از سوی دیگر، در منطقه شمالی به سر گذاشتن نوعی تاج حاشیه دوزی شده با نوار طلایی که از روی آن، دستمال پشت نمایی روی شانها می افتاد و با سگکی فلزی زیر چانه بسته می شد، رایج بود.

جام جم را از چه کسی طلب کنیم؟

الهام مؤدب

مترجم زبان انگلیسی

تاریخ هر ملت یا دینی بخش مهمی از فرهنگ آن جامعه را تشکیل می‌دهد. حتی سهم قابل توجهی از آموزه‌های کتاب مقدس یهود (تنخ) با بیان مسائل تاریخی و عبرت‌آموزی از آن‌ها پیوند می‌خورد. بیان تاریخی مسائل با جمع‌آوری و کنار هم قرار دادن رخدادهای وابسته، نتیجه‌گیری از آن مسائل را ساده می‌سازد. موزه‌ها با فراهم آوردن آثار عینی، مسائل تاریخی را قابل رؤیت ساخته و همگرایی، همراهی و باور آن‌ها را راحت‌تر می‌سازد که «شنیدن کی بود مانند دیدن».

با قدمت حضور یهودیان در ایران و تاریخ ۲۷۰۰ ساله همنشینی و همزیستی ایشان با سایر اقوام و ادیان در این مرز و بوم می‌تواند دست‌مایه مناسبی جهت تلاش برای حفظ آثار باقیمانده و گردآوری آنها در موزه‌ای در حد بضاعت برای بهره‌برداری بهتر و انتقال به نسل آینده باشد، که همت و سعی کلیه همکیشان و هموطنان و مسئولان را می‌طلبد.

حاکم دکتر یونس حمامی لاله‌زار

ایران، حفظ و به فرهنگ و تاریخ دوستان جهان معرفی می‌شود. شاید این امر تلنگری به همه ما باشد تا جام‌جم را از خود طلب کنیم.

یهودیان ایران در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته‌اند و در دهه‌های اخیر با مهاجرت‌های گسترده روبرو بودند، اما هم‌چنان یهودی ایرانی، باقی مانده‌اند. پس معرفی فرهنگ، تاریخ و پیشینه بلند مدت این حضور در کنار سایر هموطنان ایرانی، همکاری همه افراد را می‌طلبد. همان‌طوری که در مطلب زیر آمده است خوشبختانه خانواده رخسار از هموطنان ایرانی به‌جای فروش میراث تاریخی یهودیان ایران به مجموعه‌داران جهانی و خریداران عتیقه، آن‌ها را به یاد ابراهیم

وقتی برای تهیهی این مطلب در صفحه اول سایت موزه یهودیان نیویورک، دیوار کنیسای اصفهان نظرم را جلب کرد و سپس سایر آثار یهودیان ایران را یافتم، مانند مشاهده بسیاری از آثار این مرز و بوم در موزه‌های جهان به‌ویژه لوور فرانسه، بسیار افسوس خوردم. خوشبختانه می‌توان در موزه‌های داخل کشور بخشی از میراث تاریخی ایران را با افتخار و سربلندی یافت. ولی متأسفانه با ۲۷۰۰ سال قدمت یهودیان در ایران، شاهد هیچ موزه و اثری نیستیم.

اما کمی بعد، از طرفی خوشحال شدم که آن‌ها را در حراج‌های جهانی مجموعه‌داران نیافتم و در این موزه و یا موزه‌های مشابه با چنین آثاری، هنر، سنت، فرهنگ و تاریخ غنی ملی و مذهبی یهودیان

بیوه بازرگان برجسته و خیر فلیکس واربورگ، ملک خانوادگی خود را برای توسعه موزه اهدا کرد. ساختمان در سال ۱۹۰۸ ساخته شده بود و از سال ۱۹۴۷ به موزه اختصاص داده شد.

در سال ۱۹۵۹ یک مجسمه در کنار ساختمان نصب شد و ساختمان آلبرت ال در سال ۱۹۶۳ برای ارائه فضای نمایشگاهی و برنامه‌ها به آن اضافه شد. در سال ۱۹۹۰، نوسازی و پروژه بزرگ با اهداف زیر آغاز و در سال ۱۹۹۳ کامل شد:

گسترش فضای گالری موزه، ایجاد فضای جدید برای برنامه‌های آموزشی، بهبود چشمگیری امکانات عمومی، افزودن یک نمایشگاه در دو طبقه با نام «فرهنگ و تداوم سفر یهودی». در این نمایشگاه با ارائه آثار هنری داستان فرهنگ و هویت یهودیت به تصویر کشیده می‌شود. در حال حاضر موزه شامل نمایشگاه‌های بین‌المللی متنوع و چشمگیری می‌باشد. مجموعه‌ای از ۳۰,۰۰۰ اثر عتیقه، آثار نقاشی، مجسمه‌سازی، عکس، رسانه‌ها، آثار باستانی و اشیاء تشریفاتی به چشم می‌خورد. برنامه‌های آموزشی این موزه شامل سخنرانی، گفتگو، هنرهای دستی در خدمت طیف گسترده‌ای از مخاطبان نوجوانان، دانش‌آموزان، دانشجویان، خانواده‌ها از سنین مختلف است.

آرشیو رادیو و تلویزیون

در این بخش ۴۰۰۰ عنوان از مطالبی که رادیو و تلویزیون آمریکا در خصوص فرهنگ یهودیت از سال ۱۹۳۰ تا اوایل قرن ۲۱ پخش نموده است به‌طور کامل ارائه شده است.

رخسار به موزه یهودیان نیویورک اهدا کردند. در تاسیس و گسترش موزه یهودیان نیویورک، یکی از قدیمی‌ترین موزه‌های یهودیان جهان، در وهله اول نقش و اهمیت افراد فرهنگ‌دوست و خیر، و در مرحله بعد نقش مسئولین و دست‌اندرکاران متعهد، تخصیص بودجه در اجرا و پیشبرد اهداف آنان، مشاهده می‌شود. خوشبختانه یهودیان کشورهای مختلف نیز به یاد عزیزان خود در حد توانشان با اهدا آثار کشور و یا میراث خانواده‌شان سهم اندک خود را در گسترش موزه ادا کردند. دکتر جی هری فردمن نیز با اهدا میراث کشورهای مختلف از جمله ایران به موزه نیویورک به خوبی دین خود را ادا نموده است.

موزه یهودیان نیویورک (قسمت اول)

موزه یهودیان نیویورک یکی از موزه‌های مهم جهان است که با ارائه ۳۰۰۰۰ قلم از اشیای یهودیان به معرفی فرهنگ، هویت و هنر یهودیان جهان می‌پردازد. این موزه یکی از قدیمی‌ترین موزه‌های یهودیان جهان و نخستین موزه از این نوع در آمریکا است. در سال ۱۹۰۴ قاضی سلز برگ با اهدا مجموعه‌ای از آثار هنری از مراسم مختلف، عکس و کتب یهودیت به دانشکده الهیات یهود، پیشنهاد تاسیس موزه را داد. در همان سال در کتابخانه آن دانشکده موزه تاسیس شد. سپس به تدریج با اهدا و خرید مجموعه‌های مختلف، این موزه به بزرگ‌ترین موزه از نوع خود تبدیل شد.

در سال ۱۹۴۴، فریدا شیف واربورگ، وکیل و

بخش آثار ایران

عکس ۱

بخشی از دیوار کاشی کاری کنیسا اصفهان قرن ۱۶ میلادی ابعاد $۱۱/۴ \times ۴۵۹/۷ \times ۲۶۵/۴$ سانتیمتر بر روی دیوار قید شده است «این دروازه‌ای برای خداوند است، صالح باید وارد آن شود» (مزامیر ۱۱۸: ۲۰). (این متن در بسیاری از پرده‌های تورات یافت می‌شود).
«من با عشق تو، وارد خانه‌ات می‌شوم؛ به معبد مقدس احترام می‌گذارم» (مزامیر ۵: ۸).
اندازه دیوار نشان می‌دهد که کنیسا نسبتاً بزرگ بوده است. دلایل متعددی حاکی از آن است که احتمالاً این دیوار به کنیسایی در اصفهان تعلق دارد. زیرا شمار یهودیان اصفهان در قرن شانزدهم، در زمان ساخت دیوار افزایش یافته است. اما بعدها جمعیت آنان در پی آزار و اذیت، در قرن هفدهم کاهش یافت. این شهر مرکز چنین کاشی کاری است و دکوراسیون مشابه آن در بسیاری از ساختمان‌های عمومی یافت می‌شود. علاوه بر این، خریدار آن را در اصفهان تهیه کرده است. این دیوار تلفیقی از سنت اسلامی ایرانی با دکوراسیون معماری یهودی می‌باشد.



عکس شماره ۱ - بخشی از دیوار کاشی کاری اصفهان

عکس ۲

عقدنامه (یزد ۱۸۶۴ م.)

در کشورهای خاور نزدیک، عقدنامه‌های متأثر از هنر اسلامی، فاقد تزیینات بود. در حالی که ایران

مهم‌ترین مرکز تزیینات عقدنامه در دنیای اسلام بود.



عکس شماره ۳ - عقدنامه کردستان ۱۸۴۸ م.



عکس شماره ۲ - عقدنامه یزد ۱۸۶۴ م.

عکس ۳

عقدنامه (کردستان سال ۱۸۴۸)، اهدایی روت. اگیل‌دسگیم
سند ازدواج یهودی سنندجی با یکی از اقوام از اصفهان

عکس ۴

عقدنامه (اصفهان)، کار موشه پسر یوشع، سال ۱۸۷۵. اهدایی دکتر جی هری فردمن



عکس شماره ۵ - عقدنامه دماوند ۱۸۷۰ م.



عکس شماره ۴ - عقدنامه اصفهان ۱۸۷۵ م.

عکس ۵

عقدنامه (دماوند ۱۸۷۰)، اهدایی امان‌الله رخسار، یادبود ابراهیم خلیل رخسار در سال ۱۸۷۱ به دنبال قحطی شدید در دماوند شمار یهودیان به شدت کاهش یافت. اهمیت این عقدنامه در آن است که در سال ۱۸۸۵ زمانی که شمار یهودیان دماوند کاهش یافت متن زیر به آن اضافه شده است و به اختلاف بین زوج و حل و فصل آن اشاره می‌شود. مرد در تهران با همسر دوم ازدواج کرده و به حنا همسر اول ۱۰ تومان پرداخت کرده است.

عروس: حنا دختر الياهو كاشي

داماد: آقا بابا موسوم به متتيا پسر اسحاق مورودی شاهدان: اوراهام پسر نيسان اسحاق پسر دمكاني

عکس ۶:

عقدنامه (دماوند ۱۸۹۸) اهدایی امان‌الله رخسار این سند ازدواج نمونه ابتدایی از عقدنامه دفترچه‌ای می‌باشد که احتمالاً از عقدنامه مسلمانان الهام گرفته شده است و در ابتدای قرن بیستم در میان یهودیان تهران محبوبیت یافت.

عروس: استر، دختر سلیمان

داماد: اهرن پسر آ. بابا

شاهدان: ابراهیم مَنجَم، مردخای پسر رافائل، پینحاس پسر الياهو



عکس شماره ۷ - ریمونیم ۱۸۶۲ م.



عکس شماره ۶ - عقدنامه دماوند ۱۸۹۸ م.

عکس ۷:

ریمونیم (۱۸۶۲) اهدایی دکتر جی هری فردمن

عکس ۸:

لباس عروسی زری دوزی از اصفهان ۸۰- ۱۸۷۵

در قسمت کمر به عبری نوشته شده است: اهدایی توسط آقای یوسف پسر یادگار خداوند حافظ و نگهدار او باشد. این متن نشان می‌دهد که لباس به سازمانی اهدا شده تا به دفعات از آن استفاده کنند.



عکس شماره ۹ - قالیچه دیواری ابریشم هارون



عکس شماره ۸ - لباس عروسی زری دوزی اصفهان

عکس ۹:

قالیچه دیواری ابریشم هارون (هارون با لباس مقدس) ۱۹۳۰ م. کردستان اهدایی دکتر جی هری فردمن روی آن آیه‌ای از تورات آمده است «برای هارون لباس مقدس تهیه کنید که باعث افتخار است.»

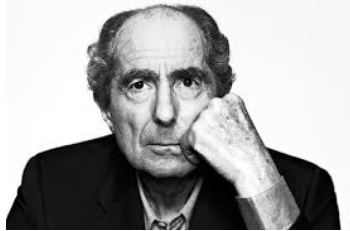
عکس ۱۰:



عکس شماره ۱۰ - قالیچه دیواری پشم و ابریشم تبریز

قالیچه دیواری پشم و ابریشم تبریز ۱۹۳۰ اهدایی دکتر جی هری فردمن تاج تورا در بالای قالیچه قرار دارد. در قسمت مرکزی، اعداد ۱ تا ۱۰ به عبری نوشته شده است. در آن قید شده اهدایی آشر رزند پسر بن دانیل بن ابراهیم باسانی، در سمت راست، عکس حضرت موسی با ۲ لوح ۱۰ فرمان قرار دارد در بالای آن آمده است: «بر زبان من ستایش خداوند جاری است. در زیر آمده است بشنو اسرائیل، خداوند خدای ما یکتا است.»

در سمت چپ عکس هارون (هارون) است. در بالا نام ۱۲ اسباط با پرچم می‌باشد. (ادامه دارد)



فیلیپ راث

جامانده از نوبل بر بلندای ادبیات آمریکا

آتوسا آرمین

این سه کشور سبب شده بود که یهودیان این منطقه طعم پوگروم* و یهودی‌ستیزی را در انواع مختلف روسی و لهستانی بچشند. بنابراین از سال‌های پایانی قرن نوزده موج مهاجرت یهودیان گالیسیایی به سوی آمریکا و فلسطین آغاز شد.

هرمان راث فروشنده شرکت‌های بیمه بود و خانواده‌اش از رفاه نسبتاً بالایی برخوردار بودند. فیلیپ در سال ۱۹۵۰ از دبیرستان ویک‌هاویک فارغ‌التحصیل شد. دوران نوجوانی و دبیرستان‌اش را به‌خوبی در کتاب شکواییه پورتنوی (Portnoy Complaint) شرح داده است. مکان‌های ذکر شده در داستان و اتفاقاتی که برای شخص اول داستان می‌افتد در واقع شرح زندگی خود اوست. نگاهی هرچند گذرا به دفاتر رسمی دبیرستان راث را به ما به‌عنوان دانش‌آموزی با هوش و قریحه بسیار و دارای عقل سلیم معرفی می‌کند. پس از کسب لیسانس ادبیات انگلیسی با درجه بسیار ممتاز از دانشگاه باکسل، او موفق به اخذ فوق لیسانس همان رشته از دانشگاه شیکاگو شد. دعوت بی‌درنگ دانشگاه پس از فارغ‌التحصیلی از او جهت تدریس نگارش و نویسندگی خلاق و احراز کرسی استادی دانشگاه‌های پرینستون و آیووا نشان از توان و استعدادی فوق‌العاده در ادبیات و نویسندگی دارد. حرفه دانشگاهی راث با تدریس ادبیات تطبیقی در

صاحب‌نظران ادبی جهان فیلیپ راث را مهم‌ترین نویسنده زنده آمریکا می‌دانند و به باور منتقدان، راث یکی از شایسته‌ترین نویسندگان جهان برای دریافت نوبل ادبیات است. با اینکه تا کنون به دلایل نامشخصی این جایزه به او تعلق نگرفته ولی فهرست جوایز معتبر ادبی که تاکنون به وی تعلق گرفت چنان بلند است که می‌توان گفت که با اعتبار نوبل پهلو می‌زند.

فیلیپ میلتون راث (Philip Roth) در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۳۳ در نیوآرک ایالت نیوجرسی در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد. بیشتر ساکنین محله ویک-ها-ویک نیوآرک تا دهه ۱۹۶۰ متشکل از طبقه متوسط یهودیانی بود که غالباً متعلق به نسل‌های اول و دوم مهاجرین روسی و شرق اروپا بودند که پس از تثبیت موقعیت شغلی و اجتماعی‌شان در نیوآرک موفق به تشکیل هسته‌ای قوی متشکل از مدارس، یشیواها، کنیساها و یک بیمارستان شده بودند.

هرمان و بس راث، والدین فیلیپ، متولد آمریکا و فرزندان مهاجرین گالیسیایی بودند. گالیسیا منطقه‌ای در اروپای مرکزی است که حاکمیت آن طی قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی مورد مناقشه بین کشورهای روسیه، لهستان و اوکراین بود. تاریخ پر فراز و نشیب و الحاق هر از چند گاه آن به یکی از

نویسنده‌اش به ارمنان آورد. در سال‌های پایانی دهه ۷۰ میلادی ناتان زوکرمن، شخصیت داستانی که آلتراگوی*** نویسنده بشمار می‌آید، متولد شد. زوکرمن راوی داستان‌هایی است که در نیوآرک اتفاق افتاده و ترسیم کننده ظرایف زندگی و روابط یهودیان این منطقه است. راث برخلاف دیگر نویسندگان آمریکایی-یهودی هم عصرش همچون برنارد مالامود و باشویس سینگرکه به شهرتی جهانی دست یافتند، کتابی به زبان بیدیش نوشته است.

چنانچه گفته شد فهرست جوایز اهدا شده به راث آن چنان بلند است که در چارچوب این نوشته نمی‌گنجد ولی می‌توان به سه بارجایزه پولیتزر، هشت بارجایزه ملی کتاب، جایزه پن، جایزه کافکا، جایزه نابوکف و مجموعاً ۵۸ جایزه معتبر بین‌المللی اشاره کرد. چندین کتاب او موضوع ساخت فیلم قرار گرفته و از سال ۱۳۸۳ با ترجمه کتاب رییس جمهور ما به بازار کتاب ایران معرفی شده است. فهرست کتاب‌های ترجمه به فارسی به شرح زیر است:

- ننگ بشر، خشم و شوهر کمونیست من با ترجمه دکتر فریدون مجلسی
- حقارت، زوکرمن رهیده از بند و نویسنده پشت پرده با ترجمه سهیل سمی
- یکی مثل همه با ترجمه پیمان خاکسار
- ارباب انتقام با ترجمه پدram لعل بخش
- رییس جمهور ما با ترجمه افشین رضاپور

*Pogrom کشتار خشونت بار یا آزار یک گروه قومی یا مذهبی. این واژه اصالتاً مربوط به آزار یهودیان در روسیه و لهستان است و از روسی وارد زبان انگلیسی شده است. امروزه این واژه در تعریف آزار و اذیت اقلیت‌های قومی بکار می‌رود.

***سولومون بلو Solomon bellow (۱۹۱۵-۲۰۰۵) نویسنده آمریکایی کانادایی یهودی تبار برنده جایزه نوبل در ادبیات و جایزه پولیتزر

***آلتر آگو یا خود اسطوره‌ایی که از شخصیت در حالت نرمال فرد متمایز است.

دانشگاه پنسیلوانیا تا زمان بازنشستگی در سال ۱۹۹۱ ادامه یافت.

سال ۱۹۵۶ راث در شیکاگو با سولومون بلو*** و مارگارت مارتینسون آشنا شد. اتفاقی که تاثیر به‌سزایی بر زندگی حرفه‌ای و شخص او به‌جا گذاشت. دوستی او و مارگارت به ازدواج در سال ۱۹۵۹ منجر شد. زندگی مشترکی که دوامی نداشت و پس از ۴ سال به جدایی انجامید. مارگارت الهام بخش شخصیت‌پردازی در آفرینش پرسوناژ زن داستان‌هایش است. ازدواج، جدایی و مرگ مارگارت در یک سانحه اتومبیل در سال ۱۹۶۳ زخمی درمان ناپذیر بر روح و روان راث به‌جا گذاشت.

به لحاظ دیدگاه مذهبی راث یک آتئیست به‌شمار می‌رود و اعتقادات و باورهای ضد مذهب خود را بی‌محابا مطرح می‌سازد. سال ۱۹۹۰ او با کلر بلوم، دوست و هم‌نشین دیرینه‌اش ازدواج کرد. این بار نیز زندگی مشترک این دو دیری نپایید و بلوم پس از متارکه در سال ۱۹۹۴ کتاب زندگی در خانه عروسک را نوشت. کتابی که روایتگر زندگی مشترک او با راث و ذکر جزئیات ناخوشایند آن بود. منتقدان باور دارند که بسیاری از بخش‌های کتاب راث با نام من با یک کمونیست ازدواج کردم (ترجمه فارسی با عنوان شوهر کمونیست من) پاسخی به اتهامات مطرح شده از سوی مارگارت است.

اولین کتاب راث خدا/حافظ کلمبوس به‌همراه پنج داستان کوتاهی که از او در شیکاگو تریبون منتشر شده بود در سال ۱۹۶۰ برنده جایزه ملی کتاب آمریکا شد. اتفاقی که پیش از آن برای هیچ نویسنده نوخاسته‌ای رخ نداده بود. انتشار شکواییه پورتنوی در سال ۱۹۶۹ محبوبیت و ثروت را برای

در کوچه پس کوچه های کودکی...

شهرگان انورزاده

فعال اجتماعی

بودند. حالا هم خاطرات دوران کودکی رنگی هستند. پر رنگ تر از خاطرات دوران دیگر ...

بازی های کودکی، شعرها، شیطنتها، دوستی ها، قهرها، آشتی ها ... و با گذر زمان و بزرگ تر شدن، فکر کردن درباره ی جمله هایی که در جمله سازی می نوشتیم: «آیا همیشه آدم ها ادب دارند؟»، «آیا همیشه اسب ها آرام هستند؟» هنگام کمک به فرزندانم در جمله سازی، باز هم به این معنا فکر کردم و امروزه با دیدن همکارم و دختر کوچکش، دوباره به فکر فرو رفتم. «کاش آدم ها همیشه ادب داشتند» و «کاش اسب ها همیشه آرام بودند».

اما نکته ی دلپذیر در این میان، تکرار سلسله وار خاطرات خوش زندگی است. تکرار دیدن مادری که با شوق می آموزد و فرزنددی که با شوق یاد می گیرد.

تکرار احساس لحظات خوش ناب، شادی در قلب. داشتن امید، با تمام وجود. رسیدن به آرزویی دوردست، حس خوب دوست داشتن، آرامش، موفقیت و فکر کردن دوباره به واژه ها، خاطرات و احساسات و آرزویی همیشگی که: ای کاش، افکارمان و خاطراتمان در کوچه پس کوچه های کودکی، واقعاً به پاکی و زلالی بزرگسالی مان باشند.

«ای کاش همیشه آدم ها ادب داشته باشند.»

«ای کاش همیشه اسب ها آرام باشند.»

بعضی اوقات، دیدن یک صحنه، یک رویداد که به ظاهر ساده است، به گونه ای عجیب، به خاطراتی دور، خیلی دور رهنمودمان می کند.

خاطراتی که می پنداریم از یاد رفته، اما ماهرانه در پس زمینه ی فکرمان و در انتهای قلبمان، جا خوش کرده. «مامان، این جمله درست؟» «با کلمه ی اسب، چه جمله ای بنویسیم؟» «با کلمه ی آدم، ادب،»

این بود صحنه ای که امروز شاهدش بودم و مرا به فکر فرو برد. دختر همکارم از مادرش می پرسید و مادرش با حوصله او را در جمله سازی یاری می کرد: «آدم ادب دارد»، «اسب آرام است»، «باران می بارد»، جملاتی که مرا به گذشته ای دور برد ...

انگار دوباره کلاس اولی بودم و مادرم مرا در جمله سازی کمک می کرد و من با اشتیاق می نوشتم و می آموختم. تکرار خاطره، سال ها بعد، شنیدن صدای فرزندانم که در جمله سازی کمک می خواستند و حالا اشتیاق آموختن، در نگاهشان بود ...

آن وقت ها که کودک بودیم، جملاتی را که می نوشتیم، باور داشتیم. آن وقت ها باور می کردیم که «آدم ها همیشه ادب دارند» و «اسب ها همیشه آرام هستند».

دنیای ما، رنگین کمانی بود از رنگ هایی که با تجزیه ی هر رنگ، امیدی تازه در دلمان زنده می شد. واژه ای به نام غم نمی شناختیم. خاطره ها رنگی



مشتی خاک از جنس آسمان

المیرا سعید

فروغ از دیده‌ی یک هم وطن می‌گیرد و گرمایش از جنس هُرم نفس‌های اوست.

میهن نقطه‌ای است نورانی در سیاره‌ی زمین، که از خورشید نه بلکه از تک تک آدم‌هایی نور می‌گیرد که مهر ورزی مذهبشان است و شرف ایمانشان.

میهن همان دیار شیرینی است که هنوز صدای تیشه‌ی فرهادها در آن خاموش نشده است. میهن قبله‌گاه مردمانی است که با آبرویشان وضو گرفتند و با زبان همدلی به نماز ایستادند. میهن محراب آن مردان مرد و شیر زنانی است که آزادگی پیشه‌شان شد و غیرت سیره‌شان.

میهن سرنوشت ماست که دست تقدیر هم نتوانست حریف تردیدها و دودلی‌مان شود. گفتم بنویس میهن می‌شود یادگاری همیشه ماندنی برای قرن‌ها و حکایتی خواندنی برای کسانی که روز و شب به دنبال جاودانگی‌اند. معجزه‌ای است تکرار نشدنی تا نسل‌ها بدانند که باورش دل می‌خواهد، نه دین می‌طلبد و نه دلیل. بنویس میهن می‌شود حضوری بی‌انتها.

بنویس قهرمانان میهنمان همانانی بودند که در مکتب دلدادگی سایه‌ها را زدودند و چهره از غبار یاس و ناامیدی شستند. مسافر راهی شدند که آفتاب بی‌قرار قدم‌هایشان بود و شب منتظر نگاهشان. دلبران میهنم از تبار آینه‌ها بودند و از قبیله‌ی پرنده‌ها. پهلوانان این‌مرز و بوم آنانی بودند که از خود گذشتند تا مدال سربلندی میهن زیور گردن هموطنشان شود.

بنویس میهن با جوانی شروع می‌شود که مهر میهن بر دل دارد و در سر شوق سازندگی. میهن در دستان پینه بسته‌ی پدران و مادرانی است که جز درس پایمردی از آن‌ها نمی‌توان آموخت. میهن بوسه زدن بر مشت‌های خاک است از جنس آسمان.

باز صدای اعتراض دخترم بلند شد و مرا به خود آورد: «مادر گفتم میهن را در یک بند توصیف کن نه بیشتر.» گفتم بنویس میهن در یک بند جای نمی‌گیرد و در کلمات نمی‌گنجد. اما می‌توانی با افتخار برای معلم و هم‌کلاسی‌هایت بنویسی: میهن! بند بند وجودم تو را می‌خواند. ■

«میهن تو بمان»

«مادر درباره‌ی میهن چه بنویسم؟ سرزمینم را چگونه توصیف کنم؟»

این عنوان انشایی بود که معلم از بچه‌ها خواسته بود تا آن را در یک بند بنویسند.

در جواب دخترم گفتم موضوع انشایتان خیلی زیباست. هر چه درباره‌ی ایران می‌دانی بنویس. با صدای اعتراض آلودی گفتم: «نمی‌دانم انشایم را از کجا شروع کنم، میهن را با چه آغاز کنم؟»

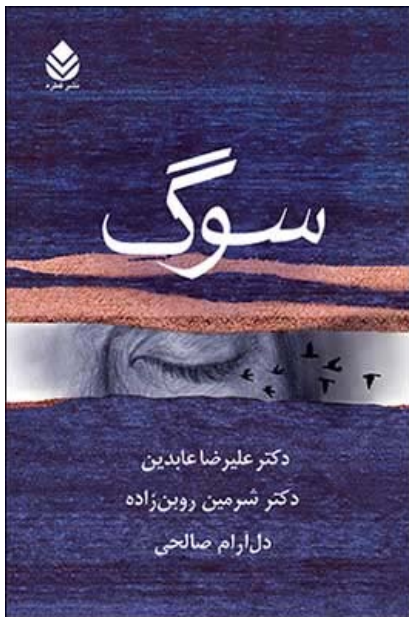
به چشمان پرتمنای او که حکایت از معصومیت کودکان میهنم را داشت خیره شدم. گفتم بنویس میهن با من شروع می‌شود، با تو. با آدم‌های ساده‌ای که زیر سقفی مشترک به نام «سرزمین» خاطراتی فراموش نشدنی دارند. خاطراتی که هیچ‌گاه شاید در هیچ کتابی نوشته نشد ولی یادش تا دنیا دنیا است در سینه‌ها باقی و ورد زبان همگان خواهد بود.

بنویس میهن با دانش‌آموزی شروع می‌شود که با خواندن تاریخش از یاد نبرد که چند دانش‌آموز دیگر در مدرسه‌ی ایثار، میهن را در جهان ثبت کردند تا او نمره‌ی آزادی بگیرد. میهن با معلمی شروع می‌شود که امضایش پای هر دفترحکمی است برای اتحاد و هم‌عهدی و رمز عبوری برای از خود گذشتن و یکی شدن.

گفتم بنویس میهن با یک تکلیف شروع می‌شود که همه باید در سنگر عشقش آن را مشق کنند. آنقدر از روی آن بنویسند تا کسی خیال از یاد بردنش، به دست غریبه سپردنش، یا بر هم زدن آرامشش را نداشته باشد.

بنویس میهن می‌شود دلیل آزادی اسیر خسته‌ای میان زنجیرها و دیوارها. می‌شود نیاز گمشده‌ای در راه، غرور یک پرواز لابه‌لای پنجره‌های تهی مانده از آرزوهای دور و دراز. میهن می‌شود آغاز یک اوج و پایانی برای نفس کشیدن فاصله‌ها.

میهن یعنی خانه و کاشانه‌ات. همان قطعه زمینی که در کوره راه‌های دشوار زندگی، در پیچ و خم بیراهه‌های غربت، وقتی پریشان می‌شوی و سر در گریبان، فانوسی می‌شود که



معرفی کتاب «سوغ»

دکتر شرمین روبین زاده

«سوغ» عنوان اثری مشترک از «علیرضا عابدین»، «شرمین روبین زاده» و «دل آرام صالحی» است که در مهرماه ۹۶ به همت نشر «قطره» با موضوع اندوه درمانی در ۹۲ صفحه چاپ شده است.

در زندگی انسان دگرگونی‌های ژرف در دوره‌های مختلف به‌وقوع می‌پیوندد. گاه زندگی وقایعی را پیش روی ما قرار می‌دهد که انتظار آن را نداریم. به دنیا آمدن و از دنیا رفتن جزئی از این دگرگونی‌های اساسی است. چگونگی روبرو شدن با این وقایع زندگی انسان را جهت و معنا می‌دهند. مرگ عزیزی که دوستش داری واژه سهمگینی است که بر روح انسان زخم عمیقی بر جای می‌گذارد. فرآیند روبرو شدن با مرگ عزیزی که دوستش داری می‌تواند انسان را مقهور و مغلوب سرنوشت کند، چرا که مرگ نقطه پوچی و سکوت است. جایی که انسان قدرتی برای بازگرداندن عزیزش ندارد، شهامت عظیمی لازم است تا انسان با واقعه سهمگین مرگ دست و پنجه نرم کند. این موضوع یک حقیقت غیر قابل انکار است که زخم ناشی از مرگ هرگز از روان انسان پاک نمی‌شود اما راه‌هایی برای ترمیم آن وجود دارد.

بار زندگی بر دوش افراد داغ‌دیده سنگینی می‌کند....

«... با تو زندگی‌ام را ساختم، عشق را آموختم و با

تو به روابطم و به زندگی‌ام عمق دادم.... بی تو زندگی زندانی بزرگ است... فضای خانه و شاید بهتر بگویم فضای زندگی سرد است. خون در رگ‌هایم منجمد شده است. جهان بی معنا است. بی تو دلم می‌خواهد نباشم.. در این فضای سرد و خالی قدم در اتاق سرد درمان گذاشته‌ام. اتاقی که در آن کسی بود که می‌خواست به داستان ناتمام من و تو گوش فرا دهد. راستش حوصله چندانی برای بازگویی داستانمان به یک غریبه نداشتیم. ولی او متفاوت از دیگران با اندوه من بود. نه به مانند دیگران قضاوتم می‌کرد و نه دل‌داری در کار بود. او به سکوت وجودم و به تهی شدن درونم گوش می‌کرد و به من کمک می‌کرد برای رابطه‌مان معنای جدیدی پیدا کنم... او به من کمک می‌کرد در این شب‌های سرد خاطراتمان دوباره زنده شود و راهی برای بودن با خاطراتمان پیدا کنم... او به من آموخت گرچه جسمت نیست ولی رابطه من و تو

شناسایی عوامل فردی و نوع زندگی شخص از اهمیت اساسی برخوردار است، بلکه عوامل جمعی مانند فرهنگ نیز به دلیل تأثیر بر روی عوامل درونی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. مجموع این عوامل نقش عمده‌ای در شکل‌گیری درمان ایفا می‌کنند. چالش جهت‌گیری روان‌شناختی در فرهنگ‌های مختلف یکی از دغدغه‌های اصلی متخصصان بالینی است و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. اشاره متخصصان به عدم جهت‌گیری روان‌شناختی مناسب در جامعه ایران در تحقیقات مختلف دیده شده است.

در کتاب سوگ تلاش شده است درمان سوگ به شکلی بومی در قالب داستان ارائه شود. این کتاب به داستان زندگی پنج نفر می‌پردازد. آدم‌هایی که زمان در یک نقطه با از دست دادن عزیز در روان‌شان متوقف شده است و با راه‌های درمان، قلب‌شان بار دیگر به تپش افتاده است. این کتاب مبتنی بر پروژه تحقیقاتی پروتوکل شن درمانی که با نوجوانان داغ‌دیده در دانشگاه شهید بهشتی انجام شده بود به نگارش در آمده است و روشی علمی مبتنی بر رویکرد روان‌پویشی است. مراجع با کمک جعبه شن به بازآفرینی الگوی زندگی خود و احساساتش می‌پردازد و تغییرات حاصل از فرآیند درمان در سطوح مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در فرآیند درمان، درمانگر به کاوش احساسات و شناخت فرد می‌پردازد و نتیجتاً جهان درونی افراد را دستخوش تحول می‌کند. ■

در جسم تو نیست، در خاطراتمان و در یادمان است... خون در رگ‌هایم کم کم جاری شد و اکنون بی جسم تو ولی با یاد تو به راهمان ادامه می‌دهم... راهی که با هم ساختیم را ناتمام نخواهم گذاشت...» سوگ‌درمانی شاخه‌ای از روانشناسی بالینی است. این درمان به افراد داغ‌دیده کمک می‌کند تا با احساسات دردناک مرتبط با فقدان یک عزیز بهتر کنار بیایند. گرچه سوگ درمانی همواره جنبه‌ای از کارهای روانشناسان بالینی را تشکیل می‌داده است، اما از سال ۱۳۷۰ توجه متخصصان بهداشت به‌طور خاص به موضوعات مربوط به فقدان و سوگواری جلب شد. در سایه همین اقدامات، کم‌کم موضوع سوگ، به‌عنوان یک مقوله مجزا صورت‌بندی شد. یکی از تکنیک‌های موثر در سوگ درمانی، استعاره است، فنی که با هدف انگیختن صحبت و گفت‌وگو در مراجعینی با موضوعات دشوار درمانی، افزایش اتحاد درمانی و رشد بینش در مراجع استفاده می‌شود. شن‌درمانی نیز نوعی درمان استعاره‌ای و فرافکن است. در این روش از استعاره‌های بصری بهره می‌جویند تا راهکارهای سودمند به منظور شناسایی احساسات، تجربیات و معنای فقدان یافت شود.

سوگ‌درمانی چگونه زندگی درونی فرد، نگرش‌ها، ارزش‌ها و ادراکات و دنیای بیرونی فرد را دستخوش تحول می‌کند؟ در تئوری‌های درمان این نکته است که خود نه تنها از عوامل فردی بلکه از عوامل جمعی نیز تأثیر می‌پذیرد. بنابراین نه تنها



مقصر زخم بود

(ممن دلرمیه)

راهی زندان شد و هزاران اتفاق‌های حتی خیلی جزئی، اصلاح آن را از من نماینده می‌خواهند و بالاخره من با کلاف‌های سر در گم اجتماع خودمان روبرو می‌شوم سرکلاف به دست مبارک نماینده محترم می‌دهم و استعفای خود را تقدیم مجلس خیالی می‌کنم و به خود می‌گویم «کار هر کس نیست خرمن کوفتن، گاو نر می‌خواهد آقا سیامک». از عالم این خیال (نماینده مجلس بودن) بیرون می‌آیم گاهی خود را ترامپ (میلیاردر معروف آمریکا) حساب می‌کنم ولی چون به زندگی آرام خود علاقه دارم زود از خر شیطان پایین می‌آیم، گاهی خود را رئیس انجمن کلیمیان به جای دکتر همایون سامه‌یح حساب می‌کنم ولی خیلی زود متوجه گرفتاری‌های جامعه و توقعات زیاد و بی‌جای خیلی‌ها و تهمت زدن بعضی‌ها و شایعه‌پراکنی و کوچک‌نمایی عملکرد مسئولان می‌شوم و فوری استعفا می‌دهم و خود را از این همه گرفتاری‌ها آزاد می‌کنم.

روز آدینه عید پسخ (عید آزادی) بود. عیال مربوطه پس از صرف صبحانه برای خرید و تهیه گوشت و مرغ و چیزهای لازمه عید پسخ از منزل خارج شد. هنوز نیم ساعت بیشتر از رفتن عیال برای خرید نگذشته بود که صدای زنگ درب منزل به صدا درآمد. بچه‌ها با خوشحالی به استقبال مادرشان رفتند، علت زود برگشتن او را سؤال کردم، برایم این طور شرح داد:

نیم ساعت پیش که از منزل برای خرید خارج

قبل از هر چیز اگر مایلید به افکار و اندیشه‌های من پی ببرید و مثل من پا به دنیای تخیل بگذارید باید مسأله بت‌پرستی (پول پرستی)، مسأله گرانی و تورم!!، دعوای در کنیساها (عبادتگاه‌ها) به جای عبادت، آنهایی که بدون احساس مسئولیت «هویت قومی» خود را فراموش کرده‌اند، از خدا بی‌خبر بودن نوکیسه‌ها، کار کردن و باز کردن مغازه در روز شنبه مقدس، مسأله بی‌ایمانی بعضی از جوان‌ها، خوردن خوراکی‌های نوله و طرِفا و غیر کاشتر، و قیچی کردن بیشتر مطالب هیئت تحریریه توسط سردبیر خانم فرانک عراقی و جناب آقای مهندس آرش آبایی ویراستار مجله، کوچک کردن عملکرد مسئولان، به خصوص توهین به پیش‌نمازها و واعظین در محیط کنیساها را فراموش کنید. چون واقعا دنیای تخیل دنیایی است بی‌نظیر، به نظر من آنهایی که از این نعمت خدا داده بهره‌ای دارند افراد خوشبختی هستند و شاید یکی از این افراد خوشبخت من خوشبین باشم. من هر چه را که در دنیای حقیقت نتوانم تهیه کنم در عالم تخیل صد برابر زیباتر و قشنگ‌تر از آن را به سبک نو و ابتکاری و گاهی اوقات هم سینما اسکوپ رنگی آماده کرده و استفاده می‌کنم، در عالم خیال از کاهی کوهی می‌سازم و بلافاصله از کوه ساخته شده، خیال کوه‌نوردی می‌کنم که هیچ کوه‌نوردی قادر به انجام کاری که می‌کنم نباشد، گاهی خود را جای آقای سیامک مره‌صدق نماینده محترم مجلس قرار می‌دهم ولی چون می‌بینم هر عزیز دُردونه‌ای از بابا و مامانش قهر کرده یا هر کس چک بی‌محل کشید و

را قبل از ذبح کاملاً معاینه کرد که بر حسب اتفاق در سالم بودن یکی از مرغ‌ها مشکوک بود. دستور داد آن را عوض کردم و پس از ذبح کردن مرغ‌ها از نای و مری مرغ‌ها امتحان و بازدید به عمل آورد و چون دید طبق قانون است خون‌های مرغ‌های ذبح شده را با گرفتن براخای (دعای) «عل کیسوی دام به عافار» (پوشاندن خون با خاک) با خاک پوشاند و مرغ‌ها را بدون گرفتن پولی در پاکت گذاشت و با احترام به من داد و من هم پس از خداحافظی آمدم منزل.

در اول باورم نمی‌شد که گفته‌های زنم واقعیت دارد، خیلی تعجب کردم و نمی‌توانستم بپذیرم که این واقعیت صد در صد درسته، تا این که قضیه زیر که با چشم خوردم دیدم و با گوش شنیدم به گفته‌های زنم ایمان آوردم جریان از این قرار بود.

ساعت شش و نیم صبح عید پسخ که راهی کنیسا بودم دیدم دسته دسته پیر و جوان، خرد و کلان عازم رفتن به خانه خدا برای برگزاری نماز صبح هستند. در کنیسا موقع خواندن تفیلا (نماز) کاملاً سکوت رعایت می‌شد، جز صدای شالیخ صیپور (پیش‌نماز) که هر شنونده‌ای را مست و متحیر می‌ساخت صدایی از کسی شنیده نمی‌شد، حتی خانم‌ها که بدون آوردن بچه به کنیسا آمده بودند با سکوت مطلق در «جای مخصوص بانوان» به قرائت نماز گوش می‌دادند. پس از پایان تفیلا شحریت (نماز صبح) مسئول کنیسا براخای تورا را به طرز حراج آمریکایی به مدت خیلی کم و بدون دعوا و بدون کتک‌کاری و رقابت در خرید براخاها حراج کرد. بعد از قرائت تورا و هفطارا (گلچینی از کتاب انبیاء یهود) و نماز «موصاف» حزان کنیسا (مسئول کنیسا) اعلامیه انجمن کلیمیان را به شرح زیر برای جماعت کنیسا قرائت کرد:

شدم، دیدم در ایستگاه اتوبوس چند اتوبوس خط واحد خالی خالی ایستاده‌اند و منتظر مسافر هستند. بی‌درنگ سوار شدم و تعجب کردم که فوری راننده حرکت کرد بعد از ۲ دقیقه (بدون برخورد به ترافیک و راه بندان) از ایستگاه پل چوبی پیاده شدم و قدم‌زنان به طرف میدان عشرت‌آباد برای خرید گوشت راهی دکان قصابی آقا اسحق شدم. در عالم خودم غوطه‌ور بودم با خود می‌گفتم خدایا می‌ترسم تا شب موفق نشوم برای خریدن مایحتاج عید پسخ و آیا عاقبت این وضع چه خواهد شد و به اطراف خودم توجهی نداشتم که ناگهان صدای آقای قصاب که گوشت خوب خود را برای فروش عرضه می‌کرد، رشته افکارم را پاره کرد. پس از سلام و احوالپرسی ۴ کیلو گوشت سفارش دادم و چون دیدم واقعاً گوشت نازک و خوبی است گفتم ۵ کیلو بدهید. آقا قصاب گفت به چشم روی چشمم، هر چه دستور بفرمائید قابل اجرا است و بابت ۵ کیلو گوشت کیلویی ۴۵ هزار تومان ۲۲۵ هزار تومان تقدیم کردم. دیدم آقا اسحق ۵ هزار تومان آن را به من پس داد گفتم این بابت چیه؟ گفت چون موعد پسخ در پیش داریم من به هر مشتری ۵ هزار تومان عیدی می‌دهم. از خوش اخلاقی آقا اسحق خوشحال شدم و از او تشکر کردم. بعد از آن رهسپار دکان مرغ‌فروشی جنب دکان قصابی شدم. سه مرغ را انتخاب نمودم و دادم به شوحط (ذابح) کهن آن را شحیطا کند (سر آن را ببرد) دیدم سه نفر حاخام در آن دکان هستند به یکدیگر برای سر بریدن مرغ‌ها تعارف می‌کنند. بالاخره حاخام اولی که حاخام آدوقی (مذهبی افراطی) بود مرغ‌ها را گرفت قبل از سر بریدن، کاردش را بدیقا (معاینه) کرد دید طبق قانون ذبح کارد تیز و صاف نیست. کاردش را با سنگ مخصوص درست کرد و مرغ‌ها

شبات شالوم،

خواهران و برادران عزیز با تقدیم تبریکات پسخ و تهنیت‌های صمیمانه، سلامت و سعادت و توفیق روزافزون همگان از پروردگار متعال خواهانیم. پس از عرض تبریک انجمن کلیمیان لازم می‌داند که چند اطلاعیه که به شرح زیر است به سمع همکیشان عزیز برساند:

۱. از کلیه کسانی که مرتب و بدون وقفه و مطالبه بیشتر از مبلغ مقرر سالیانه خودشان به خانه سالمندان و صندوق خیریه پرداخته و می‌پردازند تشکر می‌شود.

۲. از داوطلبین کمک به صندوق خیریه و کمک به سالمندان خواهش و تمنی می‌شود برای مدت یک ماه و اطلاع ثانی رجوع نفرمایند تا نوبت و حق سایرین که قبلاً برای کمک ثبت نام کرده‌اند پایمال نشود.

۳. هتل‌های گئولاه، مردخای، نیسانی با خوراک‌های کاشر که توسط ذابحین خداترس و واجد شرایط و صلاحیت شحیطا (ذبح) و معاینه می‌شود با ظرف‌های مخصوص برای جشن‌های عروسی، بریت میلا (ختنه)، تفیلین‌بندان و غیره آماده پذیرایی از مهمان‌های عزیز شما می‌باشند.

۴. کافه رستوران‌های ماغن، استر، کوروش، صبحانه، نهار، شام کاشر تهیه و در دسترس مشتریان گرامی با بهترین نحو قرار داده و ضمناً به دانشجویان و کارمندان اداری و افراد مجرد شهرستانی و نظامی تخفیف کلی داده می‌شود.

۵. طبق آماری که از محضرهای ازدواج حاخام‌ها به دست آمده: ازدواج‌ها به صورت داد و ستد نبوده، تظاهرات بی‌مورد و خودنمایی در جشن‌ها زائد و سخت‌گیری و توقعات نامعقول در

امر ازدواج کاملاً ریشه‌کن شده و پایه زناشویی براساس عشق و علاقه، تفاهم و درک و علاقه مشترک استوار شده است و مراجعین برای ازدواج روز به روز زیاده‌تر و علاقه به زندگی جای ترس و دوری از تشکیل خانواده را گرفته است.

۶. طبق آماری که کمیته تحقیقی انجمن به دست آورده مراجعین داوری حل و اختلاف و کسانی که در روز شنبه کار می‌کرده‌اند به صفر رسیده است.

۷. انجمن کلیمیان تصمیم قطعی گرفته که مجله محبوب بینا را هر هفته بدون وقفه برای خوانندگان و علاقمندان محترم منتشر کند (و انشا... منتشر خواهد شد).

بالاخره بعد از قرائت اعلامیه انجمن و بعد از اتمام نماز صبح همه جماعت همدیگر را بوسیدند و به یکدیگر تبریک گفتند. موقعی که من می‌خواستم از درب خروجی کنیسا خارج شوم حاخام داودی مرا صدا کرد یکدیگر را بوسیدیم و به هم تبریک عید گفتیم، داشتم می‌گفتم «خگ سامیح» که ناگهان با تکان محکمی مرا به خود آورد و مرا از خواب شیرین بیدار کرد. چشم که باز کردم دیدم عیال مربوطه است که می‌گوید پاشو، پاشو چی چی خگ سامیح (عیدتان مبارک)؟ کدام عید؟ پاشو برو سر کارت مرد !!!؟

چند ماهه از عید پسخ می‌گذره تو حالا داری عید مبارکی می‌کنی؟ صد دفعه نگفتم پرخوری نکن؟ پاشو دیره حالا زنگ کلاس می‌خوره بچه‌ها بدون معلم می‌موندند. با عجله پوشش سرم - ببخشید کیپایم (کلاه) - را روی سرم گذاشتم و راهی کارم شدم. با خود گفتم: مقصر زمنه که نگذاشت لااقل دنیای خوب دوره ماشیح (ناجی جهان) را در خواب ببینم. ■



نوجوان ابدی

لیورا سعید

کارشناس ارشد روانشناسی

نام: نوجوان

نام خانوادگی: ابدی

سن: بالای ۳۰ سال

تحصیلات: در حال بررسی

شغل: کارهای موقت

وضعیت تاهل: معمولاً مجرد (یا متأهل نامتعهد)

هنگامی که تعارض بین هویت و سرگشتگی در نقش اجتماعی برای نوجوان حل شود، به صفت «تعهد» که صفت بارز مرحله‌ی نوجوانی است دست می‌یابد. تعهد در نوجوانان شامل «استعداد تداوم و وفاداری آزادانه به یک سیستم اجتماعی علیرغم ارزش‌های متضاد آن جامعه» می‌باشد. تعهد به عنوان سنگ زیربنای هویت، استعداد نوجوان را برای درک و پیروی از قوانین و مقررات سنتی، اخلاقی و ایدئولوژیک یک جامعه نشان می‌دهد.

نوجوانی که به دلایلی به این هویت دست پیدا نکند، در سردرگمی نقش مانده، این آشفتگی را با خود به بزرگسالی منتقل خواهد کرد. چنین فردی به رشته تحصیلی خاصی علاقه‌مند نشده، معمولاً تحصیلات دانشگاهی خود را به اتمام نمی‌رساند، مدام از این شاخه به آن شاخه می‌پرد. شغل ثابتی ندارد، به کار کارمندی و دریافت حقوق ثابت تن نمی‌دهد و صرفاً وارد کاری می‌شود که از آن لذت ببرد، ولی با این حال بادوام نیست. با داشتن نقاب کمال‌گرایی شدید، برای جبران احساس حقارت، آرزوهای بزرگی در سر می‌پروراند، اما چون

ایجاد یک هویت و دستیابی به یک تعریف منسجم از خود، مهم‌ترین جنبه‌ی رشد روانی اجتماعی در دوره نوجوانی است. انتخاب ارزش‌ها، باورها و هدف‌های زندگی مشخصه‌های اصلی این هویت را تشکیل می‌دهد. نوجوان در این سن به خوبی احساس می‌کند بین او و دیگران تفاوت‌هایی وجود دارد و برای خود تفرد قائل می‌شود و پس از آن کوشش می‌کند که وجود خود را به صورت دور از وابستگی به والدین به دیگران نشان دهد. اگر نوجوان نتواند تضاد بین تداوم، احساس وابستگی و میل به استقلال را حل کند، دچار مشکلاتی خواهد شد. به این صورت که اگر او نتواند در حد منطقی از والدین خود جدا شود و استقلال به دست آورد، به سختی می‌تواند با هم‌سالانش روابط معقولی داشته باشد، احساس هویت و جهت‌گیری شغلی او نیز دچار مشکلاتی خواهد شد.

تنبلی، بی‌برنامگی و زود از مقابل سختی‌ها فرار کردن از خصوصیات یک شخصیت نابالغ یا به اصطلاح نوجوان ابدی است.

در مورد شکل‌گیری سندروم نوجوان ابدی، باید گفت که چنین افرادی مادرانی به شدت مقتدر و مسئولیت‌پذیر داشته‌اند که از کودکی، فرزندشان را سخت حمایت می‌کنند و در هر سنی که باشند با او چنان رفتار می‌کنند که انگار بچه‌ای کم سن و سال است. تمام اختیارات او را به دست گرفته، به جای او فکر کرده، نظر داده، انتخاب کرده و تصمیم گرفته‌اند. این مادران با حمایت‌گری‌های افراطی خود مراقب تمام جزئیات زندگی فرزندشان هستند و در مراقبت از وی چنان افراط می‌کنند که او هیچ‌گاه یاد نمی‌گیرد از خودش مواظبت کند. هیچ‌گونه کار و مسئولیتی را برعهده‌ی او قرار نداده، قدرت انتخاب و اختیار را از او گرفته‌اند و اجازه‌ی بزرگ شدن را به او نداده‌اند. این والدین در خانه چنان شرایط راحتی را ایجاد می‌کنند که تا زمانی که فرزندشان خانه را ترک نکند، با ناکامی و سختی مواجه نمی‌شود. این‌ها والدین ترسوئی هستند که مدام به فرزند خود درباره‌ی خطرات زندگی هشدار و اخطار می‌دهند. آنها عقاید و نظرات کودک را مسخره کرده، توانایی‌اش را برای انجام وظایف و تکالیف روزمره در نظر نمی‌گیرند و از وی انتقاد می‌کنند.

از آن جایی که مادران در امر تربیت، به طور ناخودآگاه اهمیت و ارزش بیشتری به پسران خود

برنامه‌ریزی ندارد و هدف‌مند نیست، در عمل هیچ کاری انجام نمی‌دهد.

در مسائلی که مستلزم تعهد و تداوم می‌باشد مانند ازدواج، بچه‌دار شدن، شراکت، کار کارمندی و ... معمولاً وارد نمی‌شود، چون نمی‌خواهد و نمی‌تواند مسئولیت و پذیرش آن کار یا رابطه را به عهده بگیرد؛ اگر به این مسائل ورود نماید به عنوان مثال ازدواج کند، تنها گزینه‌ی تاهل را اختیار می‌کند و کاری به گزینه‌ی تعهد که مهم‌تر از تاهل است ندارد، بنابراین زندگی زناشویی و رابطه‌ی خوبی با همسر و فرزندان نداشته، تمام مسئولیت‌ها به گردن همسر و دیگر اعضای خانواده خواهد افتاد.

نوجوان ابدی می‌تواند مرد باشد یا زن؛ نوجوان ابدی زن، بیشتر اوقات خود را صرف دوستان، خرید، آرایشگاه و مد می‌کند و کمتر علاقه‌ای به دنبال کردن مسئولیت‌های خانوادگی، تحصیلی و یا شغلی دارد. نوجوان ابدی مرد، شغل و درآمد ثابتی نداشته، معمولاً از کارهای موقت درآمد دارد، هدف خاصی را دنبال نمی‌کند، به طور موقت علائق خود را پیگیری می‌کند و دست‌آورد خاصی در زندگی خود ندارد. این نوجوانان دریایی هستند با عمق کم.

نوجوانان ابدی در مورد هر چیزی می‌توانند به خوبی صحبت کنند، نظر دهند، انتقاد کنند، حتی دیگران را راهنمایی و هدایت نمایند؛ اما خود، قادر به تصمیم‌گیری و اداره‌ی زندگی خود نمی‌باشند. آنها اگر چه هم صحبت‌هایی عالی و بذله‌گو هستند اما نمی‌توان در درازمدت روی آنها حساب کرد.

برنامه‌ریزی کردن در مورد اوقات فراغت او، فراهم کردن وسایل و امکانات رفاهی گران قیمت برای آینده‌ی او و به طور کلی مدیریت و حمایت زیاد او و وظایف او از جمله مواردی هستند که می‌توانند یک نوجوان را به سمت نوجوان ابدی شدن هدایت کنند.

نوجوانان ابدی!

اگر می‌خواهید این خصوصیت را در خود تغییر دهید باید به گونه‌ای نظام‌مند خودتان را مجبور کنید که کار کنید و تصمیم‌ها را بدون کمک‌طلبی اتخاذ کنید. چالش‌ها و تغییراتی را که از آنها اجتناب می‌کنید بر عهده بگیرید. اتفاقاً همان کارهایی را که دوست ندارید باید انجام دهید، نه فقط کارهایی را که شیفته‌ی آنها هستید. اما کاری که می‌تواند یک نوجوان ابدی را شفا دهد، کاری است که او را وادارد که پی در پی و مداوم، هر روز صبح، با اراده برخیزد و کارها و وظایف خود را به انجام رساند.

هیچ روان‌درمانی مانند «کار کردن» نمی‌تواند یک نوجوان ابدی را شفا دهد. ■

می‌دهند، این سندروم بیشتر در مردان دیده می‌شود. حمایت افراطی دو بعد دارد: بعد اول آن دخالت‌گری است، یعنی به محض این که بچه‌ها بخواهند کاری را به تنهایی انجام دهند سر و کله‌ی دخالت والدین پیدا می‌شود و ابتدا با نصیحت و سپس با ترساندن و در نهایت با انجام آن کار، عملاً کار را از دست بچه‌ها می‌گیرند. اگر چه ممکن است این والدین نیت خوبی داشته باشند اما کارشان اشتباه است.

دومین بعد حمایت افراطی، تضعیف تلاش‌های کودک برای عمل مستقلانه است. والدین با انتقاد از قضاوت‌های کودک و نادیده‌انگاری تصمیم‌های او باعث تضعیف عملکرد مستقل او می‌شوند.

به این ترتیب این زنان و مردان که تعدادشان هم در جامعه کم نیست، توسط مادران مقتدر، از نظر سنی و جسمی بزرگ شده‌اند اما به لحاظ روانی در نوجوانی جا مانده‌اند.

مادران و پدران عزیز!

شما مهم‌ترین و اثرگذارترین نقش‌ها را در پیشگیری یا ایجاد سندروم نوجوان ابدی در فرزندان خود دارید:

مراقبت و حمایت کردن همیشگی از نوجوان در حد یک کودک، با سرعت برآوردن کردن نیازهای او، فرصت انجام رفتار مستقلانه را از او گرفتن، تصمیم‌گیری در مورد آینده‌ی تحصیلی، شغلی و انتخاب همسر به جای او، ندادن هیچ‌گونه مسئولیتی به او در ارتباط با خودش، خانواده یا دیگران،

منابع

- ۱- کیگان، جروم؛ ماسن، پاول هنری؛ هوستون، آلتا کارول؛ کانجر، جان جین وی (۱۳۸۴). رشد و شخصیت کودک. ترجمه‌ی مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز، کتاب‌ماد.
- ۲- یانگ، جفری؛ کلوسکو، ژانت (۱۳۹۶). زندگی خود را دوباره بیافرینید. ترجمه‌ی دکتر حسن حمید پور؛ الناز پیرمادی؛ ناهید گلی زاده. تهران: کتاب ارجمند.



چاقی یا لاغری؟

مترجم: مژده یمینیان

کارشناس تغذیه

اکثر رسانه‌ها و مقالات، بیشتر به اضافه وزن و چاقی می‌پردازند و مشکل لاغری کمتر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، بر آن شدم که به ترجمه و گردآوری مقالاتی هم در زمینه‌ی چاقی و هم در زمینه‌ی لاغری پردازم.

چاقی چیست؟

از نظر سازمان بهداشت جهانی، به تجمع غیرطبیعی و بیش از اندازه‌ی چربی در بدن، اضافه وزن و چاقی می‌گویند که می‌تواند تأثیر منفی، روی سلامت انسان داشته باشد.

اگر وزن فردی، ۲۰٪ بیشتر از وزن ایده‌آلش باشد، به چاقی مبتلا شده است. ولی از آنجایی که دستیابی به وزن ایده‌آل برای هر انسانی مشکل است، سازمان بهداشت جهانی، محدوده‌ای از وزن طبیعی را برای هر انسانی با توجه به قدش تعیین کرده و اگر کسی با توجه به قدی که دارد، وزنش در محدوده‌ی سلامت قرار گیرد، از وزن متناسب برخوردار بوده و دچار مشکلات ناشی از اضافه وزن، چاقی و یا کم وزنی نمی‌شود.

یکی از مسائلی که امروزه، ذهن انسان‌ها را به شدت درگیر کرده است، مشکل اضافه وزن و چاقی می‌باشد که اکثر افراد به نوعی به فکر مبارزه با آن هستند.

چاقی اگر یک بیماری نباشد، می‌تواند مادر بسیاری از بیماری‌ها باشد و زمینه را برای پیدایش بسیاری از بیماری‌ها مساعد کند.

یکی از بزرگترین دلایل افراد چاق برای اقدام به لاغری، نگرانی آنها از وضع ظاهریشان است و تمام روش‌های درست و نادرست را برای لاغر شدن و برخورداری از ظاهری مطلوب‌تر به کار می‌گیرند.

در گذشته و در زمان‌های بسیار دور، چاقی را سمبل زیبایی، سلامتی و رفاه می‌دانستند و از افراد لاغر به عنوان فردی ضعیف و ناسالم، یاد می‌کردند و حتی چاقی، یکی از معیارهای قدرت و زیبایی تلقی می‌شد.

با گذشت زمان و افزایش علم و آگاهی، انسان‌ها کم کم به این نتیجه رسیدند که چاقی نمی‌تواند نشانه‌ی سلامت باشد و به تدریج، معیارهای زیبایی از چاقی به لاغری تغییر پیدا کرد، به طوری که در دنیای امروز، اکثر شاخص‌های سلامتی و زیبایی را در افراد لاغر جستجو می‌کنند. اما آیا لاغری، صرفاً می‌تواند نشانه‌ی سلامتی باشد؟ آیا لاغر بودن مفید است؟

در عصر حاضر با افزایش اضافه وزن و چاقی و پیامدهای آن در بین افراد جامعه، تمام توجه‌ها به مبارزه با چاقی معطوف شده و این مسأله باعث غفلت مردم از عوارض لاغری شده است و چون

^۱ - World Health Organization.

اوقات خود را با انجام بازی‌های کامپیوتری و تماشای تلویزیون سپری می‌کنند. تحقیقات نشان داده، بچه‌هایی که در اتاق خوابشان تلویزیون دارند، نسبت به بچه‌هایی که در اتاقشان تلویزیون ندارند، خیلی بیشتر در معرض چاقی قرار می‌گیرند. فعالیت‌های فیزیکی بر روی عملکرد هورمون‌ها تأثیرگذار است و هورمون‌ها در نحوه‌ی استفاده بدن از غذا، مداخله می‌کنند. از جمله هورمون‌هایی که عدم ثباتش در خون، ارتباط نزدیکی با افزایش وزن دارد، هورمون انسولین است و تحقیقات متعددی نشان داده که فعالیت‌های بدنی، اثرات سودمندی بر تنظیم سطح انسولین خون دارد.

۳. عدم وجود خواب کافی: تحقیقات نشان داده‌اند که کمبود خواب در افراد، خطر پیدایش چاقی را تا دو برابر افزایش می‌دهد و این خطر هم شامل بالغین و هم شامل کودکان می‌شود. فقدان خواب کافی از طریق تغییراتی در هورمون‌ها، باعث افزایش اشتها می‌شود. یکی از هورمون‌هایی که باعث افزایش اشتها می‌شود، هورمون گرلین^۳ می‌باشد که خواب ناکافی باعث افزایش ترشح این هورمون می‌شود. همچنین عدم خواب کافی باعث کاهش ترشح هورمون لپتین^۴ می‌شود که متوقف کننده اشتها است.

۴. عوامل مختل کننده کار غدد درون‌ریز، نظیر مصرف غذاهایی که در سوخت و ساز چربی‌ها، اختلال ایجاد می‌کنند: یک گروه تحقیقاتی در بارسلونا به این نتیجه رسیدند که نوشیدنی‌های حاوی فروکتوز^۵ که یک نوع قند ساده

برای اطلاع از متناسب بودن وزن، شاخصی به نام BMI^۲ یا شاخص توده بدنی وجود دارد که مطابق با این شاخص، وزن هر فرد بر مبنای کیلوگرم بر مجذور قد او برحسب متر، تقسیم می‌شود. چنانچه عدد به دست آمده کمتر از ۱۸/۵ باشد، نشانه‌ی کم‌وزنی و اگر بین ۱۸/۵-۲۵ باشد، نشانه‌ی وزن طبیعی و بین ۲۵-۳۰ نشانه‌ی اضافه وزن می‌باشد. اگر شاخص توده بدنی بین ۳۰-۳۵ باشد، چاقی درجه‌ی یک، بین ۳۵-۴۰، چاقی درجه دو و بیشتر از ۴۰، چاقی مفرط می‌باشد.

پیدایش چاقی علل مختلفی دارد که عبارتند از:

۱. مصرف زیاد مواد غذایی: اگر فردی با مصرف مواد غذایی بیش از نیاز خود، کالری زیادی به بدنش برساند، این کالری اضافی به صورت چربی در بدن انباشته می‌شود و باعث اضافه وزن و چاقی می‌شود. متأسفانه بیشتر این کالری اضافی از طریق مصرف نوشیدنی‌های شیرین و فست فودها به بدن می‌رسد.

۲. سبک زندگی کم تحرک: با وجود تلویزیون، کامپیوتر، بازی‌های کامپیوتری، ریموت کنترل‌ها، ماشین‌های ظرفشویی و لباسشویی و دیگر تسهیلات مدرن انسان‌ها در مقایسه والدین و اجدادشان، زندگی کم‌تحرکی دارند. در دهه‌های گذشته، مردم برای رسیدن به سوپرمارکت‌ها، بانک‌ها، مراکز خرید و ... مجبور به پیاده‌روی در خیابان‌های طویل بوده‌اند. اما امروزه حتی برای رسیدن به مقصدهای نزدیک هم، حاضر به پیاده‌روی نیستند. متأسفانه سبک زندگی بچه‌ها نیز تغییرات زیادی کرده است، به طوری که بیشتر

^۳ - Ghrelin.

^۴ - Leptin.

^۵ - Fructose.

^۲ - Body Mass Index.

بنابراین در مورد بیمارانی که استعداد اضافه وزن و چاقی دارند، باید در صورت امکان داروهایی تجویز شود که منجر به اضافه وزن نشود.

۷. ژن چاقی: طبق تحقیقاتی، یک ژن معیوب به نام **FTO**، باعث پیدایش چاقی می‌شود، به طوری که از هر شش نفر، یک نفر به واسطه‌ی این ژن دچار پرخوری می‌شود. افرادی که حامل این ژن هستند، تمایل به مصرف زیاد غذا دارند و ترجیحاً غذاهای چرب و پرکالری مصرف می‌کنند و اکثراً چاق هستند. این افراد معمولاً نسبت به افرادی که حامل این ژن نیستند، با مصرف مواد غذایی بیشتری سیر می‌شوند.

توضیح مترجم: البته عوامل دیگری هم در ایجاد چاقی دخالت دارند که در این مقاله، عنوان نشده‌اند.

از روش‌های درمان چاقی، می‌توان به رژیم غذایی، ورزش و فعالیت‌های فیزیکی، دارو درمانی و جراحی اشاره کرد.

لاغری چیست؟

فرد لاغر به کسی گفته می‌شود که وزنش پایین‌تر از وزن ایده‌آل باشد و همان‌طوری که گفته شد شاخص توده بدنی او زیر ۱۸/۵ باشد و یا این که وزنش ۱۵٪ تا ۲۰٪ پایین‌تر از وزن طبیعی با توجه به سن و قدش باشد.

از علل لاغری می‌توان به ژنتیک، سوخت و ساز، مصرف دارو، کاهش مصرف غذا به دلیل فقر یا بیماری اشاره کرد. همچنین بعضی از بیماری‌ها از قبیل پرکاری غده تیروئید، سرطان و سل در پیدایش لاغری مؤثرند و بیماران مبتلا به بیماری‌های گوارشی یا مشکلات کبدی به دلیل عدم جذب مواد مغذی به مقدار کافی، لاغر می‌شوند. از دیگر

می‌باشد، بر روی سوخت و ساز چربی‌ها تأثیرگذار می‌باشد و طبق آزمایشاتی که در این زمینه روی موش‌های آزمایشگاهی انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که مصرف نوشیدنی‌های حاوی فروکتوز باعث ایجاد افزایش تری‌گلیسیریدهای خون، کبد چرب، افزایش فشار خون، مقاومت به انسولین، دیابت و چاقی می‌شود و در این زمینه تحقیقات اپیدمیولوژیکی نشان داده‌اند که اثر نوشیدنی‌های حاوی فروکتوز بر روی زنان بیشتر است.

در جوامع مدرن، رژیم‌های غذایی نامتعادل و فقدان ورزش و تحرک، عواملی برای افزایش ایجاد چاقی و دیگر بیماری‌های متابولیکی می‌باشند، البته در مورد اثرات منفی نوشیدنی‌های حاوی فروکتوز، همچنان بحث وجود دارد.

۵. کاهش مصرف سیگار: لازم به توضیح است که مصرف سیگار، اشتها را کاهش می‌دهد. طبق نظر انجمن ملی سلامت^۶، ترک سیگار باعث افزایش زیاد وزن، نمی‌شود. و به طور میانگین در بین افراد سیگاری، پس از ترک سیگار، ۶ تا ۸ پوند^۷ افزایش وزن صورت می‌گیرد و تقریباً ۱۰٪ از افرادی که مصرف سیگار را کنار گذاشته‌اند، دچار افزایش وزن زیاد در حدود ۳۰ پوند می‌شوند.

۶. داروهایی که باعث افزایش وزن در بیماران می‌شوند: تحقیقات نشان داده‌اند که مصرف بعضی از داروها، باعث اضافه وزن می‌شود. بسیاری از اضافه وزن‌ها که در نتیجه‌ی درمان بعضی از بیماری‌ها به وجود می‌آیند، به تجویزهای دارویی مربوط می‌شوند. درجات افزایش وزن بین مردم، به نوع داروی مصرفی و شرایط فردی بستگی دارد.

^۶ - National Institute of Health.

^۷ - واحد وزن برابر با ۴۵۴ گرم - Pound

ورزش زیاد باعث ایجاد یائسگی می‌شود، تغییرات هورمونی به خاطر عدم تخمک‌گذاری منتج به کاهش تراکم استخوان و ایجاد ترک‌های خود به خودی در استخوان می‌شود که معمولاً آسیبی برگشت‌ناپذیر می‌باشد.

اگر چه تأثیر لاغری بر مرگ و میر با عوارض ناشی از چاقی قابل مقایسه است، اما اگر افراد لاغر سیگاری نباشند و یا سابقه بیماری خاصی نداشته باشند، معمولاً کمتر در معرض عوارض خطرناک لاغری قرار می‌گیرند. برای درمان لاغری از چند روش می‌توان استفاده کرد که عبارتند از:

۱. رژیم غذایی: یکی از راه‌هایی که به افراد لاغر جهت وزن‌گیری توصیه می‌شود، افزایش کالری دریافتی با مصرف کافی مواد غذایی پرکالری می‌باشد. برای افرادی که جذب کافی ویتامین‌ها یا مواد معدنی را ندارند نیز مکمل‌های غذایی توصیه می‌شود.
۲. ورزش: روش دیگر وزن‌گیری برای افراد لاغر انجام تمرینات ورزشی می‌باشد. ورزش باعث افزایش ماهیچه‌ها و توده بدن می‌شود و وزن‌گیری در نتیجه تمرینات ورزشی، باعث افزایش تراکم مواد معدنی استخوان می‌شود. ورزش، همچنین در افرادی که تمایل به مصرف مواد غذایی ندارند، تحریک‌کننده‌ی اشتها می‌باشد.
۳. مصرف داروهای محرک اشتها: بعضی از داروها با تأثیر مستقیم یا به صورت اثر جانبی باعث افزایش اشتها می‌شوند. ■

عواملی که باعث کاهش وزن می‌شود، اختلالات غذا خوردن و تحرک بیش از حد می‌باشد.

کاهش وزن می‌تواند نشانه‌ی بیماری یا نتیجه‌ی یک بیماری باشد. هرگونه کاهش وزن بی‌دلیل، نیاز به تشخیص پزشکی دارد.

کاهش وزن، همچنین می‌تواند دلیلی برای پیدایش بعضی بیماری‌ها باشد، به عنوان مثال در بعضی افراد که سیستم ایمنی ضعیفی دارند، باعث ایجاد عفونت می‌شود. از دست دادن وزن و کمبود ریزمغذی‌ها همچنین باعث تضعیف سیستم ایمنی و قدرت دفاعی بدن می‌شود و اگر همراه با بیماری‌های عفونی باشد، می‌تواند یکی از دلایل مرگ باشد.

در افرادی که سوءتغذیه دارند، نه تنها میزان کالری دریافتی‌شان ناکافی است، بلکه دریافت و جذب مواد مغذی حیاتی مخصوصاً اسیدهای آمینه و ریزمغذی‌ها نظیر ویتامین‌ها و املاح، به میزان لازم نیست.

در خانم‌ها، لاغری شدید به علت اختلال در غذا خوردن یا انجام فعالیت‌های شدید، می‌تواند باعث پیدایش یائسگی و ناباروری شود و اگر وزن‌گیری یک خانم باردار در طی دوران بارداری به اندازه لازم نباشد، می‌تواند باعث ایجاد عوارضی در دوران بارداری بشود. سوءتغذیه همچنین باعث پیدایش کم‌خونی و ریزش مو می‌شود.

کاهش وزن شدید، عامل خطر برای ایجاد پوکی استخوان، حتی در افراد جوان می‌باشد و این به صورت منحصر به فرد در خانم‌های ورزشکاری که دچار آسیب سه‌گانه ورزش^۱ بانوان شده‌اند، مشاهده شده است. وقتی که اختلال در غذا خوردن یا

منابع

1. What is obesity By Hannah Nichols.
2. Under weight – Wikipedia.

^۱ - Female athletic Triad

آسیب سه‌گانه ورزش بانوان که شامل توقف سیکل ماهیانه، اختلالات مرتبط با تغذیه و پوکی استخوان می‌باشد. یک زن می‌تواند یک یا دو یا هر سه علامت را داشته باشد.

جرایم رایانه‌ای

امیر فراز نعیموت

کارشناس ارشد مقوق



با رشد علم و تکنولوژی و گسترش روابط افراد در فضاهای مجازی و ایجاد شبکه‌های متعدد اجتماعی و با توجه به انتشار اطلاعات شخصی افراد در این شبکه‌ها، زمینه برای سوءاستفاده برخی افراد سودجو و ناهنجار ایجاد گردیده است. از این رو لزوم حراست از شرف و آبروی مردم و ضرورت اطلاعات اشخاص در فضای سایبری، قانون گذر را بر این داشته تا قوانینی برای جلوگیری از وقوع جرم در فضای سایبری و مجازات اینگونه از مجرمین تنظیم کند.

به اقتضای فضای نشریه و جهت آگاهی مخاطبان عزیز به چند نمونه از قوانین جرائم علیه محرمانگی داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی اشاره می‌کنیم.

ماده ۱- هر کس به‌طور غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است، دسترسی یابد به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۱۲- هر کس به طور غیرمجاز داده‌های متعلق به دیگری را برآید، چنانچه عین داده‌ها در

اختیار صاحب آن باشد، به جرای نقدی از یک میلیون ریال تا بیست میلیون ریال و در غیر این صورت به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

در جوامع امروزی داده‌ها و اطلاعات را پس از ماده و انرژی به عنوان سومین عامل بنیادی می‌شناسند. قانون گذر در ماده فوق داده‌های متعلق به همه کاربران (اعم از حقیقی و حقوقی) رایانه و فضای سایبر را مورد حمایت قرار داده است.

ماده ۱۶- هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً

سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت، رأساً یا به‌عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یاد شده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان)، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهار میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

همانطور که ملاحظه کردید قانون‌گذار سعی بر این داشته تا در بستر قانون و پیش‌بینی مجازات‌های کیفری از ارتکاب جرم در فضای سایبری جلوگیری و فضا را برای کاربران امن سازد. هرچند صاحب نظران عقیده دارند جهت کاهش جرایم رایانه‌ای و ایجاد فضای امن در دنیای مجازی علاوه بر وضع قوانین باید به فرهنگ‌سازی گسترده و بهبود زیرساخت‌های فرهنگی به‌وسیله آموزش‌ها از سنین پایه و در کل جامعه پرداخت.

چنانچه مایل به آشنایی بیشتر با این قوانین هستید کتاب «محشای قانون جرایم رایانه‌ای» از انتشارات مجد به شما عزیزان توصیه می‌شود. ■

در صورت تمایل به ارائه پیشنهاد برای مطلب حقوقی در شماره‌های بعدی و هرگونه انتقاد می‌توانید با ایمیل زیر با نویسنده در ارتباط باشید:

Amir_faraz26@hotmail.com

موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهار میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره - چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۱۷- هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهار میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

این بخش از این قانون با توجه به اهمیت حریم خصوصی به عنوان یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته و اصل سازمان بخشی جامعه مدنی با لحاظ ارتباط تنگاتنگ آن با کرامت و شخصیت و آزادی و استقلال انسان تدوین گردیده است.

و اما یکی از متداول‌ترین مواردی که در دنیای مجازی با آن روبرو می‌شویم انتشار مطلب خلاف واقع و بعضاً نسبت دادن اخبار نادرست به دیگر اشخاص از سوی کاربران یا همان «نشر اکاذیب» است که به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای صورت می‌گیرد.

ماده ۱۸- هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به‌وسیله

اخبار

مهندس امید ممبئی مقدمه
مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران

برگزاری دو مسابقه فوتبال بین تیم های گیبور کلیمیان و هموطنان عزیز زرتشتی

به همت کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران، روز یکشنبه مورخ ۲۶ شهریور ماه ۱۳۹۶، دو مسابقه فوتبال مابین جوانان گیبور/ جوانان زرتشتی و همچنین بزرگسالان گیبور/ بزرگسالان زرتشتی در زمین چمن مصنوعی مجموعه ورزشی شهید شیروودی برگزار گردید.

در این دو مسابقه که با استقبال باشکوه همکیشان گرامی نیز همراه بود دو تیم جوانان گیبور و بزرگسالان گیبور موفق شدند به ترتیب با نتایج ۳ بر ۲ و ۶ بر ۲ در مقابل حریف خود به برتری دست یابند.



جلسه مشترک کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان و معلمان محترم دروس دینی و عبری

به همت کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران، روز پنجشنبه مورخ ۶ مهرماه ۱۳۹۶ جلسه مشترکی با معلمان محترم دروس دینی و عبری برگزار شد.



در ابتدای این جلسه، دکتر رامین لاله‌پور (مسئول کمیته فرهنگی) خواسته‌ها و انتظارات کمیته فرهنگی را درخصوص اهم برنامه‌ها و اهداف آموزشی در سال تحصیلی جدید بیان کرد و در نهایت نظرات، پیشنهادات و انتقادات دبیران محترم مطرح شد.

جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح و مهندس روبرت خالدار از دیگر افرادی بودند که در ادامه این جلسه، به ایراد سخنرانی پرداختند.



نصب لوح های میراث فرهنگی و مالکیت آرامگاه تاریخی گیلارد

به همت کمیته بهشتیه انجمن کلیمیان و هیات امنای بهشتیه تهران، روز یکشنبه مورخ ۱۴ آبان ماه ۱۳۹۶، عملیات نصب لوح های میراث فرهنگی و مالکیت آرامگاه تاریخی گیلارد به انجام رسید. یادآور می شود آرامگاه گیلارد، یکی از آرامگاه های قدیمی جامعه کلیمیان می باشد به طوری که نزدیکان و خویشاوندان تعداد بسیاری از افراد جامعه کلیمی که در گذشته اند، در آن مدفون شده اند. کمیته بهشتیه انجمن کلیمیان همواره توجه خاصی به آرامگاه مبذول داشته و اخیرا نیز فعالیت های خود را برای بهبود هر چه بیشتر شرایط آن، شدت بخشیده است. این آرامگاه، اخیرا در سازمان میراث فرهنگی به ثبت رسید.

تقدیر از برگزیدگان مسابقات شطرنج



به همت کمیته ورزش انجمن کلیمیان، تابستان سال ۹۶، شاهد برگزاری مسابقات شطرنج ویژه دانش آموزان ۸ تا ۱۲ سال، به مدیریت شهاب شهامی فر و امید شایان مهر بود. شرکت کنندگان در این مسابقات به روش سویسی با حریفان خود به رقابت پرداختند و در نهایت و به ترتیب، بنیامین خالدار، بنیامین ملکان، شروین و آرمین صغیری (مشترک) به عنوان برگزیدگان این رویداد ورزشی معرفی گردیدند. همزمان با سیزده آبان و روز دانش آموز، از این برگزیدگان در مدارس خود و با حضور برخی از اعضای کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران، تقدیر به عمل آمد.



آغاز به کار فعالیت بازرسین جدید انجمن کلیمیان تهران

به دنبال تایید صلاحیت بازرسان توسط وزارت محترم کشور، در جلسه هیأت مدیره انجمن کلیمیان که مورخ ۱۴ آبان ماه ۱۳۹۶ تشکیل شد، مراسم معارفه و تودیع بازرسان جدید و قدیم برگزار گردید. یادآور می شود دکتر سیامک مره صدق، مهندس فریدون طوبی و مهندس امید ماخانی به عنوان بازرسین جدید این دوره، مشغول به فعالیت شده اند.

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران، ضمن سپاس و تشکر از کلیه زحمات بازرسین دوره قبل (مهندس امید ماخانی، بهداد میکائیل و داوود گوهریان)، آغاز فعالیت بازرسین جدید را به این عزیزان تبریک می گوید.

ابراز تسلیت در خصوص درگذشت آقای شاهرخ عسکری و همسر ایشان

هیأت مدیره انجمن کلیمیان تهران با اندوه فراوان و با کمال تأسف، درگذشت شادروانان، آقای شاهرخ عسکری (از فعالین انجمن کلیمیان شیراز) و همسر ایشان را خدمت خانواده محترم، کل جامعه کلیمیان شیراز و ایران تسلیت گفته و برای نشاما و روح آن مرحومان از قادر مطلق، علو درجات را خواستار است. ضمناً اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران به همراه کلیه افراد جامعه، از درگاه قادر مطلق برای آقای هوشنگ خان داداش و همسر محترمشان، آرزوی شفای عاجل و طول عمری همراه با سلامتی و سربلندی را دارند.

ابراز تسلیت بابت وقوع زلزله در استان های غربی کشور

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران، مراتب عمیق تسلیت و همدردی خود را بابت زلزله پیش آمده در استان های غربی کشور و فوت و مجروح شدن تعدادی از هم میهنان عزیز، اعلام می دارد. بی شک جامعه کلیمیان، همانند سایر هموطنان، در این درد خود را شریک می داند. امید است لطف خداوند منان، همچون همیشه، همواره شامل حال ایران سربلند و ایرانیان سرافراز باشد.

Comité Central
de la

COMMUNAUTE JUIVE DE TEHRAN
Teleg: Anjoman Kalimian
le:

ב'ה'
ב'נאם ח'ד

ועד הקהילה היהודי טהראן
TEHRAN
Central Jewish Committee

انجمن کلیمیان تهران

شماره ثبت ۶
عنوان تلگرافی: انجمن کلیمیان

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۸/۲۵
شماره: ۲۳۹۵۶

با عرض تسلیت بابت وقوع زلزله در استان های غربی کشور و در راستای ابراز همدردی با هموطنان مصیبت زده، بدینوسیله به اطلاع همکیشان و عزیزانی که مایل به مشارکت در این امر خیر می باشند می رساند که می توانند کمک های نقدی خود را به کارت شماره ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۹۲۲۹۸۷ به نام «انجمن کلیمیان تهران» نزد بانک ملی ایران یا کارت شماره ۵۰۲۲۲۹۱۰۱۹۷۳۹۷۹۴ به نام «یونس حمامی لاله زار» بانک پاسارگاد واریز نمایند یا به صورت نقدی به آقایان:
۱. هاروا یهوداگرامی ۲. مهندس رحمانی (کنیسی خراسانیه) ۳. یورام هارونیان (کنیسی ابریشمی)
۴. بهادر میکائیل ۵. روبرت خالدار تحویل نمایند.

با تقدیم احترام
رئیس انجمن کلیمیان تهران
دکتر همایون سامان پور

برگزاری جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز کلیمی

طبق روال هر ساله و به همت انجمن کلیمیان تهران و خانه جوانان یهود تهران و همچنین پیگیری‌های کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران، جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز کلیمی در کلیه مقاطع تحصیلی، به مدت سه شب در ۱۲، ۱۳ و ۱۴ آذر ماه در تالار اجتماعات محبان برگزار شد.



همایش حکمت در ادیان توحیدی



همایش « مفهوم حکمت در ادیان توحیدی » به مناسبت روز جهانی فلسفه ۲۹ آبان در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.

در این همایش که اندیشمندانی از ادیان اسلام، مسیحیت، زرتشت و یهودیت حضور داشتند، حجت‌الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، مدیریت

جلسه را برعهده داشت و خود در پایان همایش، درباره مفهوم حکمت در فلسفه و متون اسلامی به ایراد سخنرانی پرداخت.

در این گردهمایی دینی- فلسفی، ابتدا دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی (استاد فلسفه اسلامی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران) مفهوم حکمت از دیدگاه فلسفه اسلامی را تشریح نمود و سپس آیت‌الله دکتر سید مصطفی محقق داماد (استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی) در باب مفهوم حکمت در متون اسلامی سخنرانی ایراد کرد. مفهوم حکمت در دین مسیحیت موضوع سخنان کشیش گریگوری نرسیسیان (کشیش کلیسای آرامنه تهران) و اسقف مارنرسای بنیامین موانه (اسقف کلیسای شرق آشوری ایران) بود و حکمت در دین زرتشت را موبد دکتر اردشیر خورشیدیان (رئیس انجمن موبدان تهران) بیان نمود.

از طرف جامعه کلیمیان، آرش آبائی به تبیین مفهوم حکمت در دین یهود پرداخت. وی با تکیه بر منابع پنجگانه کتب حکمت در تنخ (عهد عتیق) در کنار منابع تلمودی، خصوصیات و مصادیق حکمت دینی را در باورهای یهودی در فاصله‌ی زمانی تورات تا تلمود مورد بررسی قرار داد و اشاراتی نیز به حکمت در عرفان

یهودی نمود.



تقدیر از ستاد خیریه کوروش کلیمیان در همایش بزرگداشت روز بین‌المللی کار داوطلبانه
هم‌زمان با روز بین‌المللی کار داوطلبانه (۵ دسامبر)، همایش بزرگداشتی در سالن رازی دانشگاه علوم پزشکی برگزار شد.

دکتر معصومه ابتکار (معاون رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده)، دکتر سید محمد هادی ایازی (معاون امور اجتماعی وزارت بهداشت)، دکتر نصیری (معاون موسسات خیریه وزارت بهداشت)، مهندس جلالی (مدیر بحران استان تهران) از جمله چهره‌هایی بودند که در این مراسم، از فعالین این حوزه در چهار گروه بهداشت و درمان، جوانان، خانواده و محیط زیست و میراث فرهنگی، تقدیر به عمل آوردند.
در این همایش از بین تمام اقلیت‌های مذهبی، تنها ستاد خیریه کوروش از طرف جامعه کلیمیان حضور داشت که از طرف مسئولین ذی‌ربط، در زیرگروه خانواده مورد تقدیر قرار گرفت.



جشن پایان سال فعالیت مرکز آموزش موسیقی انجمن کلیمیان تهران

به همت کمیته جوانان انجمن کلیمیان و اعضای مرکز آموزش موسیقی در تاریخ ۲۲ آذر ماه ۱۳۹۶، همزمان با ایام جشن حنوکا، جشن پایان سال فعالیت مرکز آموزش موسیقی انجمن کلیمیان تهران برگزار گردید. دکتر همایون سامه‌یج (رییس انجمن کلیمیان تهران)، ادموند معلمی (مسئول کمیته جوانان)، مهندس فریدون طویی (رییس مرکز موسیقی و بازرس انجمن) و شهاب شهامی‌فر (مسئول مرکز و فعال اجتماعی) در این مراسم به ایراد سخنرانی پرداختند. تشکر از زحمات ارزنده اساتید محترم و هنرجویان مرکز، محور اصلی صحبت‌های ایراد شده را تشکیل می‌داد.

هنرنمایی هنرجویان مرکز آموزش موسیقی انجمن کلیمیان در این جشن، که با اجراهای تک‌نوازی، دونوازی و جمعی (پیانو- تمبک - گیتار-ویولن) همراه بود، همچنین اجرای گروه جدید موسیقی پاپ مرکز آموزش و اجرای قطعاتی دلنشین و شاد به خوانندگی مسعود مینایی و نوازندگی استاد هوشنگ نفیس‌پور و تاریخ رضوانی، تحسین حصار در سالن را برانگیخت.

اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران، والدین هنرجویان، اساتید مرکز، برخی اعضای کمیته جوانان، هیات مدیره و بازرس سازمان دانشجویان یهود و تعدادی از علاقه‌مندان به هنر موسیقی، از دیگر مدعوین این جشن بودند.



موفقیت بانوی کلیمی در المپیاد ورزشی بانوان بازنشسته تامین اجتماعی

یک بانوی کلیمی ساکن تهران، موفق به کسب رتبه اول رشته پینگ‌پنگ در المپیاد ورزشی بانوان بازنشسته سازمان تامین اجتماعی شد.

ایلانا دانیالی، مشاور کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران و از اعضای قدیم خانه جوانان יהود است که در این المپیاد که در آذر ماه ۱۳۹۶ در شهر شیراز برگزار شد، سرپرستی کل رشته‌های ورزشی شهر تهران را نیز بر عهده داشت.



شرکت نمایندگان جامعه کلیمیان در اولین اجلاس حقوق شهروندی

اولین اجلاس ملی گزارش پیشرفت‌ها و راهکارهای رفع موانع تحقق حقوق شهروندی با حضور رئیس‌جمهور و برخی دیگر از مقامات ارشد دولتی در آذر ماه ۱۳۹۶ برگزار شد.

دکتر حسن روحانی در این اجلاس بار دیگر بر پاسداشت حقوق شهروندی همه مردم ایران از جمله

اقلیت‌ها تاکید کرد.



از طرف جامعه کلیمیان نیز حاخام آرش تهرانی و حاخام بنیامین رنگ‌کار (از اعضای بت‌دین مرکزی کلیمیان ایران-تهران)، دکتر همایون سامه‌یح (رئیس انجمن کلیمیان تهران)، دکتر سلیمان کهن‌صدق (نایب رئیس)، ادموند معلمی

(مسئول کمیته جوانان) و رحیم آقابالا (فعال اجتماعی) در این همایش حضور داشتند.

حضور هیئت کلیمی در جلسه هم‌اندیشی مابین سپاه و جوامع ادیان توحیدی

به دعوت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در روز چهارشنبه مورخ ۹۶/۹/۲۹ در مجتمع فرهنگی تفریحی طلائی، جلسه‌ای در راستای تعمیق ارتباطات مابین سپاه و جوامع ادیان توحیدی، جلسه هم‌اندیشی و بررسی برنامه‌های آتی به میزبانی فرماندهی سپاه حضرت رسول... (ص) - تهران بزرگ، سرتیپ دوم پاسدار محمدرضا یزدی و همراهی حجت‌الاسلام نعیمی «مسئول عقیدتی - سیاسی» برگزار گردید.

در این جلسه نمایندگانی از هر یک از اقلیت‌های مسیحی (ارامنه، آشوریان)، زرتشتی و کلیمی و همچنین مسئولین سپاه حضرت رسول گرد هم آمدند و هر یک از اقلیت‌ها سخنرانی کوتاهی را ایراد نموده و نقطه نظرات خود را بیان کردند.

از طرف جامعه کلیمیان جناب آقای دکتر سیامک مره‌صدق (نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی)، دکتر همایون سامه‌یح (رئیس انجمن کلیمیان تهران)، موسی ثانی، منوچهر سرافراز و نسترن جاذب در این جلسه حضور داشتند که آقایان: دکتر سیامک مره‌صدق و دکتر همایون سامه‌یح از طرف هیئت کلیمی سخنانی را ایراد نمودند.

در خاتمه این نشست صمیمی و دوستانه، با اهدای کتاب دوجلدی بیست و هفتی‌ها «مجموعه تصاویر ۳۴ فرمانده شهید لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله» به هر یک از میهمانان پایان پذیرفت.



پیام هیئت مدیره انجمن کلیمیان در خصوص انتصاب حجت الاسلام علی یونسی به سمت مشاور رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت ها

Comité Central
de la

COMMUNAUTE JUIVE DE TEHRAN

Teleg: Andjoman Kalimian

le:

ב'ה'
ב'נאם خدا

ועד הקהילה ליהודי טהראן

TEHRAN

Central Jewish Committee

انجمن کلیمیان تهران

شماره ثبت ۶
عنوان تلگرافی: انجمن کلیمیان

تاریخ: ۱۳۹۶/۱۰/۰۵

شماره: ۲۴۰۹۳

محضر مبارک حجت الاسلام جناب آقای علی یونسی مشاور رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت های دینی

حفظ و حراست از فرهنگ و هویت دینی اقلیت های مذهبی در ایران همواره در گرو
روشنگری های استادان و علما و مسئولین زحمتکش و ایثارگر این جامعه بوده است.

احتراماً هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و جامعه کلیمیان ایران، با ارج نهادن به مقام شامخ
جنابعالی، انتصاب به جا و شایسته شما را به عنوان «مشاور رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت ها»
تبریک و تهنیت عرض نموده و از تلاش ها و زحمات جنابعالی و همچنین حمایت ها و بذل
توجهتان نسبت به اقلیت های مذهبی بالاخص «جامعه کلیمیان ایران» سپاسگزاری می نماید.
امید است این الطاف کماکان شامل حال جامعه ما باشد و کلیمیان ایران نیز همچون گذشته
با تأکید بر تعلق خاطر به نظام و ارزش های حاکم در جمهوری اسلامی و با تکیه بر قوانین جاری
و وطن خود و ارزش های بنیادین انقلاب اسلامی همراه و هم دوش هموطنان عزیز خود گام بردارند.
از درگاه خداوند منان برای حضرتعالی سلامت و طول عمر با عزت مسئلت می نمایم.
خداوند همه ما را در خدمت به بندگان خود موفق و منصور نماید.

با احترام مجدد

ریاست انجمن کلیمیان تهران

دکتر همایون سامه یح



Add: #223, 3rd Floor, Sheykh-Hadi St., Jomhoori Ave., 1139733317,
Tehran - Iran
Tel: (+98 21) 66702556-66707612-66716430 Fax: (+98 21) 66716429
Email: iranjewish@iranjewish.com WWW.IRANJEWISH.COM

نشانی: خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ هادی - شماره
۱۱۳۹۷۳۳۳۱۷ - طبقه سوم - کدپستی
شماره: تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - ۶۶۷۰۷۶۱۲ - ۶۶۷۱۶۴۳۰
۶۶۷۱۶۴۲۹



بازدید از سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

روز چهارشنبه مورخ ۶ دی ماه ۱۳۹۶، جمعی از اعضای جامعه کلیمیان تهران، از سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بازدید کردند.

دکتر همایون سامه‌یخ (رئیس انجمن کلیمیان تهران)، مهندس امید محبتی‌مقدم (عضو هیئت مدیره و مدیر روابط عمومی)، مهندس امید ماخانی (بازرس انجمن)، فرزاد طویان (عضو کمیته بهشتیه)، فرانک عراقی (سردبیر مجله افق بینا)، نسترن جاذب (کمیته فرهنگی) و فرینوش لازار (از اعضای هیئت تحریریه) در این بازدید حضور داشتند.

در ابتدای این ملاقات نشست مشترکی با دکتر شهرام

یوسفی‌فر (معاون اسناد ملی) و مشاوران ایشان برگزار شد. معاونت اسناد ملی در این دیدار ضمن درخواست ارتقای سطح همکاری مشترک مابین انجمن و جامعه کلیمیان و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، خواستار افزایش هر چه بیشتر اسناد مربوط به یهودیت و یهودیان در مخازن مجهز این سازمان شد.

دیدار از بخش‌های مختلف سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، به خصوص رؤیت اسناد موجود مرتبط با جامعه‌ی کلیمیان، بخش دیگر این بازدید را تشکیل داد.



جهت آشنایی عزیزان با این مرکز، خلاصه‌ای از خدمات آن ارائه می‌گردد.

مطالعات منسجم اولیه برای تأسیس آرشیو ملی ایران از سال ۱۳۴۲ شروع شد و در اردیبهشت ۱۳۴۹ مجلس شورای ملی قانون تأسیس سازمان اسناد ملی را به تصویب رساند.

در سال ۱۳۸۱ سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد شد. در سال ۱۳۸۵ مدیریت آماده‌سازی و مرمت به اداره کل حفاظت و نگهداری تغییر ساختار یافت که متشکل از گروه‌های زیر می‌باشد:

۱. گروه آسیب شناسی و آزمایشگاه

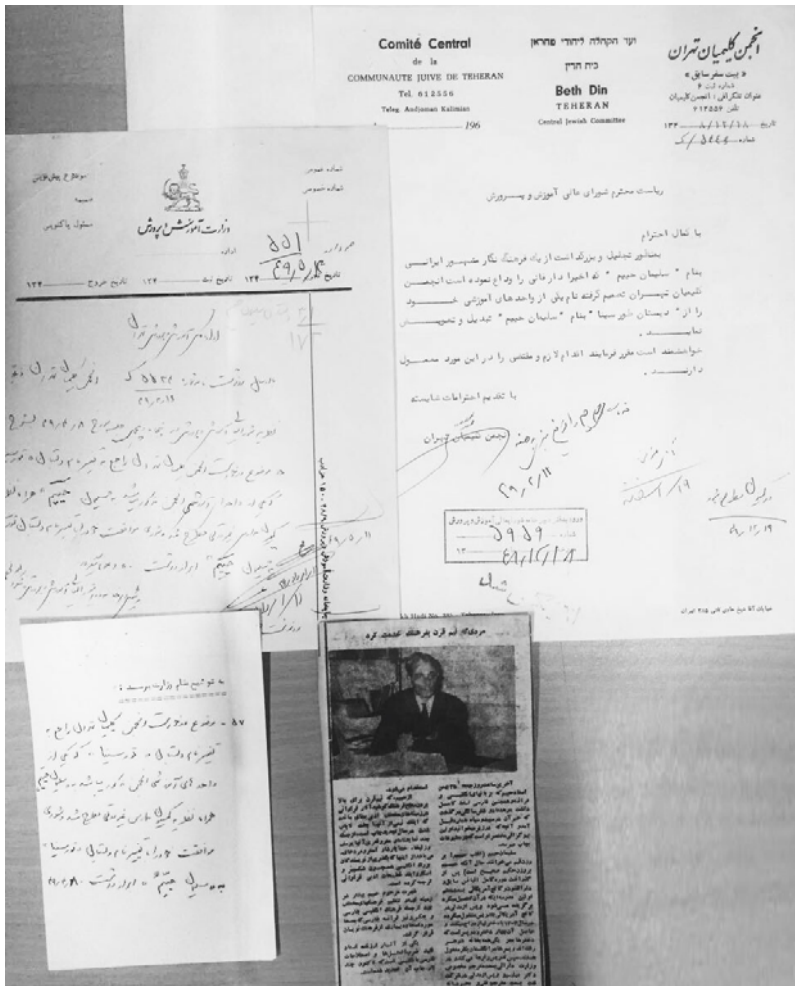
۲. گروه آسیب‌زدایی و مرمت اسناد

۳. اداره میکروفرم‌ها و اسناد دیجیتال

۴. اداره حفاظت از منابع دیداری و شنیداری

از مهمترین وظایف حفاظت و نگهداری اسناد می‌توان به این موارد اشاره کرد: دیجیتال‌سازی اسناد و کتب، تهیه میکروفیلم، اسکن، چاپ عکس، آسیب‌زدایی، مرمت، آفت‌زدایی و انجام فعالیت‌های تخصصی بر روی اسناد آسیب‌دیده و تدوین و نشر نتایج تحقیقات انجام شده به ساختار اسناد و کتب.

یکی از اسناد مربوط به انجمن کلیمیان که در آرشیو ملی نگهداری می‌شود:



پیشنهاد انجمن کلیمیان تهران به شورای عالی آموزش و پرورش مبنی بر نام‌گذاری دبستان طور سینا به نام سلیمان حیمیم به پاس خدمات شایان وی به فرهنگ کشور، تاریخ ۱۳۴۹ شمسی، ۴۷ سال پیش.

این سند به شماره‌های ۳۶۸۷۰ - ۲۹۷ در آرشیو ملی ایران نگهداری می‌شود.

خانواده محترم روحانی خانواده محترم یعقوبزادگان

درگذشت آقای فرهاد روحانی، همکار قدیمی مجله افق‌بینا و انجمن کلیمیان را تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم روحی شاد و آرام طلب می‌کنیم. ما را در غم خود شریک بدانید.

انجمن کلیمیان تهران - هیئت تحریریه نشریه افق بینا

دوست عزیز آقای داوود گوهریان

تحمل فقدان سوگ مادر، صبری الهی را می‌طلبید. ما را در این غم سترگ و جانکاه شریک بدانید.

هیئت تحریریه نشریه افق بینا

جناب آقای گوهریان

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و برای آن مرحومه علو درجات را خواستاریم.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

خانواده محترم روزرخ

درگذشت آقای ناصر روزرخ را تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم علو درجات را خواستاریم.

انجمن کلیمیان تهران

جناب آقای موسی حریریان

بدینوسیله از زحمات شبانه‌روزی شما برای کنیسه‌های بزرگ و کوچک پل چوبی، کمال تشکر را داریم و برای شما و خانواده محترمتان، سلامتی و موفقیت از درگاه الهی خواستاریم.

جماعت کنیسه پل چوبی

بدینوسیله از زحمات و محبت‌های تمام عزیزانی که ما را در برپایی جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز کلیمی همراهی کردند به‌ویژه انجمن کلیمیان تهران بابت حمایت‌های مالی و معنوی کمال تشکر را داریم.

خانه جوانان یهود تهران

همکیشان گرامی می‌توانند جهت یادبود درگذشتگان خود در خارج از کشور تابلوی یادبودی در بهشتیه تهران نصب نمایند. جهت اطلاعات بیشتر با مدیریت بهشتیه تماس حاصل نمایید.

کمیته بهشتیه انجمن کلیمیان تهران

از دوستان عزیز که تبصری در نویسندگی دارند و تمایل دارند با مجله همکاری کنند، خواهشمندیم مطالب خود را به ایمیل مجله ارسال نمایند. بدیهی است در صورت هم‌خوانی با اهداف مجله به نام نویسنده چاپ خواهد شد.